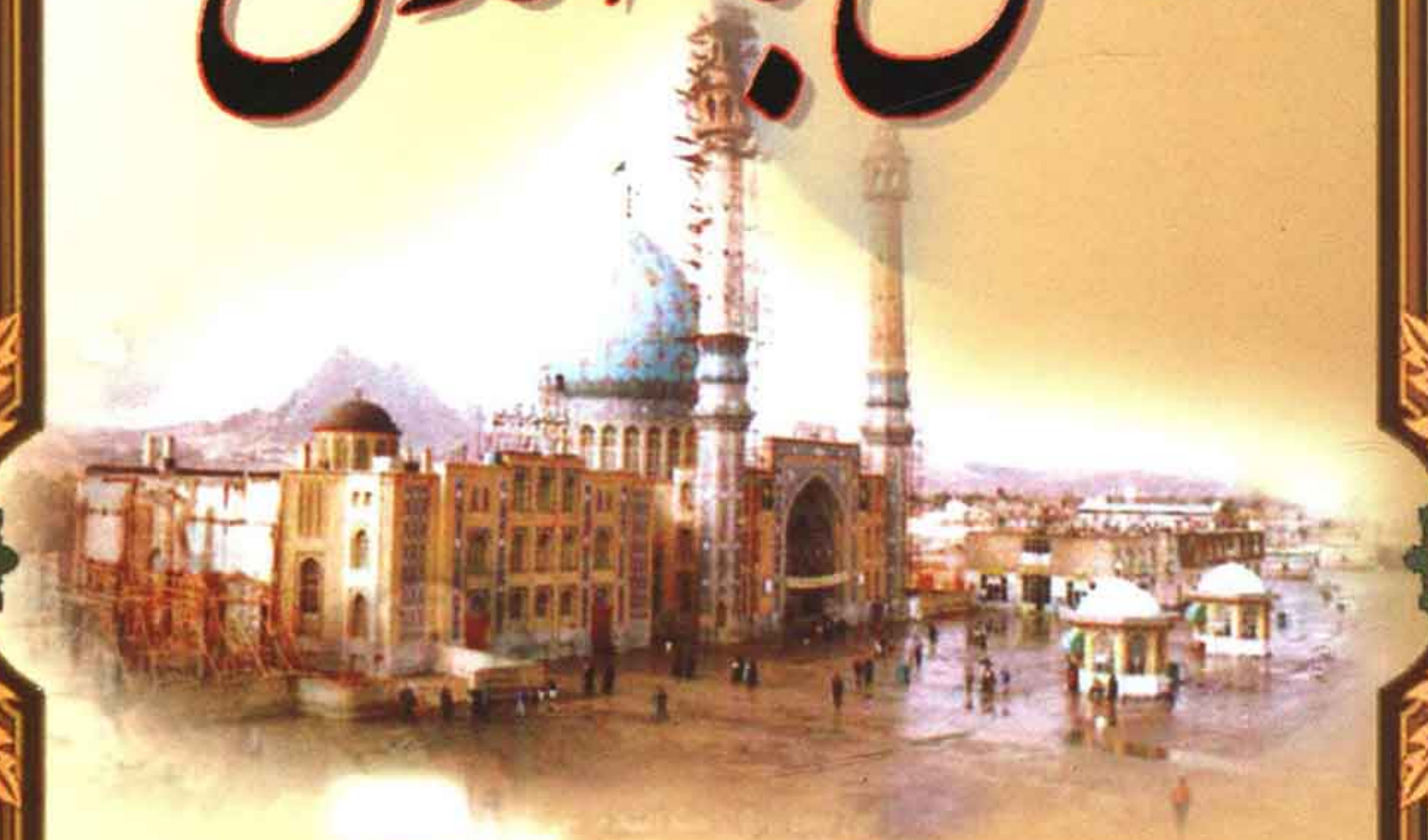


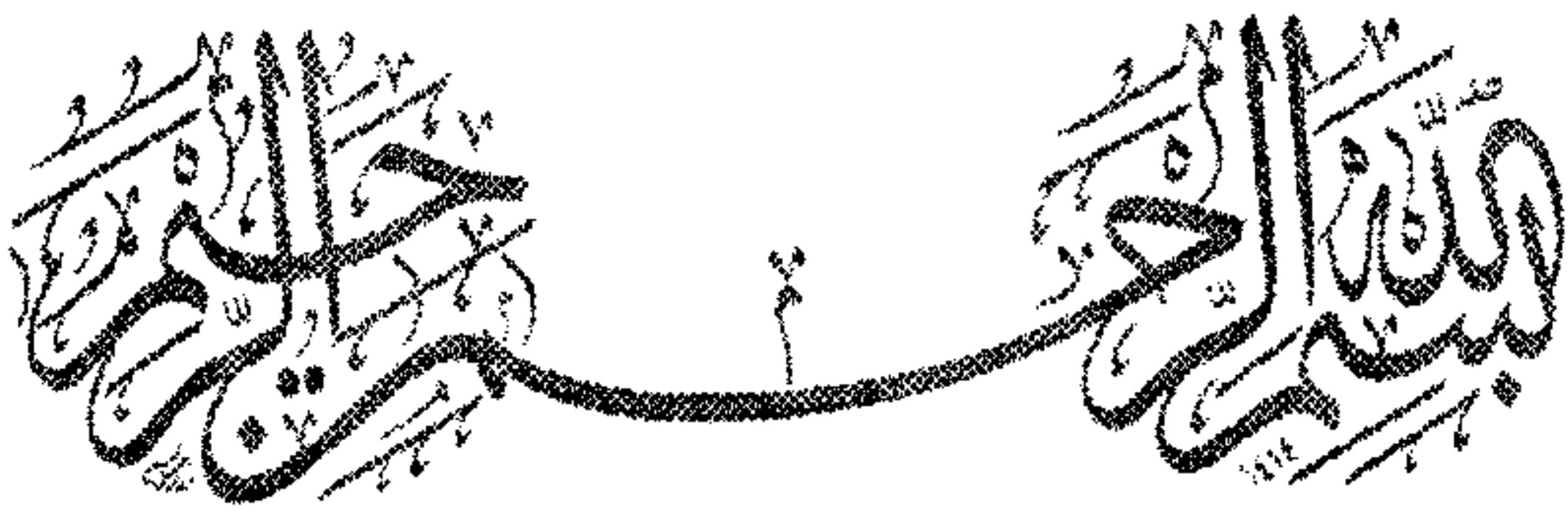
# انس با محمدی



دل بی توبہ جان آمد  
وقت است کہ باز آپی



مولف : سید محمد رضا میر حبیب الہی




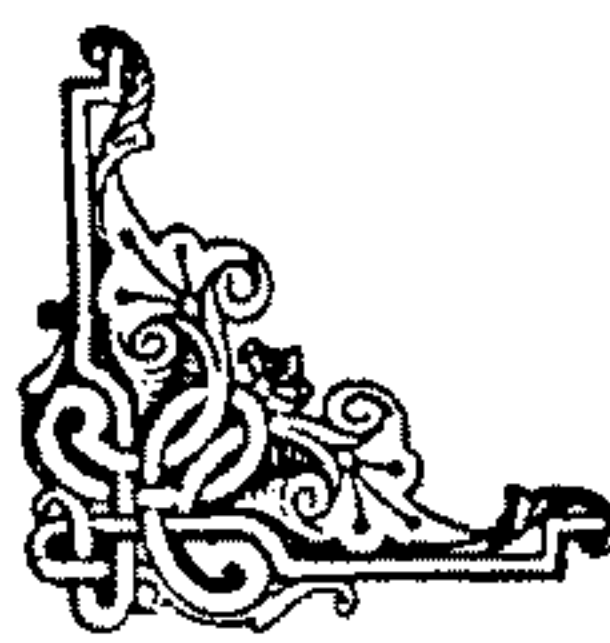


---

# أنس با مهدی عليه السلام

مؤلف:

سید محمد رضا میرحبیب اللہی



---

نام کتاب: انس با مہدی علیہ السلام

مؤلف: سید محمد رضا میرحبیب الہی

ناشر: کمال الملک

لیتوگرافی چاپ و صحافی: سلیمان زادہ

تیراژ: ۲۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اوّل

قیمت: ۸۰۰ تومان

شابک: ۶-۷۸-۷۲۷۱-۹۶۴

## فهرست

- پیش‌گفتار: ..... ۱۱
- امان ز لحظه غفلت که شاهدم هستی ..... ۱۱
- نام مقدس حضرت علیه السلام و لقب او ..... ۱۵
- ایستادن به احترام حضرت علیه السلام ..... ۱۷
- انتظار فرج ..... ۲۱
- هر روز به یاد حضرت علیه السلام ..... ۲۵
۱. خواندن دعای عهد هر روز صبح ..... ۲۵
۲. صلوات برای حضرت علیه السلام ..... ۲۶
۳. صدقه دادن ..... ۲۸
۴. سفارش امام صادق علیه السلام ..... ۲۸
- انتقام‌گیرنده خون امام حسین و حضرت زهرا علیهما السلام ..... ۳۱
- انتقام پهلوی شکسته فاطمه علیها السلام ..... ۳۶
- طول عمر حضرت علیه السلام ..... ۳۷
- علت غیبت امام زمان علیه السلام ..... ۴۳

- ۴۹ ..... فایده امام غایب علیه السلام
- ۵۵ ..... تعداد اصحاب امام زمان علیه السلام
- ۶۱ ..... نتیجه
- ۶۳ ..... زنان در رکاب حضرت مهدی علیه السلام
- ۶۵ ..... وقت و علائم ظهور حضرت علیه السلام
- ۶۶ ..... ۱. خروج دجال
- ۶۶ ..... ۲. ندای آسمانی
- ۶۷ ..... ۳. خروج سفیانی
- ۶۷ ..... ۴. فرورفتن لشکر سفیانی در بیداء
- ۶۷ ..... ۵. کشته شدن نفس زکیه
- ۷۳ ..... حکومت حضرت ولی عصر (عج)
- ۷۳ ..... ویژگیهای حکومت حضرت مهدی علیه السلام
- ۷۳ ..... ۱. برپایی عدل و داد و ریشه کن کردن ظلم و جور
- ۷۵ ..... ۲. حکومتی نیرومند و جهانی
- ۷۶ ..... ۳. سلاح حضرت
- ۷۹ ..... ۴. پایتخت حکومت و منزل حضرت
- ۸۱ ..... ۵. جایگاه مسجد در حکومت حضرت
- ۸۵ ..... آیا می شود امام زمان علیه السلام را دید؟
- ۹۳ ..... دعا در قنوت (آیه الله بهاء الدینی)

- مرد صابونی ..... ۹۷
- توسل به امام زمان (نجات از مرگ) ..... ۱۰۱
- دعای فرج ..... ۱۰۵
- امام زمان علیه السلام در حال قرآن خواندن (تشریف علامه بحر العلوم) ۱۰۷
- دستان علامه حلی در دستهای مبارک امام زمان علیه السلام ..... ۱۰۹
- چند روز میهمان حضرت (علی بن مهزیار) ..... ۱۱۱
- عیادت در منزل (آیت الله بهاء الدینی) ..... ۱۱۷
- احترام به مادر (حاج آقا فخر تهرانی) ..... ۱۲۱
- سفارش حضرت در مورد پدر ..... ۱۲۳
- گریه بر حضرت علی اصغر علیه السلام ..... ۱۲۷
- روضه حضرت عباس علیه السلام ..... ۱۲۹
- گریه حضرت بر اسیری حضرت زینب علیها السلام ..... ۱۳۱
- پرداخت سهم امام زمان علیه السلام (حاج علی بغدادی) ..... ۱۳۳
- توسل به نرجس خاتون علیها السلام مادر امام زمان علیه السلام ..... ۱۴۱
- زیارت جامعه در محضر امام زمان علیه السلام ..... ۱۴۳
- سفارش حضرت به خواندن نماز شب زیارت عاشوراء، زیارت جامعه (سید احمد رشتی) ..... ۱۴۷
- هشت توصیه حضرت علیه السلام (آیت الله مرعشی نجفی) ..... ۱۵۱
- درآمد حلال کسب با انصاف (پیرمرد قفل ساز) ..... ۱۵۳

- برکات معنوی (آیت الله تهرانی) ..... ۱۵۷
- عمر با برکت (شیخ حرّ عاملی) ..... ۱۵۹
- دعای ویژه امام زمان علیه السلام (تولد شیخ صدوق) ..... ۱۶۱
- ذکر تشرف (شیخ رجبعلی خیاط) ..... ۱۶۳
- نگهداری از شیعه‌خانه (آیت الله نائینی) ..... ۱۶۵
- طواف کعبه همراه با امام زمان علیه السلام (صبیه آیت الله اراکی) ... ۱۶۷
- سفارش امام زمان علیه السلام به علامه محمد تقی مجلسی (در مورد صحیفه  
سجادیه) ..... ۱۶۹
- طرح دوستی (شیخ مفید رحمه الله) ..... ۱۷۳
- چهل شب چهارشنبه رفتن به مسجد سهله ..... ۱۷۷
- توصیه علامه مجلسی رحمه الله جهت ملاقات کردن حضرت  
ولی عصر علیه السلام ..... ۱۷۹
- منابع و مآخذ ..... ۱۸۲



«اللَّهُمَّ ارِنِي الطَّلْعَةَ الرَّشِيدَةَ،

وَالْغُرَّةَ الْحَمِيدَةَ،

وَاطْحُلَّ نَاطِرِي بِنَظَرَةٍ مَنِّي إِلَيْهِ،

وَ عَجَّلْ فَرَجَهُ وَ سَهِّلْ مَخْرَجَهُ؛

خداوندا، آن چهره نورانی رشید، و

درخشنده پسندیده را به من نشان ده.

و دیدگانم را به نگاه کردنی به او روشن

گردان. و فرج آن حضرت را نزدیک و

قیامش را آسان بفرما.»

چه شود گر رخ ماهت بینم

به تماشای رُخت بنشینم

چه شود گر که بمن یار شوی

همدم این دل بیمار شوی

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

### پیش‌گفتار:

امان ز لحظه غفلت که شاهد م هستی

عشق و علاقه وافر به حضرت بقیة الله الأعظم علیه السلام در میان شیعیان و مخصوصاً ایرانیان از جایگاه ویژه و خاصی برخوردار است و این علاقه و اظهار ارادت و محبت به حضرت ولی عصر علیه السلام در مکانهایی همچون مسجد جمکران، هر هفته شب‌های چهارشنبه که از نقاط دور و نزدیک، سیل مشتاقان حضرت علیه السلام اعم از پیر و جوان، زن و مرد که به عشق حضرت مهدی علیه السلام به آن مکان مقدس می‌شتابند.

و در زمانهای گوناگون همچون شب‌های جمعه، روزهای جمعه، و شب‌های نیمه شعبان که مردم چراغانی و شادی می‌کنند، بیشتر تجلی و ظهور پیدا می‌کند.

بنده کمترین نیز گرچه عمل صالحی ندارم تا در محضر حضرت ولی عصر علیه السلام حرفی برای گفتن و ابراز علاقه و ارادت حقیقی داشته باشم، اما از آنجایی که:

چون میسر نیست ما را کام او عشق بازی می کنیم با نام او همیشه سعی ام بر این بود که روزهای جمعه که متعلق به امام زمان علیه السلام است و در دعای حضرت در روز جمعه می خوانیم: «هذا يوم الجمعة، وهو يومك، المتوقع فيه ظهورك؛ امروز روز جمعه است، و روز جمعه روز شما است، و در این روز، منتظر ظهور شما هستم» در هر مجلسی که روز جمعه صحبت می کنم، نامی و یادی از حضرت ببرم و دوستان و مستمعین را در روز جمعه به یاد حضرت مهدی علیه السلام متوجه کنم.

و برای اینکه خود را در صف مشتاقان حضرت قرار دهم، هرچند بدون فراهم آوردن اسباب تقرب به حضرت، مانند پیرزنی که به بهانه دیدن حضرت یوسف با در دست داشتن کلاف نخی، خود را در صف خریداران یوسف قرار داد.

لذا مطالبی را در مورد حضرت ولی عصر علیه السلام که عمدتاً برگرفته از روایات اهل بیت علیهم السلام می باشد، با معیارهایی خاص، گلچین و جمع آوری کردم تا در دسترس همگان، مخصوصاً جوانان عزیز که سر تا پا عاشق اهل بیت علیهم السلام و حضرت مهدی می باشند، قرار گیرد.

نکته مهمی که در ذکر این مطالب سعی شده، رعایت و دقت شود، این بود که هر مطلب، روایت و حکایتی که نقل می شود؛  
 اولاً: از مأخذ و منبع موثق و مورد اطمینان باشد.  
 ثانياً: حاوی پیامی اخلاقی و آموزنده و از همه مهم تر راهکاری  
 گره گشا برای نزدیک شدن به حضرت ولی عصر علیه السلام باشد.  
 زیرا آن چیزی که ما را از مهدی فاطمه علیهما السلام دور و غایب کرده، اعمال ناشایست ما و گناهان ما می باشد؛ چنان که خود حضرت فرمودند: «اگر شیعیان ما، که خداوند بر انجام طاعت موفقشان بدارد، در وفا کردن به عهد ما همدل بودند، مبارکی ملاقات ما از آنها به تأخیر نمی افتاد و سعادت دیدار همراه با معرفت ما به سوی آنها می شتافت. پس ما را از آنها پوشیده (غایب) نمی دارد، مگر همان چیزهایی که از آنها به ما می رسد و ما دوست نداریم و از آنها چنین انتظار نداریم».<sup>۱</sup>  
 امید است، ان شاء الله با مراقبت از اعمال و رفتار خود، از آن غفلتی که ما را از حضرت دور کرده است، بیرون آییم و ما نیز مصداق این فراز دعای عهد قرار گیریم:

«اللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ... وَالْمَمْتَلِينَ لِأُؤَامِرِهِ»<sup>۲</sup>  
 خدایا، مرا قرار بده از یاران و کمک کنندگان به حضرت و از کسانی که دستورات و اوامر آن حضرت را امثال و عمل می کنند».

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۷.

۲. دعای عهد.

این کتاب، در دو بخش تنظیم گردیده است:

بخش اول: که دارای چندین فصل است و در بردارنده جواب سؤالاتی است که در مورد حضرت مهدی علیه السلام شاید به ذهن برسد. و مطالب این بخش، از روایات اهل بیت علیهم السلام می باشد.

بخش دوم: در مورد کسانی است که به محضر امام زمان علیه السلام تشریف پیدا کرده اند. و این بخش هم دارای پیامهای بسیار عالی اخلاقی و سفارشات مهم حضرت به افراد جامعه می باشد.

ای غایب از نظر که شدی همنشین دل

می گویمت ثناء و دعا می فرستمت

ای غایب از نظر به خدا می سپارمت

جانم بسوختی و به دل دوست می دارمت<sup>۱</sup>

سید محمدرضا میرحبیب اللهی

آبان ماه ۱۳۸۳ مقارن با رمضان ۱۴۲۵

## نام مقدس حضرت عليه السلام و لقب او

نام مقدس حضرت بقیة الله (عج)، همانا پیامبر اسلام صلى الله عليه وآله وسلم و کنیه او نیز هم کنیه پیامبر می باشد؛ پس اسم حضرت (م - ح - م - د) است.

سؤالی که اینجا مطرح است، این است که چرا حضرت را به نام اصلی خود؛ یعنی همان اسم پیامبر صدا نمی کنند و آن حضرت را به این نام نمی خوانند؟

جواب: در روایات، نهی شده از بردن نام حضرت به همان اسم اصلی، و این موضوع بین علماء، اختلافی است که آیا این نهی برای زمان قبل از غیبت صغری بوده؛ یعنی آن پنج سال زندگی حضرت در زمان امام حسن عسکری عليه السلام، به خاطر اینکه بنی امیه و بنی عباس در پی کشتن حضرت بودند؟ یا این نهی تا پایان زمان غیبت صغری بوده؟ و آیا این نهی شامل غیبت کبری هم می شود؟

عده ای گفته اند این نهی، مختص همان زمان پنج سال است. و عده ای دیگر گفته اند شامل غیبت صغری می شود. و عده ای هم مانند علامه مجلسی فرموده اند: چون روایات زمانی را مشخص

نکرده‌اند، ما تعبداً به این روایات عمل می‌کنیم و در زمان غیبت کبری هم از بردن نام اصلی حضرت (م - ح - م - د) نهی می‌کنیم و حضرت را با این نام نمی‌خوانیم. و علت نهی از بردن نام اصلی حضرت، معلوم نیست و بر ما علتش مخفی است.<sup>۱</sup>

و برای حضرت القاب زیادی ذکر شده است که مرحوم محدث نوری در کتاب شریف «نجم الثاقب» ۱۸۲ لقب از القاب حضرت را ذکر کرده‌اند. و ما دوتا از القاب حضرت را که در آن کتاب ذکر نشده و مردم هم زیاد آن القاب را به کار می‌برند، ذکر می‌کنیم، با وجه تسمیه این لقب‌ها. یکی از القاب حضرت معروف است به «شریک القرآن». سؤال: چرا به حضرت می‌گویند «شریک القرآن»؟

جواب: همچنانکه حضرت موسی به خداوند عرض کرد: ﴿وَأشْرِكُ فِي أَمْرِي﴾<sup>۲</sup> و هارون را در فرمان من شریک کن» و هارون در امر وحی با موسی شریک بود، و طبق حدیث منزلة «یا علی! أنت منی بمنزلة هارون من موسی إلا أنه لا نبی بعدی»، حضرت علی و سایر معصومین علیهم السلام شریک امر پیامبر که دین و قرآن باشد هستند و به این علت است که به حضرت صاحب الزمان (عج) می‌گوییم: «یا شریک القرآن» چنانکه در روایات در مورد امام حسین علیه السلام هم لقب «شریک القرآن» وارد شده است.

۱. جلاء العیون.

۲. طه / ۳۲.

### ایستادن به احترام حضرت علیه السلام

در میان مردم مرسوم است که وقتی لقب حضرت به اسم قائم علیه السلام برده می شود، مردم می ایستند و برخی بعد از ایستادن دست بر سر می گذارند، به احترام حضرت، آیا این اعمال، ریشه روایی دارد، یا خیر؟

جواب: بله، ریشه روایی دارد و در زمان ائمه علیهم السلام هم همین اعمال مرسوم بوده است. علتش را از کلام امام صادق علیه السلام جویا می شویم.

صاحب کتاب «الزام الناصب» نقل می کند: «از حضرت صادق علیه السلام سؤال کردند: چرا موقع بردن لفظ (قائم) از القاب حضرت حجت علیه السلام باید ایستاد؟

حضرت فرمودند: زیرا دارای غیبتی طولانی است و از شدت محبتی که به دوستانش دارد، هر کسی او را با این لقب یاد کند که نموداری از دولت او و شاهد ناراحتی از دوری اش می باشد [حضرت]



به او توجه می‌کند».

شرح: یکی از شرایط بنده چاکر این است که هر وقت آقایش به او توجه کرد، به احترام آن آقا بایستد و از خداوند تقاضای تعجیل فرجش را نماید.

از حضرت رضا علیه السلام نیز نقل شده: در مجلسی که در خراسان داشت، وقتی نام حضرت قائم علیه السلام برده شد، دست بر روی سر خود گذاشت و از جای خود حرکت کرد و فرمود: «اللّٰهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَسَهِّلْ مَخْرَجَهُ»<sup>۱</sup>.

در روایات آمده است که:

«روزی در محضر امام صادق علیه السلام، اسم مبارک حضرت برده شد، امام علیه السلام به خاطر احترام و تعظیم حضرت ولی عصر علیه السلام از جا بلند شدند»<sup>۲</sup>.

تذکر: نکته‌ای که قابل توجه است اینکه موقع بردن نام حضرت قائم (عج) و شنیدن نام حضرت، واجب نیست انسان بایستد و یا دست بر سر گذارد، بلکه ایستادن و دست بر سر یا سینه گذاشتن، به هنگام شنیدن نام حضرت قائم (عج)، تنها یک اظهار ادب و تعظیم است که حتی الامکان باید رعایت شود.

و انسان با ایستادن، موقع شنیدن نام حضرت، خدمت حضرت

۱. امام حجة بن الحسن العسكري.

۲. نجم الثاقب، ص ۷۷۵.

ولی عصر علیه السلام اظهار ادب و احترام می نماید.

ولی اگر کسی موقع شنیدن نام حضرت قائم (عج) بلند نشد و نایستاد، به خاطر بیماری و یا کهولت سن و یا هر دلیل و شرایطی که دارد، نباید بر او ایراد گرفت و کار او را مذمت کرد. چون همچنانکه عرض شد، ایستادن، واجب نیست.

و اگر در این مورد زیاد سختگیری شود، برای اینکه در موقع شنیدن نام حضرت افراد بلند نشوند، از ذکر نام مقدس حضرت قائم (عج) عده ای خودداری می کنند و نام حضرت را ذکر نمی کنند. در روایات متعددی وارد شده که اهل بیت علیهم السلام از حضرت ولی عصر علیه السلام با عظمت خاصی یاد می کردند من باب نمونه، چند روایت ذکر می کنیم:

۱. مردی به خدمت حضرت علی علیه السلام رسید و گفت: یا علی! ما را از مهدی خودتان آگاه کن. امیر المؤمنین مطالبی راجع به حضرت به آن مرد فرمود. و در پایان حدیث، آن مرد می گوید: حضرت علی علیه السلام با دست به سینه اش اشاره فرمود و آهی سرد کشید و فرمود: «وه که چه مشتاق به دیدارش هستم».<sup>۱</sup>

۲. از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود: «لو ادرکته لخدمته ایام حیوتی»<sup>۲</sup> اگر او را درک می کردم یعنی در زمان او زندگی

۱. غیبه نعمانی، ص ۲۵۱.

۲. غیبه نعمانی، ص ۲۸۷؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۴۸.

می کردم] تمام عمرم را در خدمت کردن به او می گذراندم».

۳. پیامبر ﷺ فرمود: «بهشت مشتاق چهار نفر از خاندان من

است که خدا آنها را دوست دارد و مرا به دوستی با آنها فرمان داده است:

۱. علی بن ابی طالب؛ ۲. حسن؛ ۳. حسین؛ ۴. مهدی علیه السلام؛ که

پشت سر مهدی علیه السلام، حضرت عیسی علیه السلام نماز می خواند».<sup>۱</sup>

۴. پیامبر اکرم ﷺ به ابی بن کعب فرمود: «ای ابی! خوشا به

حال کسی که حضرت مهدی را ملاقات کند. خوشا به حال کسی که

آن حضرت را دوست داشته باشد. و خوشا به حال کسی که با آن

حضرت صحبت کند».<sup>۲</sup>

۵. قال رسول الله ﷺ: «المهدی طاووس اهل الجنة»<sup>۳</sup> پیامبر

اکرم ﷺ فرمود: [زیباترین شخص در بهشت حضرت مهدی است]

مهدی طاووس بهشتیان است».

۱. اثبات الهداة، ج ۷، ص ۱۰۳.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۰؛ عیون اخبار الرضا، ص ۷.

۳. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۹۱؛ الطرائف، ج ۱، ص ۱۷۸.

## انتظار فرج

یکی از وظایف ما در زمان غیبت حضرت ولی عصر (عج) انتظار فرج حضرت می باشد که در روایات به این کار مهم (انتظار فرج) بسیار سفارش شده است.

حضرت علی رضی الله عنه فرمود: «افضل عبادة المؤمن انتظار الفرج؛<sup>۱</sup> بهترین و بافضیلت ترین عبادت انسان مؤمن، انتظار فرج است.»  
پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «انتظار الفرج بالصبر عبادة؛<sup>۲</sup> هر کس منتظر فرج باشد و در این انتظار، اهل صبر باشد، چنین انتظاری عبادت است.»

و نیز آن حضرت می فرماید: «افضل اعمال امتی انتظار الفرج؛<sup>۳</sup> بهترین کارهای امت من، انتظار فرج است.»

حال، انتظار فرج که در روایات از آن به عنوان بهترین عبادت و

---

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۲؛ محاسن برقی.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۴۵.

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲.

با فضیلت ترین اعمال، تعبیر شده است، یعنی چه؟

یعنی اینکه ما طوری زندگی کنیم و اعمال، رفتار و کارهای ما به شکلی باشد که مورد رضایت و پسند حضرت ولی عصر علیه السلام باشد و در هر زمانی که حضرت قیام و خروج نمودند، ما بتوانیم جزء یاران حضرت مهدی علیه السلام قرار گیریم.

و این ممکن نیست، مگر با ترک گناه و خودسازی و مبارزه با هوای نفس؛ چنان که قرآن می فرماید: «در روز جنگ احد، عده ای از یاران پیامبر را شیطان وسوسه کرد و آنها سُست شدند و دست از یاری پیامبر کشیدند. و تأثیر این وسوسه شیطان در آنها به خاطر گناهی بود که قبلاً انجام داده بودند».

در نتیجه، کسی که پرونده اعمالش از گناهان بد، پُر باشد و اعمال ناشایست او زیاد باشد و از گناهان دست برندارد و توبه نکند، اگر امام زمان علیه السلام را هم درک کند، نمی تواند از یاران حضرت باشد.

زیرا شیطان نمی گذارد و او را از زمره یاران حضرت خارج می کند؛ چنان که عده ای از یاران پیامبر را چنین کرد.

به همین علت است که در زمان قیام حضرت مهدی علیه السلام عده ای که منافع خود را در خطر می بینند و هنوز دست از گناه نکشیده اند، بر علیه حضرت قیام می کنند و با حضرت جنگ می نمایند.

۱. حضرت صادق علیه السلام به ابی بصیر فرمود: «هر کس مایل است از

اصحاب قائم علیه السلام باشد، انتظار فرج بکشد و پرهیزکاری را پیشه خود سازد و خویشتن را به اخلاق پسندیده بیاراید.<sup>۱</sup>

۲. جابر می گوید به امام باقر علیه السلام عرض کردم: «یا ابن رسول الله! فما افضل ما يستعمله المؤمن في ذلك الزمان؟ قال: حفظ اللسان؛<sup>۲</sup> ای پسر رسول خدا! بهترین کار مؤمن در زمان غیبت چیست؟ امام فرمودند: مراقبت و مواظبت از زبان».

۳. و خود حضرت مهدی علیه السلام هم در مورد این مسئله (یعنی کسی که اهل عمل صالح نیست و اهل معصیت و دوستی با شیطان و پیروی هوای نفس است) در جواب محمد بن عثمان که از حضرت در مورد جعفر کذاب، عموی امام زمان علیه السلام سؤال کرده بود، چنین نوشت: «فاعلم أنه ليس بين الله عزّ وجلّ و بين احدٍ قرابةً و من انكرني فليس منّي و سبيلاً، سبيل ابن نوح؛<sup>۳</sup> بدان که بین خداوند و هیچ شخصی، قرابت و فامیلی وجود ندارد (یعنی خداوند با هیچ شخصی، پارتی بازی نمی کند و هر کس را طبق اعمالش با او رفتار می نماید) و هر کس منکر من شد، از من نیست و راه و روش او (جعفر کذاب) راه و روش پسر نوح است».

پس اگر بخواهیم، جزء منتظرین فرج حضرت مهدی (عج) باشیم،

۱. منتخب الاثر، ص ۴۹۷.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۴۵.

۳. بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۲۲۷.

باید اصلاح نفس و خودسازی و ترک گناه کنیم و از گناهان گذشته خود توبه و استغفار نماییم و در تمام مراحل زندگی و انجام اعمال خود، حضرت مهدی علیه السلام را شاهد و ناظر بر اعمال خود بدانیم و متوجه باشیم که حضرت بر اعمال ما آگاه است.

و مطلب دیگری که در مورد انتظار فرج قابل توجه است، این است که «هر روز به یاد حضرت» باشیم و این مطلب در فصل بعدی ذکر شده است.

## هر روز به یاد حضرت علیه السلام

یکی از اموری که باعث می شود انسان جزء منتظرین فرج باشد و به حضرت بقیة اللہ الأعظم (عج) نزدیک شود، این است که هر روز به یاد آن حضرت باشد.

حال، چه کار کنیم تا هر روز این توفیق را داشته باشیم که به یاد حضرت باشیم و ایام و ساعات روزمره خود را با قطب عالم امکان، مهدی موعود (عج) عجبین کنیم، و روز به روز بر عشق و علاقه و محبت ما نسبت به آن حضرت علیه السلام افزوده شود و ان شاء اللہ جزء منتظرین حضرت علیه السلام باشیم؟

برای این کار علاوه بر مطالبی که در فصل انتظار فرج گفته شد، چند پیشنهاد به ذهن می رسد:

۱. خواندن «دعای عهد»، هر روز صبح:

از حضرت صادق علیه السلام منقول است: «هر کس چهل صبح، دعای عهد را بخواند، از یاوران قائم ما باشد. و اگر پیش از ظهور آن حضرت



بمیرد، خداوند او را از قبر بیرون می آورد (تا در عالم رجعت) در خدمت آن حضرت باشد.<sup>۱</sup>

چه خوب است که هر روز صبح، بعد از نماز صبح، به این سفارش امام صادق علیه السلام عمل کنیم و دعای عهد را بخوانیم و روز خود را با یاد و نام امام زمان علیه السلام و دعا برای آن حضرت شروع کنیم، که چنین روزی که با یاد امام زمان و با دعای برای آن حضرت شروع شود، روزی پر از خیر و برکت خواهد بود. ان شاء الله.

## ۲. صلوات برای حضرت علیه السلام:

پیشنهاد دوم، این است که علاوه بر خواندن، «دعای عهد» در هر روز صبح، برای سلامتی و تعجیل حضرت صاحب الزمان علیه السلام نیز حداقل ۱۰۰ مرتبه صلوات کامله به این صورت بفرستید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُ»، که این کار، برکات زیادی دارد، من جمله:

الف. در روایات، وارد شده: «هر کس بین الطلوعین (از نماز صبح تا طلوع آفتاب) ۱۰۰ مرتبه بر محمد و آل محمد صلوات الله وسلامه صلوات بفرستد، خداوند او را از آتش جهنم حفظ می کند».<sup>۲</sup>

پس برای اینکه به این روایت عمل کنیم، ۱۰۰ مرتبه صلوات را

۱. مفاتیح الجنان.

۲. مکارم الاخلاق، ص ۲۹۶.

برای امام زمان علیه السلام هر روز صبح بعد از نماز صبح بفرستیم. اما اگر در بین الطلوعین فراموش شد، حتماً تا آخر شب این سفارش را عمل نماییم.

ب. صلوات زیاد فرستادن در روایات وارد شده که پرونده اعمال نیک انسان را سنگین می‌کند و کسی که هر روز ۱۰۰ مرتبه حداقل برای امام زمان علیه السلام صلوات بفرستد، حسناتش افزایش می‌یابد و خود این عمل باعث خشنودی حضرت ولی عصر علیه السلام از انسان می‌شود.

ج. صلوات یک نوع دعا است که در روایات از صلوات به عنوان دعای مستجاب نام برده شده است.

هر کس هر روز برای امام زمان علیه السلام این ۱۰۰ مرتبه صلوات را بفرستد، در اصل در هر روز برای امام زمان علیه السلام دعا کرده است. و هر کس که هر روز ۱۰۰ مرتبه برای امام زمان (عج) دعا کند، یقیناً امام زمان علیه السلام هم عنایات خاص و ویژه‌اش را شامل چنین انسانی خواهد کرد.

د. این عمل باعث می‌شود، ما در هر روز ولو به اندازه چند دقیقه هم که شده، به یاد امام زمان (عج) باشیم، همان آقای که همه لحظات، به یاد ما شیعیان است.

در پایان، توصیه می‌شود هر روز حداقل این ۱۰۰ مرتبه صلوات را

برای تعجیل و سلامتی حضرت ولی عصر (عج) هم خودتان بفرستید و هم به اهل خانواده و دوستان و آشنایان خود سفارش کنید.

### ۳. صدقه دادن:

یکی دیگر از کارهایی که باعث می شود، انسانی به یاد حضرت باشد، صدقه دادن برای آن حضرت علیه السلام می باشد. صدقه دادن در هر زمانی برای حفظ وجود مبارک امام زمان علیه السلام چون هیچ شخصی عزیزتر و گرامی تر از آن سرور نیست.

### ۴. سفارش امام صادق علیه السلام:

زراره نقل می کند که در خدمت امام صادق علیه السلام بودیم، حضرت در مورد زمان غیبت حضرت مهدی علیه السلام مطالبی گفتند: من به حضرت عرض کردم: جانم فدای شما باد! اگر زمان غیبت را درک کردم، چه عملی انجام دهم؟

امام علیه السلام فرمود: اگر آن زمان را درک کردی و در زمان غیبت حضرت مهدی علیه السلام زنده بودی، پس این دعا را بخوان:

«اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي نَفْسَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ، اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ، اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي؛ خدایا، خودت را به من بشناسان. پس اگر خودت را به من

نشناسانی، من پیامبرت را نمی‌شناسم. خدایا، پیامبرت را به من بشناسان. پس اگر پیامبرت را به من نشناسانی، من حجت تو را (امام معصوم) نمی‌توانم بشناسم. خدایا، حجت خود را به من معرفی کن. اگر حجتت را به من معرفی نکنی و من او را نشناسم، در دینم گمراه خواهم شد»<sup>۱</sup>.

تمامی این امور ذکرشده، نوعی اظهار علاقه و شوق و توجه به یوسف فاطمه، حضرت مهدی علیه السلام است که با عمل به این امور، ان شاء الله موجب زیادتى محبت به آن حضرت خواهد شد.

در پایان، توصیه آیت الله بهجت را در مورد به یاد دائم حضرت بودن را خدمتتان عرض می‌کنم که فرمود: راه رسیدن به حضرت، یاد دائم آن بزرگوار است.

یاد دائم و عدم غفلت لحظه‌ای از آن حضرت، آدمی را به محضر آن حضرت می‌رساند.

یاد دائم حضرت، کار مشکلی نیست؛ ولی همت می‌خواهد. انسان عاشق حضرت، پس از توجه دائم، همانند رسیدن به بلوغ، خود را طور دیگری می‌یابد.

## انتقام‌گیرنده خون امام حسین

### و حضرت زهرا علیها السلام

یکی از القاب حضرت ولی عصر علیه السلام که در روایات به آن اشاره شده است، انتقام‌گیرنده خون امام حسین علیه السلام می‌باشد و در دعای ندبه نیز این مطلب آمده: «أين الطالب بدم المقتول بكر بلا؛ كجاست آن آقایی که طلب می‌کند و انتقام می‌گیرد از خون کشته شده کربلا». و جالب است بدانید که در روایات، وارد شده که حضرت مهدی علیه السلام در روز عاشورا قیام خواهند کرد.

امام صادق علیه السلام فرمود: «إِنَّ الْقَائِمَ يَقُومُ يَوْمَ عَاشُورَاءَ يَوْمَ قُتِلَ فِيهِ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عليه السلام؛<sup>۱</sup> به درستی که حضرت قائم علیه السلام در روز عاشورالاروزی که حسین بن علی عليه السلام کشته شده، قیام خواهد کرد».

برای توضیح این لقب حضرت (انتقام‌گیرنده خون حسین علیه السلام) چند روایت را ذکر می‌کنیم و با شرحی مختصر به بیان این مطلب می‌پردازیم:

۱. امام باقر علیه السلام فرمود: «يُخْرِجُ الْمُنْتَظَرُ فَيَطْلُبُ بَدَمَ الْحُسَيْنِ عليه السلام

---

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۹۰؛ غيبة شيخ طوسی.

أو دماء أصحاب الحسين، فيقتل؛<sup>۱</sup> هنگامی که امام منتظر ظهور کند، پس طلب می‌کند و انتقام می‌گیرد از خون حسین و خون یاران حسین علیه السلام، پس می‌کشد تعدادی را».

۲. امام صادق علیه السلام فرمود: «در روز عاشورا زمانی که امام حسین علیه السلام را شهید کردند، فرشتگان درگاه الهی صدا به گریه بلند کردند و عرض نمودند: پروردگارا، این حسین علیه السلام برگزیده تو و فرزند دختر پیغمبر تو است. پس خداوند متعال سایه حضرت قائم علیه السلام را به ملائکه نشان داد و فرمود: توسط این شخص، انتقام این کشته شده را خواهم گرفت».<sup>۲</sup>

۳. صالح هروی می‌گوید، به امام رضا علیه السلام عرض کردم: «یا ابن رسول الله! نظر مبارک شما در مورد این حدیثی که از امام صادق در مورد حضرت مهدی نقل شده است، چیست؟ و آیا این حدیث درست است، یا نه؟»

از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود: «هنگامی که حضرت قائم علیه السلام قیام کند و ظهور نماید، نواده‌ها و ذراری قاتلان امام حسین علیه السلام را به خاطر کار پدران ظالم‌شان می‌کشد».

امام رضا علیه السلام فرمود: بله، درست است، و حضرت مهدی چنین خواهد کرد. هروی می‌گوید به امام رضا علیه السلام عرض کردم: اینک

۱. غیبة طوسی، ص ۴۷۹.

۲. لهوف سیدبن طاووس؛ امالی شیخ طوسی؛ بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۶۸.

خداوند در قرآن می فرماید: ﴿وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ﴾؛ «هیچ گنه کاری، بار گناه دیگری را به دوش نمی کشد» معنای آیه چیست؟ امام رضا علیه السلام فرمود: خداوند راست و درست فرموده است. اما نواده‌های قاتلان امام حسین علیه السلام، چون راضی هستند از ظلم و ستم پدران و اجدادشان و به این ظلم و ستم افتخار می کنند، و هر کسی که راضی به کاری باشد، مثل این است که آن کار را انجام داده است، و هنگامی که حضرت قائم (عج) قیام کند، آنها را خواهد کشت به خاطر رضایت آنها از کارهای اجدادشان»<sup>۱</sup>.

**توضیح:** از روایات، معلوم شد زمانی که حضرت ولی عصر علیه السلام قیام کند، از قاتلین و نوادگان قاتلین امام حسین علیه السلام انتقام خواهد گرفت. از خود قاتلین توسط رجعتی که به دنیا پیدا می کنند، و از نوادگان آنان هم که در آن زمان هستند و یا به سبب رجعت<sup>۲</sup> به دنیا باز می گردند، انتقام می گیرد.

**بیان مطلب:** توضیحی در مورد اینکه چرا حضرت ولی عصر علیه السلام نوادگان قاتلان امام حسین علیه السلام را به قتل می رساند، که در حدیث سوم بیان شد.

طبق روایات، شتر حضرت صالح علیه السلام را یک نفر کشته است، اما قرآن کشته شدن ناقه صالح را به تمام آن قوم نسبت می دهد و به صیغه

۱. علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۲۹.

۲. در مورد بحث رجعت، می توانید به کتابهای مفصلی در این مورد رجوع کنید.

جمع می فرماید: ﴿فَعَقَرُوا النَّاقَةَ﴾؛ «پس تمام آن قوم، ناقه را کشته اند».

سؤال: حال، چرا قرآن تمام قوم را کشته می نامد؟

جواب: چون یک نفر که شتر را کشت، بقیه قوم هم به کار او راضی بودند. بنابراین، چون تمام قوم به کار او راضی بودند، قرآن تمام قوم را کشته ناقه می نامد. چون اسلام رضایت باطنی به یک کار را به منزله شرکت در آن می داند.

حضرت علی علیه السلام می فرماید: «وَأَنَّمَا عَقَرْنَا نَاقَةَ ثَمُودَ رَجُلٍ وَاحِدٍ فَعَمَّهُمُ اللَّهُ بِالْعَذَابِ لِمَا عَمَوْهُ بِالرِّضَا»<sup>۱</sup> ناقه ثمود را یک نفر از پای در آورد، اما خداوند همه آن قوم سرکش را مجازات کرد. چون همه به کار آن یک نفر راضی بودند».

و در اعمال شب های قدر نیز وارد شده است که گفته شود: «اللَّهُمَّ الْعَن قَتْلَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛ خداوند، قاتلان حضرت علی علیه السلام را لعنت کند».

طبق تاریخ و روایات، معلوم است که کشته حضرت علی علیه السلام یک نفر به نام ابن ملجم (ملعون) بوده است؛ نه اینکه چند نفر حضرت را کشته باشند. پس چرا به صورت جمع آمده «قتلة» و گفته، قاتلان حضرت را خدا لعنت کند؟

۱. نهج البلاغه، کلام ۲۰۱.



جواب: درست است که یک نفر به نام ابن ملجم حضرت را شهید کرد، اما عده‌ای دیگر به کشته شدن حضرت علی علیه السلام و به کار ابن ملجم راضی و خشنود بودند، به همین خاطر آنها هم شریک کار ابن ملجم هستند و جزء قاتلین امیرالمؤمنین علیه السلام به حساب می آیند. طبق توضیحات، معلوم شد که حضرت مهدی علیه السلام نواده‌های قاتلان امام حسین علیه السلام را خواهد کشت؛ زیرا آنها به ظلم و ستم پدرانشان که نسبت به امام حسین علیه السلام انجام دادند، راضی هستند.

## انتقام پهلوی شکسته فاطمه علیها السلام

مطلبی که قابل توجه و اهمیت می باشد این است که، حضرت مهدی (عج) زمانی که ظهور کند، انتقام مادرش، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام را خواهد گرفت.

قال الباقر عليه السلام: «اذا ظهر قائمنا ينتقم لفاطمة عليها السلام»؛

امام باقر عليه السلام فرمود: هنگامی که قائم ما ظهور کند، انتقام حضرت فاطمه علیها السلام را خواهد گرفت.<sup>۱</sup>

اگر آن روز بنا بر مصلحت حفظ اسلام، حضرت علی عليه السلام از خود دفاع نکرد، و به خاطر اینکه زحمات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از بین نرود، کننده درب خیبر امیر المؤمنین عليه السلام جلوی چشمانش درب منزلش را آتش زدند، پهلوی همسرش را شکستند، بازوی حضرت فاطمه علیها السلام را مجروح نمودند و محسن اش را سقط کردند، اما تمام این اهانتها و بی احترامی ها به ام الائمه، حضرت فاطمه علیها السلام را حضرت مهدی (عج) انتقام خواهد گرفت، چنان که امام باقر عليه السلام فرمود.

---

۱. علل الشرایع، ج ۲، ص ۵۸۰، ح ۱۰.

## طول عمر حضرت عليه السلام

حضرت مهدی عليه السلام در شب نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری قمری به دنیا آمده‌اند.

و تا به امروز؛ یعنی سال ۱۴۲۵ هجری قمری عمر شریف حضرت به ۱۱۷۰ سال می‌رسد.

حال برای بعضی از دوستان شاید این سؤال به وجود آید که آیا ممکن است شخصی این مقدار عمر کند؟ و یا بعضی از دشمنان این شک و شبهه را ایجاد کنند که این مقدار عمر برای یک انسان ممکن نیست و توسط این سؤال شبهه ایجاد کنند.

ما برای جواب این سؤال چند نمونه از افرادی را که عمرهای طولانی کرده‌اند و به قول معروف جزء معمرین هستند و تمام مسلمانان قبول دارند را برای شما از قرآن و روایات نقل می‌کنیم:

۱. خداوند در مورد عمر حضرت نوح عليه السلام می‌فرماید:

﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ قَالِبْتَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ

عَامًا فَأَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ وَهُمْ ظَالِمُونَ»؛<sup>۱</sup> «ما نوح را به سوی قومش فرستادیم و او در میان آنها ۹۵۰ سال مردم را به سوی خدا فرا خواند، اما سرانجام طوفان آنها را فرا گرفت».

طبق گفته مفسرین مقدار ۹۵۰ سال، تمام عمر نوح نبود، زیرا حضرت نوح در طوفان از دنیا نرفت و بعد از طوفان هم زنده بود بلکه بعد از طوفان هم مدّت دیگری زندگی کرد.

همچنان که این مطلب در روایات هم آمده،

قال رسول الله ﷺ: «لَمَّا بَعَثَ اللَّهُ نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ بَعَثَهُ وَهُوَ ابْنُ خَمْسِينَ وَمِائَتِي سَنَةً، وَلَبِثَ فِي قَوْمِهِ الْف سَنَةً إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا وَ عَاشَ بَعْدَ الطُّوفَانِ مِائَتِي سَنَةً»؛

پیامبر ﷺ فرمود: هنگامی که خداوند نوح را به پیامبری مبعوث کرد، او ۲۵۰ سال عمر کرده بود و ۹۵۰ سال هم در میان قومش زندگی کرد و بعد از طوفان هم ۲۰۰ سال زندگی کرد.<sup>۲</sup> جمعاً طبق این حدیث، عمر حضرت نوح علیه السلام ۱۴۰۰ سال می شود و این عمر طولانی نشان می دهد که ساختمان وجود انسان به او امکان عمر طولانی را می دهد.

۲. در سوره نساء آیه ۱۵۷ چنین آمده:

﴿ وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَمَا

۱. عنکبوت/ ۱۴.

۲. اعلام الوری، ص ۲۷۳.

قَتَلُوهُ وَمَا صَلْبُوهُ وَلَٰكِن شُبِّهَ لَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِّنْهُ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتِّبَاعَ الظَّنِّ وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا \* بَل رَّفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا \*؛ «وگفتارشان که ما مسیح، عیسی بن مریم، پیامبر خدا را کشتیم؛ در حالی که نه او را کشتند و نه به دار آویختند، لکن امر بر آنها مشتبه شد... و قطعاً و یقیناً عیسی را نکشتند، بلکه خداوند او را به سوی خود برد».

مشهور میان علمای شیعه و اهل تسنن، این است که حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَامُ زنده به آسمان بالا رفت و در آنجا زندگی می‌کند، چنان‌که در زمین زندگی می‌کرد و ما می‌دانیم که حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَامُ بیش از ۵۰۰ سال قبل از پیامبر اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ زندگی می‌کرده و الآن که در سال ۱۴۲۵ قمری به سر می‌بریم، عمر شریف حضرت عیسی تا به این زمان حدود ۲۰۰۰ سال می‌باشد. و چنانچه در روایات آمده، خداوند حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَامُ را ذخیره‌ای قرار داده برای یاری حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ و در روایات وارد شده زمانی که امام عصر (عج) ظهور کردند، حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَامُ نیز فرود می‌آید و با حضرت بیعت می‌کند و پشت سر صاحب نماز می‌خواند. در این زمینه، روایات بسیار است که تبرکاً چند حدیث را ذکر می‌کنیم:

الف - شیخ صدوق رَحِمَهُ اللَّهُ در کتاب «کمال الدین» از رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ روایت کرده که فرمود: «قسم به آن خدایی که مرا به

پیغمبری فرستاد، اگر نماند از دنیا مگر یک روز، طولانی می‌کند خداوند آن روز را تا خروج کند در آن روز فرزندم، مهدی و فرود آید روح الله، عیسی بن مریم و پشت سر مهدی نماز می‌خواند».

ب - شیخ طوسی رحمته الله در کتاب «غیبت» از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده که آن جناب به حضرت فاطمه زهرا علیها السلام فرمود: قسم به خداوندی که نیست خدایی جز او، مهدی این امت از ماست. و آن که پشت سر او نماز می‌خواند، عیسی بن مریم است.  
آن‌گاه دست مبارک را بر کتف امام حسین علیه السلام گذاشت و سه مرتبه فرمود: از این است.

ج - گنجی شافعی روایت کرده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم که فرمود: «حضرت مهدی علیه السلام مشغول خواندن نماز صبح است با اصحاب خود در بیت المقدس که عیسی بن مریم فرود می‌آید، پس حضرت به عقب می‌رود تا حضرت عیسی جلو آید و امام جماعت مردم شود در نماز. آن‌گاه حضرت عیسی دو دست خود را بر کتف حضرت مهدی علیه السلام می‌گذارد و به او می‌گوید: شما جلو بروید».

۳. یکی دیگر از کسانی که عمر شریف او از چند هزار سال می‌گذرد، حضرت خضر نبی علیه السلام است که از زمان حضرت موسی علیه السلام تا به حال زنده است. محدث نوری در کتاب «نجم الثاقب» چنین می‌گوید:

«حضرت خضر پیغمبر علیه السلام که احدی از اهل اسلام را شکی نیست در وجود آن جناب و بقای او، از چند هزار سال پیش تا کنون زنده است.»

علامه کراچکی در کتاب «کنز الفوائد» در مقام ذکر معمرین چنین فرموده: «یکی از معمرین (کسانی که عمر طولانی دارند) حضرت خضر است که متصل است بقای او تا آخر الزمان.»

از امام رضا علیه السلام نقل شده که فرمود: «به درستی که خضر نوشید از آب حیات، پس زنده است و نمی میرد تا آنکه دمیده شود در صور.»  
شیخ صدوق به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمود:

«حق تعالی دراز نکرد عمر حضرت خضر را برای پیامبری، که بعد از آن اظهار نماید و نه برای آنکه کتابی بر او نازل گرداند، و نه برای دین و شریعتی که آورد و ناسخ شریعت پیش از خود باشد، و نه برای پیشوایی، که اقتدا به او لازم باشد، و نه برای طاعتی که برای او فرض گردانیده باشد. بلکه در علم سابق حق تعالی بود که عمر حضرت قائم علیه السلام و غیبت او طولانی خواهد بود و دانست که گروهی از مردم، طول عمر او را انکار خواهند کرد. پس به این سبب، عمر بنده صالح خود، حضرت خضر را طولانی گردانید تا آنکه حجت باشد بر معاندان و مخالفان حضرت قائم (عج).»

مرحوم امین الاسلام طبرسی می گوید:

«در بنی آدم کسی که از همه بیشتر عمر کرده است، حضرت خضر می باشد، تمام شیعیان و اصحاب حدیث، بلکه تمام امت اسلام و اهل تسنن نیز بر این مطلب اقرار می کنند که حضرت خضر در این زمان زنده است و زندگی می کند و غیر از مسلمانان، اهل کتاب (مسیحیان و یهودیان و...) نیز قائل به زنده بودن خضر تا این زمان هستند.»

و کسی که اعتراف کرد به زنده بودن حضرت خضر که چندین هزار سال از عمر او می گذرد، پس چگونه می تواند بگوید که طول عمر امام زمان علیه السلام مستبعد و دور از ذهن است.

و هر کس بخواهد منکر زنده بودن حضرت خضر و طول عمر او شود، روایات فراوانی در این زمینه در مورد زنده بودن حضرت خضر وجود دارد.<sup>۱</sup>

۴. بعد از حضرت خضر علیه السلام کسی که در میان انسانها از همه بیشتر عمر کرده است و دارای طول عمر زیادی بوده است. لقمان بن عاد است که ۳۵۰۰ سال، این شخص عمر کرده است.<sup>۲</sup>

۱. اعلام الوری، ص ۴۷۲.

۲. اعلام الوری، ص ۴۷۳.



### علت غیبت امام زمان علیه السلام

یکی از سؤالاتی که در مورد حضرت مهدی علیه السلام ممکن است در ذهن خیلی افراد به وجود بیاید، این است که چرا بقیة الله الاعظم علیه السلام در غیبت به سر می‌برند و علت غیبت ایشان چیست؟ البته در جواب این سؤال، مطلب تمام و کامل از خواهه نصیرالدین طوسی رحمته الله در یک جمله کوتاه، اما پرمفهوم فرموده‌اند که بزرگانی همچون علامه حلی رحمته الله بر این جمله کوتاه شرح زده‌اند. ما با ذکر جمله خواهه نصیرالدین و توضیح علامه حلی، برای درک راحت و آسان‌تر موضوع، مطالبی نیز اضافه می‌نماییم.

خواجه نصیرالدین در مورد علت غیبت حضرت مهدی علیه السلام این چنین می‌گوید: «وجوده لطف و تصرفه لطف آخر و عدمه منا»؛ یعنی: وجود امام برای مردم لطف خداوند است و حکومت او بر جامعه لطف بهتری است برای آنان و اگر در این زمان، امام شخصاً اداره امور جامعه را به دست نمی‌گیرد و در غیبت به سر می‌برد، این

ما هستیم که موجب آن غیبت امام علیه السلام شده ایم.»

مرحوم «علامه حلی» در کتاب «کشف المراد» در توضیح این کلام خواجه نصیرالدین طوسی می گوید: «تحقیق در این باره این است که فایده و ثمره نیکوی امامت در اجتماع بشری به چند چیز حاصل می شود:

اول اینکه خداوند امام را به طور واضح نصب کند و امکان اداره صحیح امور مردم را به او بدهد. این کار را خداوند انجام داده است. دوم اینکه امام نیز حاضر به قبول منصب امامت گردیده و آماده انجام وظیفه خود بشود. این کار را نیز امام به نوبه خود انجام داده است.

سوم اینکه مردم نیز به وظیفه خود نسبت به وی عمل کنند، به این معنی که فرمان او را بپذیرند و در اداره امور، او را یاری دهند. این همان چیزی است که مردم آن را انجام نداده اند. پس تنها امت بوده اند که از شامل شدن لطف خداوند نسبت به خود جلوگیری به عمل آورده اند، نه خداوند و نه شخص امام.<sup>۱</sup>

بنابراین، طبق کلام خواجه نصیرالدین و توضیح شیوای علامه حلی متوجه شدیم که علت غیبت طولانی امام زمان علیه السلام، از طرف خود ما است؛ یعنی ما هنوز آمادگی و لیاقت این که حضرت در میان ما

۱. کشف المراد، ص ۲۸۵.

زندگی کنند را نداریم، چنان که خداوند سیزده معصوم پیشین را فرستاد، پیامبر خودش را، پیشانی‌ش را شکستند، دندان مبارکش را شکستند، شکمبه گوسفند و خاکستر بر سر مبارکش ریختند، او را نعوذ بالله مجنون و ساحر خواندند. دستان امیرالمؤمنین علیه السلام را بستند، درب منزلش را آتش زدند، حکومت را از او غصب کردند، امام حسن مجتبی علیه السلام را سجاده از زیر پاهایش کشیدند، او را ملقب به مدلل المؤمنین (ذلیل‌کننده مؤمنان) دانستند، پیکر مطهرش را تیرباران کردند، امام حسین علیه السلام را سر مبارکش را از بدن جدا کردند، خانواده‌اش را به اسیری بردند، طفلانش را کتک زدند. و تا امام حسن عسکری علیه السلام که سالیان سال محبوس و تحت نظر بود چنانچه در روایات وارد شد: «ما منّا الا مقتول او مسموم؛ ما اهل بیت را یا شهید کردند و یا مسموم نمودند».

و انواع و اقسام مصیبت‌ها را سیزده معصوم از این امت قدرشناس کشیدند و حتی این امت (بنی‌امیه و بنی‌عباس) در صدد بودند که حضرت ولی عصر را نیز شهید کنند. زیرا آنها شنیده بودند که از امام حسن عسکری علیه السلام پسری به دنیا خواهد آمد که کاخهای ظلم و ستم را ویران می‌کند. و به همین علت، حضرت به صورت معجزه‌آسا و بسیار مخفیانه به دنیا آمد و بعد از پنج سال، به خاطر همان حيله (بنی‌امیه و بنی‌عباس) حضرت در غیبت صغری و بعد هم در غیبت

کبری به سر برد. به خاطر این بود که خداوند حضرت مهدی علیه السلام را در گنجینه ذخایر خود نگه داشت ﴿بقية خیر لکم﴾؛

و هر وقت که مردم لیاقت و قابلیت درک حضور حضرت را پیدا کردند، خداوند آن حضرت را ظاهر می کند.

و شاهد بر این مدعا حدیثی است که در کتاب شریف «غیبه نعمانی» از امام صادق علیه السلام نقل شده است که راوی از امام علیه السلام پرسید: «فدایت شوم! همراه حضرت قائم علیه السلام چه تعدادی از عربها خواهند بود؟ امام فرمود: تعداد اندک و کمی.

عرض کردم: به خدا قسم! افراد بسیاری معتقد به امامت و غیبت امام غایب علیه السلام هستند.

امام فرمود: به ناچار باید مردم پاک شوند و جدا شوند و غربال شوند و تعداد بسیاری از مردم از غربال رد می شوند و در غربال نمی مانند».

در توضیح این حدیث، شیخ نعمانی صاحب کتاب «غیبت نعمانی» چنین می گوید: «مقصود آن است، همان طور که حبوبات به وسیله غربال از خاشاک جدا می شوند و حبوبات سالم در غربال می ماند و فاسدها و نخس و خاشاک از غربال بیرون می ریزند، مردم نیز همانند آنها از غربال امتحان بیرون می ریزند و باقی نمی ماند، مگر

افراد باایمان»<sup>۱</sup>.

و زمانی که مردم غربال شدند و این افراد باایمان که در غربال بودند، به وجود آمدند، امام عصره علیه السلام ظهور خواهد کرد. بنابراین، علت اینکه حضرت ولی عصره علیه السلام در غیبت به سر می‌برند، از طرف ما است؛ چنانچه در خبر علی بن مهزیار اهوازی در کتاب «کمال الدین» شیخ صدوق و در کتاب «غیبه» شیخ طوسی نقل شده که می‌گوید: «در کنار درب مسجد الحرام وقتی با فرستاده حضرت ولی عصره علیه السلام ملاقات کردم، آن شخص پرسید: چه چیزی را طلب می‌کنی و دنبال چه هستی؟ گفتم: می‌خواهم امام غایب را ببینم.

گفت: امام از شما محجوب و غایب نیست، ولكن اعمال بد شما آن حضرت را غایب کرده و شما به خاطر اعمال بدتان نمی‌توانید او را ببینید. لذا اعمال بد شما، امام را محجوب و غایب نموده است».

۱. غیبه نعمانی، ص ۲۴۱.

### فایده امام غایب علیه السلام

سؤالی که در این باب وجود دارد این است که، امامی که سالهای زیادی است که در غیبت بسر می‌برند مردم از این امام غایب چه بهره و نفعی می‌برند و اساساً وجود امام غایب و پنهان از نظر چه فایده‌ای دارد؟

جواب: این سؤال در زمان اهل بیت علیهم السلام نیز برای اصحاب ائمه علیهم السلام مطرح بوده وقتی که می‌شنیدند که حضرت مهدی علیه السلام دارای یک غیبت کبری و طولانی است صحابه می‌پرسیدند که در زمان غیبت کبری آیا شیعیان از امام خود بهره و فایده‌ای می‌برند یا نه و اهل بیت علیهم السلام نیز در جواب فرموده‌اند که: بله، شیعیان در زمان غیبت از امام زمان علیه السلام بهره‌مند می‌شوند همانند بهره‌مند شدن مردم از خورشیدی که پشت ابرها مخفی گشته است. و در روایات امام غایب تشبیه به خورشید پشت ابر شده است. من باب تبرک دو روایت نقل می‌کنیم و بعد از ذکر روایات وجوه تشبیه امام غایب علیه السلام

به خورشید پشت ابر را از قول علامه مجلسی نقل می‌نمایی:

۱. سلیمان بن عمشی از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام نقل می‌کند که امام فرمود: از زمانی که خداوند حضرت آدم را خلق کرد زمین خالی از حجة خدا، نبوده است، یا حجة ظاهر و آشکار و یا حجة غایب و پنهان. و تا زمانی که قیامت برپا شود هم زمین از حجة خداوند خالی نخواهد ماند و اگر اینطور نبود، یعنی اگر حجة خداوند در روی زمین نباشد، خداوند پرستش و عبادت نمی‌شود.

سلیمان می‌گوید به امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام عرض کردم: مردم از حجة پنهان و غایب چگونه بهره‌مند می‌شوند و چه فایده و نفعی از حجة غایب می‌برند؟

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: همچنان‌که مردم از خورشید پنهان شده پشت ابرها نفع و فایده می‌برند.<sup>۱</sup>

۲. جابر بن عبد الله انصاری می‌گوید از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پرسیدم: آیا شیعیان در زمان غیبه حضرت قائم عَلَيْهِ السَّلَام از آن حضرت نفعی می‌برند و بهره‌ای می‌برند؟

پیامبر فرمود: به آن خدایی که من را به پیامبری مبعوث کرد شیعیان از حضرت قائم عَلَيْهِ السَّلَام بهره‌مند می‌شوند و از نور ولایت آن حضرت روشنایی می‌گیرند در زمان غیبت، همان‌طور که مردم از

۱. امالی شیخ صدوق - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۹۲.

خورشید بهره می‌برند اگر چه خورشید پشت ابرها باشد.<sup>۱</sup>  
 در روایات امام غایب علیه السلام به خورشید پشت ابر تشبیه شده‌اند،  
 همچنان که مردم از خورشید پشت ابر بهره می‌برند در زمان غیبت هم  
 مردم از امام غایب بهره می‌برند.

علامه مجلسی رحمته الله برای این شباهت امام غایب به خورشید پشت  
 ابر، وجوهی را نقل کرده‌اند که بعضی از آن وجوه را ذکر می‌نماییم  
 البته با بعضی از اضافات:

۱. اگر چه حضرت ولی عصر علیه السلام در پس پرده غیبت بسر می‌برند  
 اما تمام، خیرات و برکات، اعم از علم و هدایت و نور عالم هستی که  
 به بندگان می‌رسد بخاطر نور وجود حضرت مهدی علیه السلام است، زیرا  
 اهل بیت علیهم السلام علت غایی و هدف اصلی و نهایی ایجاد عالم هستند و  
 این مطلب در روایات بسیاری ذکر شده است و در زیارت جامعه  
 کبیره، سرتاسر بیان‌کننده همین مطلب است «بکم فتح الله، وبکم  
 یختم الله، بکم ينزل الغيث، بکم ينفس اليهم ويكشف الضرو...».

و بخاطر اهل بیت علیهم السلام است که عذاب و بلايا از مردم دفع  
 می‌شود و اگر اهل بیت نبودند مردم بخاطر گناهان و اعمال بدی که  
 انجام می‌دادند مستحق عذاب در دنیا می‌شدند چنانکه خداوند به  
 پیامبر می‌فرماید: «وما كان الله ليعذبهم وأنت فيهم» خداوند آنها را

۱. کمال الدین شیخ صدوق - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۹۳.



عذاب نمی‌کند بخاطر اینکه تو در میان آنها هستی.

علامه مجلسی می‌گوید: ما دفعات بسیار زیاد تجربه کرده‌ایم که هر وقت ارتباط معنوی با اهل بیت پیدا کردیم هر مشکل و گرفتاری که داشته‌ایم حل شده است. پس همچنان که تمام جانداران، اعم از گیاهان و حیوانات و حتی انسانها از نور و گرمای خورشید پشت ابر بهره می‌برند تمام عالم هستی هم از امام غایب در همه امور که در بالا ذکر شد بهره می‌برند.

۲. همچنان که مردم از خورشید پشت ابر، با اینکه نفع می‌برند اما منتظر هستند تا خورشید هر لحظه از پشت ابرها بیرون بیاید، تا بیشتر از خورشید استفاده کنند. همچنین در زمان غیبت امام زمان علیه السلام شیعیان مخلص آن حضرت هم در هر وقت و زمانی منتظر هستند تا امام زمان علیه السلام ظهور کند و از پس پرده غیبت بیرون آید و هیچ وقت هم از این ظهور ناامید نیستند. زیرا بالاخره ابر کنار می‌رود و خورشید نمایان می‌شود.

۳. کسی که منکر وجود امام عصر علیه السلام است با اینکه آثار و برکات وجود حضرت بسیار زیاد است، چنین شخصی مثل کسی است که منکر وجود خورشید است هنگامی که خورشید پشت ابر است.

۴. گاهی اوقات، خورشید پشت ابر باشد برای مردم بهتر است از اینکه ظاهر و آشکار باشد. همچنین غیبت امام زمان علیه السلام هم بنابر

مصالحی برای مردم بعضی بهتر است و بخاطر همین جهت هم امام از مردم غایب شده است. مثلاً، اگر امام علیه السلام ظاهر شوند، جلوی خیلی از کسب و کارها و درآمدهای رایج، مثل رباخواری، رشوه دادن... را خواهند گرفت، خیلی از اموال مردم را که به حرام بدست آورده‌اند از آنها می‌گیرند،....

۵. همچنان‌که خورشید گاهی بیرون می‌آید از پشت ابر و بعضی آنرا می‌بینند و بعضی هم نمی‌بینند همچنین ممکن است که امام زمان علیه السلام در زمان غیبت برای بعضی از افراد ظاهر شود و بعضی آن حضرت را ببینند و بعضی هم نبینند.

۶. بدرستی‌که اشعه و نور خورشید در هر خانه‌ای به اندازه روزنه‌ها و پنجره‌هایی که آن خانه دارد وارد می‌شود، همین‌طور انسانها هم به اندازه‌ای می‌توانند از نور هدایت حضرت ولی عصر علیه السلام بهره استفاده ببرند که موانع روزنه‌های قلب خودشان را برطرف کنند.

که آن موانع عبارتند از، شهوتهای نفسانی، علاقه‌های دنیایی و دل بستن به دنیای فانی، وقتی این موانع برطرف شد روزنه‌ها و پنجره‌های قلب باز می‌شود و نور هدایت حضرت بقیه الله الاعظم علیه السلام در آن دل می‌تابد.<sup>۱</sup>

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۹۳ و ۹۴.

## تعداد اصحاب امام زمان علیه السلام

یکی از مسائلی که در مورد قیام امام زمان علیه السلام مطرح است، درباره تعداد اصحاب آن حضرت علیه السلام می باشد، و آن اینکه آیا تعداد یاران حضرت به همین تعدادی است که در روایات وارد شده است؟ که در روایات تعداد اصحاب حضرت را به تعداد یاران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در جنگ بدر معرفی کرده و می دانیم که اصحاب پیامبر در جنگ بدر سیصد و سیزده نفر بوده اند و در روایات بسیاری که در کتب احادیث آمده تعداد اصحاب امام زمان علیه السلام ۳۱۳ نفر ذکر شده اند، سؤال بعدی این است که حضرت ولی عصر علیه السلام چگونه با این سیصد و سیزده نفر تعداد اندک می تواند تمام دنیا را تحت حکومت اسلامی درآورد.

قبل از اینکه جواب این دو سؤال داده شود، لازم است چند روایتی که در مورد تعداد اصحاب امام زمان علیه السلام در کتب احادیث نقل شده ذکر کنیم بعد از ذکر روایات این دو سؤال را جواب مکفی خواهیم داد.

۱. ابی بصیر از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: حضرت قائم علیه السلام در میان گروهی به شماره و تعداد اصحاب بدر، سیصد و سیزده مرد از ذی طوی، سرازیر می‌شود تا آنکه تکیه بر حجر الاسود می‌زند و پرچم پیروز را به اهتزاز در می‌آورد.<sup>۱</sup>

۲. ابان بن تغلب می‌گوید: به همراه امام صادق علیه السلام در مسجد الحرام بودم آن حضرت دست مرا گرفت و فرمود: ای ابان در آینده، خداوند سیصد و سیزده نفر را در این مسجد شما (مسجد الحرام) فرا خواهد خواند، سپس شخصی با صدای بلند اعلام می‌کند که این همان مهدی است که مانند داود و سلیمان قضاوت می‌کند.<sup>۲</sup>

۳. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به ابی بن کعب، چنین فرمود: خداوند جمع می‌کند و گرد هم می‌آورد برای حضرت مهدی علیه السلام از دورترین شهرها به تعداد اهل بدر، سیصد و سیزده مرد. و همراه حضرت ولی عصر علیه السلام کتابی است که نام تمام آن افراد، نام شهرهای آنها، کنیه آنها، نام محل سکونت آن افراد (یاران حضرت) در آن کتاب نوشته شده است.

در ادامه حدیث پیامبر فرمود: ای ابی خوشا به حال کسی که آن حضرت را ملاقات کند، خوشا به حال کسی که آن حضرت را دوست داشته باشد و خوشا به حال کسی که با آن حضرت صحبت کند.

۱. غیبه نعمانی، ص ۳۱۵.

۲. غیبه نعمانی، ص ۳۱۳.

خداوند آنها را از هلاکت و گرفتاریها نجات می دهد.<sup>۱</sup>  
 لازم به ذکر است که روایاتی که تعداد اصحاب امام زمان علیه السلام را  
 نقل کرده اند بیش از اینها است ما بخاطر اختصار به این سه روایت  
 اکتفاء کردیم و روایات در این باب در حد تواتر است. یعنی به  
 اندازه ای نقل شده است که انسان توسط آنها علم پیدا می کند.

اما جواب از سؤالاتها: اولاً اینکه، این سیصد و سیزده نفر تمام  
 اصحاب حضرت نیستند بلکه پرچمداران قیام حضرت هستند. و این  
 تعداد هسته مرکزی حکومت حضرت ولی عصر علیه السلام و سران ارتش  
 انقلاب جهانی آن حضرت می باشند، که اصحاب و یاران حضرت را  
 در آن انقلاب جهانی این سیصد و سیزده نفر فرماندهی و ساماندهی  
 خواهند کرد. و تاییدکننده این مطلب روایتی است که شیخ طوسی در  
 کتاب غیبه نقل کرده که امام باقر فرمود: از شهر خراسان گروهی قیام  
 می کنند و به طرف کوفه حرکت می نمایند وقتی که حضرت مهدی را  
 دیدند با آن حضرت بیعت می نمایند و جزء یاران آن حضرت  
 می شوند.<sup>۲</sup>

طبق این حدیث اصحاب امام زمان علیه السلام بیشتر از ۳۱۳ نفر هستند.  
 و در این زمینه که تعداد یاران حضرت بیش از ۳۱۳ نفر هستند روایات  
 فراوانی وجود دارد. و آن ۳۱۳ نفر یاران خاص حضرت و دیگر

۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۰.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۷؛ غیبه شیخ طوسی، ص ۴۵۲.

اصحاب، یاران غیر خاص حضرت می باشند. ثانیاً: از آنجایی که حضرت بقیه الله علیه السلام آخرین حجت خداوند می باشند و طبق آیات و روایات بسیار زیاد که خداوند وعده فرموده سرتاسر گیتی تحت لوای پرچم اسلام در خواهد آمد و ظلم و ستم برچیده خواهد شد در این قیام حضرت، و انقلاب جهانی، خداوند امدادهای غیبی ویژه خودش را به کمک آن حضرت خواهد فرستاد، و قابل توجه اینکه در روایات تعداد اصحاب امام زمان علیه السلام به تعداد اصحاب بدر ذکر شده، و در جنگ بدر اصحاب پیامبر ۳۱۳ نفر بودند و اصحاب کفار بیش از هزار نفر با تجهیزات کامل بودند خداوند در سوره انفال آیه ۹ می فرماید: ﴿أَنْتَى مَمْدَكُم بِالْف من الملائكة مردفین﴾؛ یعنی: من شما را با یک هزار نفر از فرشتگان که پشت سر هم می آیند یاری می کنم.

و در آیه ۱۲۴ سوره آل عمران می فرماید: ﴿إِذ تَقول للمؤمنین أَلن یکفیکم أن یمدکم ربکم بثلاثة آلاف من الملائكة مُنزلین﴾؛ ای پیامبر، در آن هنگام که تو به مؤمنان می گفتی آیا کافی نیست پروردگارتان شما را به سه هزار نفر از فرشتگان یاری کند؟

در جنگ بدر خداوند ۱۰۰۰ فرشته را به کمک اصحاب پیامبر فرستاد «آیه ۹ سوره انفال» و پیامبر وعده داد که اگر لازم باشد خداوند

۳۰۰۰ نفر از ملائکه را به کمک شما می آورد.<sup>۱</sup>  
 و در پایان جنگ احد زمانی که مشرکان می خواستند دوباره برای  
 جنگ با پیامبر و مسلمانان برگردند، مسلمانان وحشت زده بودند، آیه  
 نازل شد که: ﴿إِن تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُم مِّن فَوْزِهِمْ هَذَا يُمَدِّكُمْ  
 رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ﴾<sup>۲</sup>؛ اگر استقامت و تقوا  
 پیشه کنید و دشمن به سراغ شما بیاید. خداوند شما را به پنج هزار نفر  
 از فرشتگان که نشانه های مخصوصی دارند مدد خواهد کرد.

۱. تفسیر نمونه.

۲. آل عمران / ۱۲۵.

## نتیجه

خداوندی که هزار فرشته را در جنگ بدر به کمک پیامبر فرستاد، و پیامبر به اصحابش فرمود: اگر لازم باشد ۳۰۰۰ فرشته به کمک شما می‌آید، و خداوندی که در جنگ احد فرمود: وحشت نکنید اگر دشمن به سراغ شما بیاید پنج هزار نفر از ملائکه را به کمک شما خواهم فرستاد، همان خداوند با فرستادن ملائکه‌اش و کمک از راه امدادهای غیبی می‌تواند حضرت بقیة اللہ علیه السلام را با آن سیصد و سیزده نفر بر تمام دنیا پیروز و حاکم گرداند.

و مؤید این مطلب احادیث فراوانی است که از پیامبر و اهل بیت علیهم السلام رسیده است.

۱. حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «قائم اهل بیتی و مهدی امتی یظهر بعد غیبة طویلة و حیرة مضلّة، فیعلی امر الله ویظهر دین الله ویؤید بنصر الله وینصر بملائکة الله»؛ پیامبر فرمود: قائم



اهل بیت من و مهدی امت من ظاهر می شود و ظهور می کند بعد از غیبت طولانی، پس علو و بزرگی می بخشد به امور الهی و دین خدا را آشکار می کند و با نصرت و یاری خداوند تایید می شود و توسط فرشتگان الهی یاری و کمک می شود».

۲. امام باقر علیه السلام فرمود: «لو قد خرج قائم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم

لنصره الله بالملائكة المسومين والمردفين والمنزلين والكرويين<sup>۱</sup>؛ هنگامی که حضرت قائم، قیام می کند خداوند او را بوسیله ملائکه یاری می کند».

۱. غیبة نعمانی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۸.

### زنان در رکاب حضرت مهدی علیه السلام

مطلبی که در مورد اصحاب امام زمان علیه السلام قابل توجه و ذکر است این است که در میان یاران و اصحاب امام زمان علیه السلام هنگام قیام حضرت سیزده نفر از زنان وجود دارند، پس تمامی یاران حضرت مردان نیستند، زنها نیز می توانند جزء یاران حضرت ولی عصر علیه السلام باشند. چنانکه مفضل از امام صادق علیه السلام این مطلب را نقل کرده است.

عن مفضل، قال سمعت أبا عبد الله علیه السلام : يكون مع القائم ثلاث عشرة امرأة. قلت: وما يصنع بهن؟ قال علیه السلام : يداوين الجرحى ويقمن على المرضى كما كن مع رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم؛ مفضل می گوید از امام صادق علیه السلام شنیدم که حضرت فرمود: همراه حضرت قائم (عج) سیزده زن هستند.

گفتم: آن زنها چه کاری می خواهند بکنند؟ حضرت فرمود: مجروحین را مداوا می کنند و مریضها را پرستاری می نمایند

همچنان که زنها در زمان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز این کارها را می کردند.<sup>۱</sup> بله، در جنگهایی که پیامبر می رفتند تعدادی از زنها مسؤلیت پرستاری از مجروحین و مداوای آنها را به عهده داشتند. مانند جنگ احد. امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: در روز احد حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام، بدن مبارکش شصت زخم برداشت، و پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ «ام سلیم» و «ام عطیه» را دستور داد که به معالجه جراحات آن حضرت پردازند.<sup>۲</sup>

و حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام نیز پرستاری پیامبر را می کردند و خونهای صورت مبارک پیامبر را شستند و زخمهای بدن پیامبر را مداوا می نمودند.<sup>۳</sup>

پس همچنان که در زمان پیامبر زنها چنین کارهایی می نمودند، در زمان قیام حضرت ولی عصر (عج) نیز زنها چنین مسؤلیتی دارند و می توانند جزء یاران امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام باشند.

۱. معجم أحادیث امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام، ج ۴، ص ۱۴، ح ۱۰۹۴.

۲. تفسیر مجمع البیان، ج ۲، ص ۳۱۴.

۳. مناقب، ج ۲، ص ۲۲۵.

## وقت و علائم ظهور حضرت علیه السلام

وقت ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام مشخص و معلوم نیست، و طبق روایات کسانی که وقت ظهور را تعیین کنند، دروغگو شمرده شده‌اند. و خود اهل بیت علیهم السلام نیز زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام را مشخص نکرده‌اند. همچنان‌که وقوع قیامت زمانش نامعلوم است، زمان ظهور حضرت بقیة الله نیز نامعلوم است.

۱. فضل بن یسار می‌گوید از امام صادق علیه السلام در مورد وقت ظهور حضرت مهدی علیه السلام سؤال کردم؟ حضرت سه مرتبه فرمود: «کذب الوقتون، کذب الوقتون، کذب الوقتون؛ دروغ می‌گویند کسانی که وقت ظهور را تعیین می‌کنند، دروغ می‌گویند کسانی که وقت ظهور را تعیین می‌کنند، دروغ می‌گویند کسانی که وقت ظهور را تعیین می‌کنند»<sup>۱</sup>.

۲. ابی بصیر می‌گوید از امام صادق علیه السلام در مورد وقت ظهور

حضرت قائم علیه السلام پرسیدم؟ حضرت فرمود: هر کسی وقت برای ظهور تعیین کند دروغگو است، و ما اهل بیت، برای ظهور وقت تعیین نکرده ایم، سپس حضرت فرمود: و هر کس وقت ظهور را تعیین کند ما با او مخالف هستیم.<sup>۱</sup>

اما در روایات علامتهایی برای نزدیک شدن ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام آمده است. و آن علامتها بر دو قسم هست:

۱. علامات حتمیه.

۲. علامات غیر حتمیه.

علامات حتمیه‌ای که در روایات به آنها اشاره شده است عبارتند از:

۱. «خروج دجال»:

و آن ملعون ادعای الوهیت می‌کند و به سبب او خونریزی و فتنه در عالم بوجود می‌آید و آن ملعون به دست مبارک امام زمان علیه السلام، یا به دست حضرت عیسی علیه السلام کشته می‌شود.<sup>۲</sup>

۲. «ندای آسمانی»:

زمانی که حضرت مهدی علیه السلام در مکه ظهور کنند، منادی ندا می‌کند، که همه اهل زمین و آسمان می‌شنوند و او، حضرت را با نام و

۱. غیبه نعمانی - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۱۸.

۲. کفایة الموحدين، ج ۳، ص ۴۰۰؛ منتهی الآمال، ج ۲.

کنیه اش و نسب مبارک او و اجداد شریفش معرفی می نماید.<sup>۱</sup>

### ۳. «خروج سفیانی»:

مردی بنام، عثمان از اولاد یزید بن معاویه از سرزمین یابس، بیابان بی آب و علف که در ما بین مکه و شام است، خروج می کند و با لشگرکشی های فراوان، قتل و غارت و بی حیائیهای بسیاری بوجود می آورد.<sup>۲</sup>

### ۴. «فرو رفتن لشکر سفیانی در بیداء»:

گروهی از لشکر سفیانی که به طرف مکه می روند جهت ویران کردن مکه، چون به منطقه بیداء که ما بین مکه و مدینه است می رسند، خداوند ملکی را می فرستد در آنجا و فریاد می کند، ای زمین این لعن شدگان را در خود فرو بر، پس تمامی آنها که حدود سیصد هزار نفر هستند به زمین فرو می روند.<sup>۳</sup>

### ۵. «کشته شدن نفس زکیه»:

او پسری است از آل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که در ما بین رکن و مقام کشته خواهد شد.<sup>۴</sup>

۱. غیبه نعمانی، ص ۳۰۱.

۲. غیبه نعمانی، ص ۳۰۱.

۳. همان.

۴. همان.

اما علامات غیر حتمیه: پس آنها بسیار است، بعضی از آن علامتها ظاهر شده و بعضی هنوز واقع نشده‌اند و ما در اینجا حدیثی که مرحوم کلینی در کافی نقل کرده‌اند و مرحوم مجلسی هم در بحار الانوار آورده‌اند را بصورت اختصار برای شما ذکر می‌کنیم زیرا این حدیث طولانی است و حضرت به ۱۱۹ علامت اشاره کرده‌اند.

امام صادق علیه السلام به یکی از یاران خود گفت:

۱. هنگامی که ظلم و ستم، همه جا فراگیر شود.
۲. قرآن فرسوده (فقط روی تاغچه‌ها خاک می‌خورد) و بدعت‌هایی از روی هوا و هوس در مفاهیم آن آمده.
۳. آیین خداوند (عملاً) بی‌محتوا شده همانند ظرفی که آنرا وزگون سازند!

۴. اهل باطل بر اهل حق پیشی می‌گیرند.
۵. مردان به مردان (لواط) و زنان به زنان قناعت می‌کنند.
۶. افراد با ایمان سکوت اختیار می‌کنند (امر به معروف و نهی از منکر نمی‌کنند).

۷. پیوند خویشاوندی بریده شده، (صله رحم قطع می‌شود).

۸. مداحی و چاپلوسی فراوان شده.

۹. آشکارا شراب نوشیده می‌شود.

۱۰. کارهای خیر مورد توجه قرار نمی‌گیرد ولی کارهای شر مورد

توجه قرار می‌گیرد.

۱۱. حلالها، حرام می‌شود و حرام مجاز شمرده می‌شود (مثل ربا).

۱۲. قوانین و دستورات دینی طبق تمایلات اشخاص تفسیر می‌گردد.

۱۳. از افراد با ایمان چنان سلب آزادی می‌شود که جز در دل نتوانند ابراز تنفر کنند.

۱۴. پولهای زیادی در راه خشم خدا (فساد و ابتذال و ویرانی) مصرف می‌گردد.

۱۵. رشوه‌خواری در میان کارکنان دولت رائج می‌گردد.

۱۶. کوچکترها احترام بزرگترها را رعایت نمی‌کنند.

۱۷. بعضی از مردان از خودفروشی زنان خود ارتزاق می‌کنند.

۱۸. پستهای حساس به مزایده گذارده می‌شود. (پستها را بر اساس

شایستگی به کسی نمی‌دهند).

۱۹. قماربازی آشکار انجام می‌شود.

۲۰. سرگرمیهای ناسالم چنان رواج پیدا می‌کند که هیچکس

جرات جلوگیری از آن را ندارد.

۲۱. شنیدن حقایق قرآن برای مردم سخت می‌آید اما شنیدن باطل

راحت و آسان است برای آنها.



۲۲. همسایه، همسایه خود را از ترس زبانش احترام می‌کند.
۲۳. برای غیر خدا (ریا، و برای مردم) به حج می‌روند.
۲۴. مردم سنگدل می‌شوند (عواطف در بین مردم می‌میرد).
۲۵. کسانی که دنبال حلال هستند سرزنش و نکوهش می‌شوند و آنهایی که به دنبال حرامند تعریف و مدح می‌شوند.
۲۶. اگر کسی اقدام به امر به معروف و نهی از منکر کند به او می‌گویند که این کار وظیفه تو نیست.
۲۷. تمام همت و تلاش مردم شکم و شهوتشان است!
۲۸. امکانات مادی و دنیوی فراوان می‌گردد و دنیا به مردم روی می‌کند.
۲۹. زنان، خود را در اختیار افراد بی‌ایمان می‌گذارند.
۳۰. پرچمهای حق‌پرستی فرسوده و کهنه می‌گردد.
۳۱. ویرانگری (به وسیله جنگها) بر عمران و آبادی پیشی می‌گیرد.
۳۲. هنگامی که درآمد زندگی بعضی تنها از طریق کم‌فروشی می‌شود.
۳۳. کسانی هستند با سرمایه فراوان، در حالی که در عمرشان حتی یک مرتبه هم زکات نپرداخته‌اند.
۳۴. مردم به یکدیگر نگاه می‌کنند و از فاسدان شرور تقلید

می نمایند.

۳۵. هر سال فساد و بدعتی جدید پیدا می شود.

۳۶. در حضور جمع، همانند بهایم مرتکب اعمال جنسی

می شوند.

۳۷. اموال زیادی در راه غیر خدا خرج می کنند اما در راه خدا از

مقدار کمی هم مضایقه می کنند.

۳۸. بر فراز منابر دعوت به تقوی می شود ولی دعوت کننده خود

به آن عمل نمی کند.

۳۹. مردم نسبت به وقت نماز بی اعتنا می شوند. (نماز را در اول

وقت نمی خوانند).

۴۰. کمک به نیازمندان با توصیه و پارتی بازی صورت می گیرد، نه

برای خدا.

حضرت فرمود: در چنین زمانی مراقب خویش باش و از خدا

تقاضای نجات و رهایی از این وضع ناهنجار کن، که فرج نزدیک

است.<sup>۱</sup>

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۶ - ۲۶۰؛ فروع کافی، ج ۸، ص ۳۶.

## حکومت حضرت ولی عصر (عج)

### ویژگیهای حکومت حضرت مهدی علیه السلام

حکومت حضرت مهدی علیه السلام حکومتی است که تمام انبیاء و ائمه معصومین علیهم السلام برای تحقق و بوجود آوردن چنین حکومتی مبعوث شده‌اند.

اما هر یک از انبیاء و ائمه علیهم السلام به علتهای مختلف و بسیار زیاد، آن حکومت عدل الهی به طور کامل، مانند حکومت حضرت ولی عصر علیه السلام در زمان آنها به تحقق نپیوست. و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام مکرراً در فرمایشاتشان فرموده‌اند وقتی که، حضرت مهدی (عج) ظهور کند آن حکومت عدل الهی را برپا خواهد نمود.

۱. برپایی عدل و داد و ریشه کن کردن ظلم و جور

بارزترین ویژگی حکومت حضرت ولی عصر (عج) برپایی، عدل و عدالت به طور کامل و اجرای دستورات و احکام الهی می باشد.

چنانچه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «مهدی امتی الذی یملا الارض

عدلاً وقسطاً كما ملئت جوراً و ظلماً؛<sup>۱</sup> مهدی امت من زمین را پراز عدل و عدالت می‌کند همچنان‌که تمام زمین را ظلم و ستم فرا گرفته باشد».

از بین بردن ظلم و جور و گرفتن حق مظلومین یکی دیگر از ویژگیهای حکومت حضرت می‌باشد و پیامبر فرمود: «یبلغ من ردّ المهدی المظالم حتی لو کان تحت ضیرس انسانٍ شیءٌ انتزعه حتی یرُدّه؛<sup>۲</sup> کار حضرت مهدی (عج) در باز پس گرفتن حقوق بدانجا رسد که اگر در بُن دندان انسانی، حق فرد دیگری نهاده باشد، آن را پس گرفته و به صاحب حق برمی‌گرداند».

وقتی در جامعه‌ای و حکومتی، عدالت به معنای واقعی پیاده شود، و هر کس به حق و حقوق خودش برسد، در آن جامعه دیگر فقیر و نیازمند وجود ندارد.

همانطور که امام باقر علیه السلام فرمود: «اذا ظهر القائم سوّی بین الناس حتی لا تُرى محتاجاً الى الزکاة؛<sup>۳</sup> حضرت قائم (عج)، طوری بین مردم به مساوات و عدالت رفتار می‌نماید که نیازمندی به دریافت زکات دیده نمی‌شود».

۱. بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۲۵۱.

۲. موسوعة احادیث الامام المهدی، ج ۱، ص ۲۲۱.

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۹۰.

## ۲. حکومتی نیرومند و جهانی

قرآن حضرت داود علیه السلام را صاحب قدرت، و دارای حکومتی قوی معرفی می‌نماید. ﴿وَإِذْ كَرَّعَبْدُنَا دَاوُدَ ذَا الْإِيْدِ﴾<sup>۱</sup>؛ «بیاد بیاور بنده ما داود را که صاحب قدرت قوی بود و در اجرای احکام الهی و فرمان ما قدرتی قوی داشت».

خداوند قدرتی عظیم به او داد، حتی کوهها و پرندگان را مسخر او ساخت، و از نظر قدرت سیاسی، حکومتی نیرومند داشت که با قدرت تمام در برابر دشمن می‌ایستاد، حتی گفته‌اند در اطراف محراب عبادت او هزاران نفر، شب تا به صبح به حال آماده‌باش بودند!

و در روایات حکومت و اجرای احکام الهی توسط حضرت مهدی علیه السلام تشبیه به حکومت و قضاوت حضرت داود شده است.

قال الصادق علیه السلام: «إِذَا أَقَامَ الْقَائِمُ آلَ مُحَمَّدٍ حَكْمَ دَاوُدَ»؛

امام صادق علیه السلام فرمود: حضرت قائم (عج) هنگامی که قیام کند مانند حضرت داود، حکم می‌دهد و حکومت می‌کند.

پس همچنان‌که، داود «ذالاید» بود، این صفت حضرت داود برای حضرت مهدی علیه السلام نیز هست و حضرت مهدی هم «ذالاید» است یعنی در اجرای احکام الهی نیرومند و قوی خواهد بود. و

حضرت بقیة الله علیه السلام توسط این نیروی عظیم و قوی تمام دنیا را فتح خواهد کرد و همه مردم تحت حکومت حضرت ولی عصر (عج) دارای یک حکومت واحد، به نام حکومت اسلام خواهند شد و مؤید این مطلب روایات فراوانی است که اهل بیت علیهم السلام فرموده‌اند. و امام باقر علیه السلام فرمود: «حضرت مهدی علیه السلام حکومتش مشرق و مغرب زمین را فرا خواهد گرفت»<sup>۱</sup>.

و حضرت فاطمه زهرا علیها السلام از قول پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «خداوند توسط حضرت مهدی علیه السلام مشارق و مغارب زمین را فتح می‌کند»<sup>۲</sup>.

و پیامبر فرمود: سلطنت و حکومت مهدی مشرق و مغرب زمین را فرا می‌گیرد و به تمام دنیا می‌رسد.<sup>۳</sup>

### ۳. سلاح حضرت

مطلب بعدی، در مورد اسلحه حضرت مهدی علیه السلام است که در روایات وارد شده «فالخروج بالسيف»؛ حضرت مهدی با شمشیر قیام می‌کند.

شمشیر در روایات، سمبل اسلحه است، نه اینکه سلاح حضرت

۱. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۸۷.

۲. کفایة الاثر، ص ۱۹۵.

۳. اعلام الوری، ص ۳۹۱.

شمشیر باشد و با شمشیر به جنگ دشمنان بیاید.

در زمانی که دشمنان مجهزترین سلاحها را دارند، حضرت هم با مجهزترین سلاحها قیام می کنند زیرا می خواهد تمام دنیا را فتح کند و تمام حکومتهای خودکامه و ستمگر را نابود کند و از صحنه جهان خارج نماید. پس برای این کار مهم احتیاج به یک «سلاح برتر» است، که بتواند تمام سلاحهای دشمنان را تحت الشعاع قرار دهد و بر تمام آن سلاحها غالب و پیروز گردد.

حالا، آن سلاح چیست، معلوم نیست، و شاید الآن تصورش برای ما ممکن نباشد، همین اندازه اجمالاً می توانیم بگوییم یک «سلاح برتر» خواهد بود.

و مؤید این مطلب هم عقل است و هم نقل یعنی روایات ائمه علیهم السلام.

به عنوان نمونه یک روایت را نقل می کنیم:

قال الباقر علیه السلام: «اذا قام القائم سار الى الكوفة، فيخرج منها بضعة آلاف انفس يدعون (البتريّة) عليهم السلاح فيقولون له ارجع من حيث جئت، فلا حاجة لنا في بني فاطمة، فيضع فيهم السيف حتى يأتي على آخرهم ثم يدخل الكوفة فيقتل بها كل منافق مرتاب ويهدم قصورها؛<sup>۱</sup> هنگامی که حضرت قائم، قیام کرد به کوفه

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۸.

می رود، در کوفه ده هزار نفر که «بتریه» نام دارند، جلوی آن حضرت را می گیرند و بر حضرت اسلحه می کشند و به حضرت می گویند از همانجا که آمده ای برگرد ما نیازی به فرزندان فاطمه نداریم. حضرت شمشیرش را در بین آنها قرار می دهد بطوری که تا به آخرین نفر آنها می رسد و همه آنها را فرا می گیرد و همه آنها را به قتل می رساند و آنگاه وارد کوفه شده و هر منافق شکاک را می کشد و قصرهای آنها را ویران می کند».

اولاً: همانطور که در روایت وارد شده است، ده هزار نفر با اسلحه مقابل حضرت را می گیرند، و از اسلحه آنها به عنوان شمشیر نام برده نشده است، چگونه می شود با شمشیر مقابل آن ده هزار نفر که دارای سلاح پیشرفته روز هستند پیروز شد؟

این امکان ندارد مگر اینکه حضرت دارای سلاحی برتر از سلاح آنها باشد، و شمشیر در اینجا همچنان که گفته شد به عنوان سمبل جنگ آمده است.

ثانیاً: در روایت آمده است که حضرت شمشیرش را در میان آن ده هزار نفر قرار می دهد، و شمشیر حضرت تمام آنها را حتی نفر آخر از آنها را فرا می گیرد و آنها به هلاکت می رسند. پر واضح است، که این اسلحه شمشیر نیست زیرا شمشیر مگر چقدر بزرگ است که تمام ده هزار نفر را فرا گیرد و همه آنها را یکجا نابود کند!



پس اسلحه حضرت همان سلاح پیشرفته و برتر روز است که در یک لحظه همه ده هزار نفر را فرا می‌گیرد و همه آنها را نابود می‌کند. و شمشیر سنبل و نماد جنگ است، و اینکه امام حسین علیه السلام فرمود: «فی القائم منا سُنَن من الانبیاء و اما من محمد فالخروج بالسيف»؛ در قائم ما سنتها و ویژگیهایی از پیامبران وجود دارد، و از سنت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم قیام با شمشیر است.<sup>۱</sup>

یعنی همچنانکه حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم با دشمنان دین جنگید برای نابودی دشمنان دین، حضرت مهدی علیه السلام هم از این سنت و روش پیامبر پیروی می‌کند و با دشمنان دین خواهد جنگید.

چنانکه در روایات وارد شده که امام صادق علیه السلام فرمود: «لِیُعَدَّ أَحَدُكُمْ لَخُرُوجِ الْقَائِمِ علیه السلام وَلَوْ سَهْمًا»؛ قبل از آن که ولی عصر علیه السلام ظهور کند خودتان را گرچه با یک تیر هم که شده است آماده کنید.<sup>۲</sup>

#### ۴. پایتخت حکومت و منزل حضرت

در زمان حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام منزل حضرت و محل حکمرانی و پایتخت حکومت جهان گستر حضرت کجاست؟ طبق نقل روایات و فرمایشات اهل بیت علیهم السلام خانه حضرت در «مسجد سهله» در کوفه خواهد بود.

۱. کشف الغمه، ج ۳، ص ۳۲۹.

۲. سفینه البحار، ج ۲، ص ۷۰۵.

«ابا بصیر می گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود: گویا می بینم، حضرت قائم (عج) را همراه با خانواده اش در مسجد سهله. گفتم: مسجد سهله، خانه حضرت مهدی علیه السلام است؟ فرمود: بله، مسجد سهله، خانه حضرت ادریس بوده، و هر پیامبری که مبعوث شد در آن مسجد نماز خوانده است».<sup>۱</sup>

امام صادق علیه السلام فرمود: «اما انّه (مسجد سهله) منزل صاحبنا اذا قام باهله»؛ مسجد سهله، خانه امام قائم علیه السلام است.<sup>۲</sup>

پایتخت حکومت جهانی حضرت ولی عصر علیه السلام شهر کوفه است، همان شهری که مقر حکومت حضرت علی علیه السلام بود. و جایگاه حکمرانی حضرت و قضاوت او، مسجد جامع کوفه خواهد بود.

قال الصادق علیه السلام: «دار ملکه الكوفة، ومجلس الحكم جامعها»؛ یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام از حضرت پرسید: قرارگاه حضرت مهدی کجاست؟

امام صادق علیه السلام فرمود: محل حکومت او کوفه خواهد بود و جایگاه قضاوت و حکمرانیش مسجد جامع کوفه است.<sup>۳</sup>

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۷.

۲. تهذیب، ج ۳، ص ۲۵۰.

۳. نوائب الدهور، ج ۳، ص ۱۲۵.

### ۵. جایگاه مسجد در حکومت حضرت علیه السلام

همچنان که ذکر گردید در روایات وارد شده است که خانه حضرت مهدی علیه السلام در مسجد سهله است و محل حکمرانی و قضاوت حضرت در مسجد کوفه است.

هم چنان که مسجد سهله خانه حضرت ادریس پیامبر بود و در همانجا مشغول به خیاطی بود، و چنان که «دکة القضاء» امیرالمؤمنین علیه السلام در مسجد کوفه بود، سکویی در مسجد بود که حضرت برای قضاوت بر روی آن سکو می نشستند.

و همانطور که در زمان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم مسجد محل رفع مشکلات مردم، و محل دیدار مردم با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بود در زمان حضرت ولی عصر علیه السلام نیز دوباره مسجد جایگاه اصلی خود را پیدا می کند.

امام صادق علیه السلام فرمود: «هنگامی که قائم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم قیام نماید، در پشت شهر کوفه مسجدی می سازد که هزار درب دارد.»<sup>۱</sup> و این بیان کننده این است که این مسجد چقدر بزرگ و باشکوه خواهد بود.

و امام باقر علیه السلام فرمود: «وقتی که حضرت صاحب الزمان (عج) داخل کوفه می شود و سید حسنی با اصحابش به حضرت مهدی علیه السلام

می پیوندند در جمعه دوم جمعیت همگی می خواهند نماز جماعت پشت سر حضرت مهدی علیه السلام بخوانند، اما مسجد کوفه گنجایش آن جمعیت را ندارد و به حضرت می گویند: نماز پشت سر شما، همانند نماز پشت پیامبر ﷺ است اما مسجد کوچک است و جا پیدا نمی شود برای همه. حضرت به پشت کوفه می روند و با کشیدن خطهایی حدود مسجد بزرگی را مشخص می کنند و دستور ساخت آن مسجد که هزار درب دارد را می دهند. و در آنجا این مسجد بزرگ ساخته می شود.»<sup>۱</sup>

پس اینکه می گویند، حضرت ولی عصر علیه السلام بعضی مساجد را خراب می کند، این مطلب چگونه است؟  
بله، حضرت مهدی علیه السلام مساجدی که مانند مسجد ضرار و با همان نیت ساخته شده است، خراب می کند، همچنان که پیامبر ﷺ مسجد ضرار را خراب کردند.

امام باقر علیه السلام فرمود:

«وقتی که حضرت قائم علیه السلام قیام کند، به کوفه می رود و چهار مسجد را در آنجا ویران می نماید.»<sup>۲</sup>

و این چهار مسجدی که حضرت مهدی در کوفه خراب می کنند، گویا همان چهار مسجدی است که دشمنان اهل بیت علیه السلام هر یک از

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۱.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۳.

آنها را برای تشویق قاتلین امام حسین علیه السلام و خوشحالی کردن کشته شدن امام حسین علیه السلام به نام یکی از دشمنان یا شرکت کنندگان در قتل امام حسین علیه السلام ساختند. آن چهار مسجد عبارتند از: ۱. مسجد أشعث؛ ۲. مسجد جریر؛ ۳. مسجد سَمَّاک؛ ۴. مسجد شَبِث بن رعی. امام باقر علیه السلام فرمود: «در کوفه چهار مسجد ساختند برای شادی کردن و خوشحالی کردن کشتن امام حسین علیه السلام: مسجد اشعث، مسجد جریر، مسجد سَمَّاک و مسجد شَبِث بن رعی، خداوند همه آنها را لعنت کند.»<sup>۱</sup>

۱. تهذیب، ج ۳، ص ۲۵۰.

## آیا می‌شود امام زمان علیه السلام را دید؟

آیا در زمان غیبت کبری می‌توان خدمت امام زمان علیه السلام رسید، و آن حضرت را دید؟

جواب: بله، می‌توان در زمان غیبت خدمت امام زمان علیه السلام شرف‌یاب شد و آن حضرت را ملاقات کرد، چنان‌که شیخ مفید، شیخ احمد مقدس اردبیلی، علی بن مهزیار اهوازی، علامه حلی، علامه بحر العلوم، علامه مجلسی و بسیاری از بزرگان به این فیض عظمی نائل گشته‌اند.

و در کتب شریفی از جمله، بحار الانوار علامه مجلسی، اثبات الهداة علامه حلی، کمال‌الدین شیخ صدوق، نجم‌الثاقب علامه نوری و کتب دیگر حکایتها و تشریفهای زیادی از افراد متقی و علماء و صلحاء نقل شده است. و چه کسی می‌تواند ادعا کند که تمام این حکایتها و قصه‌ها دروغ است.

اما، بعضیها می‌گویند: در روایات آمده، که باید مدعیان ملاقات با

حضرت ولی عصر علیه السلام را تکذیب نمود!

از آنهایی که چنین حرفی می‌زنند سؤال می‌کنیم در کدام روایت چنین مطلبی گفته شده است، در تمام کتب احادیث، چنین حدیثی وجود ندارد که هر کس گفت من امام زمان علیه السلام را دیده‌ام او را تکذیب کنید. فقط توقیع «علی بن محمد سمري» است که چنین مضمونی دارد، که آن حدیث هم مرسل وضعی است و ثانیاً: مضمونی که در این توقیع است احتمالات فراوانی دارد. که علامه مجلسی جوابی کامل و مفصل درباره این توقیع فرموده‌اند، قبل از اینکه جواب علامه مجلسی را ذکر کنیم اصل این توقیع را نقل می‌کنیم بعد جواب علامه را بیان می‌کنیم.

شیخ طوسی در کتاب غیبه، حدیثی مرسل را روایت کرده است، که امام زمان علیه السلام توقیعی برای «علی بن محمد سمري» چهارمین نایب خاص حضرت ولی عصر علیه السلام در زمان غیبت صغری فرستاده است که اصل این توقیع این است:

بسم الله الرحمن الرحيم

«یا علی بن محمد السمري! اسمع اعظم الله اجر اخوانک فیک، فانک میت ما بینک و بین سنّة ایتام؛ فاجمع امرک ولا توصی الی احد، فیقوم مقامک بعد وفاتک، فقد وقعت الغیبة التامة فلا ظهور

الا بعد اذن الله تعالى ذكره، وذلك بعد طول الامد، وقسوة القلب وامتلاء الارض جوراً، وسيأتى شيعتى من يدعى المشاهدة الا فمن ادعى المشاهدة قبل خروج السفينى والصيحة، فهو كذاب مفتر، ولا حول ولا قوّة الا بالله العلى العظيم؛ اى على، پسر محمد سمري! گوش کن و کلامم را بشنو، خدا اجر برادران تو را، در مصیبت تو زیاد گرداند، تو تا شش روز دیگر خواهی مُرد، کارهایت را جمع کن و مسأله وکالت و جانشینی را به کسی وصیت نکن. زیرا غیبت کبری واقع شده و ظهور معلوم نیست مگر آنکه خدا اذن دهد و این اذن خدا، بعد از مدتهای طولانی و سخت شدن دلها و پرشدن زمین از ظلم و جور است. و جمعی از شیعیان می آیند و مدعی مشاهده و ارتباط با ما را دارند، آگاه باش که هر کس ادعای مشاهده را قبل از خروج سفینای و صیحه آسمانی بکند، دروغگو و افتراء زننده است.

علامه مجلسی در جلد ۵۳ کتاب شریف بحار الانوار بعد از نقل ۵۹ حکایت از کسانی که در زمان غیبت کبری امام زمان علیه السلام را دیده اند، این توفیق «سمری» را نقل می کند و در جواب می فرماید:

این خبر ظاهرش منافات دارد با حکایتهایی که در کتاب بحار الانوار نقل شده و برای رفع این منافات، و در مورد این خبر، چند جواب را ذکر می کنند:

۱. اولاً این خبر «توفیق علی بن محمد سمري»، خبر واحد و



مرسل است که خبر واحد مرسل علم آور نیست پس معارض نیست این خبر با آن حکایتها و قصّهای که حاصل می شود قطع و یقین از مجموع آن قصّه ها بلکه از بعضی از آن قصّه هایی که در بر دارد کرامتهایی که ممکن نیست این کرامتها از غیر امام زمان علیه السلام صادر شود.

پس چگونه می شود از آن حکایتها و قصّها دوری کرد بخاطر یک خبر ضعیف که حتی خود شیخ طوسی هم که این روایت را در کتاب غیبه نقل کرده به آن عمل نکرده است بخاطر اینکه در کتابش حکایت کسانی را که خدمت امام زمان علیه السلام تشریف پیدا کرده اند، نقل نموده است. پس چگونه دیگر علماء این خبر را قبول کنند.

۲. شاید منظور از ادعای مشاهده همراه با ادعای نیابة خاصه ای که نواب اربعه داشته اند، است یعنی کسی که گفت من امام را دیده ام و از طرف آن حضرت نیابت خاصه دارم این شخص دروغگو است.

۳. علامه می گوید: سید مرتضی در کتاب تنزیه الانبیاء در جواب کسی که سؤال کرده: هنگامی که امام غایب است، به طوری که هیچ انسانی او را نبیند و به حضور آن حضرت نرسد و از آن حضرت بهره ای نبرد پس چه فرقی است بین وجود داشتن امام و وجود نداشتن امام؟

سید در جواب می گوید: ما قطع و یقین نداریم که هیچ کس

خدمت حضرت نمی‌رسد و هیچ شخصی حضرت را ملاقات نمی‌کند و چنین مطلبی یقینی نیست و این طور که شما می‌گویید کسی خدمت آقا نمی‌رسد «فهدا غیر معلوم» چنین چیزی نیست.

۴. شاید منظور از این تویع این است که منزل و مکان سکونت حضرت مخفی است و هیچکس به آنجا راه پیدا نمی‌کند و هیچ شخصی آنجا را نمی‌شناسد. پس منافات ندارد ملاقات کردن حضرت و دیدن حضرت را در اماکن و مقاماتی که در حکایتها ذکر شده است. و منافات ندارد با حاضر شدن حضرت علیه السلام نزد گرفتار و بیچاره‌ای که پناه برده به حضرت و از همه کس و همه جا ناامید شده است. و تاییدکننده این احتمال روایاتی است که شیخ طوسی در کتاب غیبه و مرحوم نعمانی در غیبه نعمانی ذکر کرده‌اند که آن روایات اشاره به همین معنا دارد.

نعمانی از امام صادق علیه السلام روایت کرده، امام فرمود: حضرت قائم علیه السلام دو غیبت می‌کند، یک غیبت کوتاه مدت و دیگر غیبت طولانی مدت، در غیبت اول هیچکس منزل و مکان حضرت را نمی‌شناسد مگر شیعیان خاص آن حضرت و در غیبت دومی هیچکس منزل و مکان آن حضرت علیه السلام را نمی‌شناسد و نمی‌داند مگر دوستان خاص آن حضرت. در این حکایتها که نقل شده است دلالتی ندارد بر اینکه شخصی حضرت را در منزل حضرت یا محل اقامت



حضرت ملاقات کرده باشند.

۵. در خبر علی بن مهزیار اهوازی که شیخ صدوق در کمال الدین و شیخ طوسی در کتاب غیبه از ابی جعفر محمد بن جریر طبری نقل نموده‌اند چنین آمده که:

علی بن مهزیار می‌گوید: در کنار درب مسجد الحرام وقتی با فرستاده حضرت ملاقات کردم آن شخص گفت: چه حاجتی داری؟ عرض کردم: من می‌خواهم امام غایب را ببینم، گفت: امام از شما محجوب و غایب نیست ولکن اعمال بد شما، او را از شما غایب کرده است.

و این مطلب اشاره دارد به اینکه کسی که اعمالش بد، نباشد، هیچ چیزی مانع و حائل بین آن شخص و امام زمان علیه السلام نمی‌شود، و او می‌تواند خدمت امام زمان علیه السلام برسد و چنین شخصی از اوتاد و خوبان است.<sup>۱</sup>


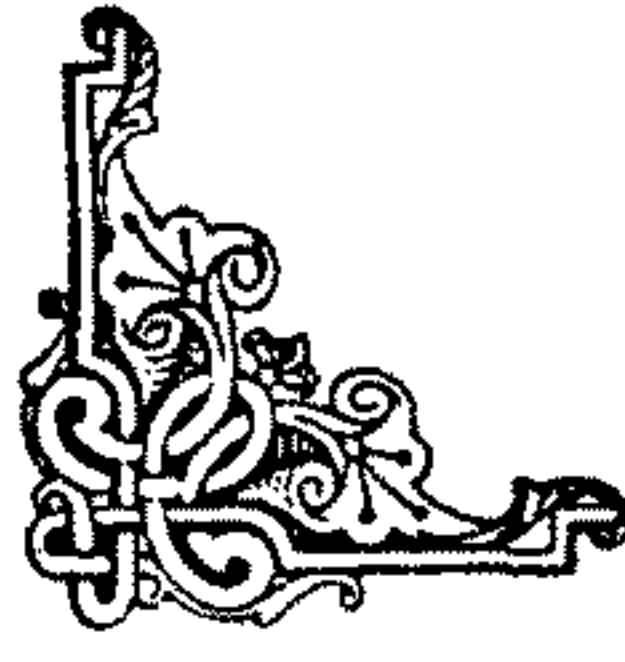
۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۳۱۸، به بعد.



---

در زمان غیبت یکی از وظایف انسان  
منتظر، دعا برای تعجیل در ظهور  
حضرت است. لذا در روایات هم  
وارد شده که در رأس و اوّل  
دعاهایتان، تعجیل حضرت را  
بخواهید. یکی از کسانی که در قنوت  
نمازهایش برای حضرت قائم (عج)  
دعا می کرد، آیت الله بهاء الدینی بود.

---



### دعا در قنوت (آیه الله بهاءالدینی)

سالهای بسیاری در قنوت سرور عزیزمان آیت الله بهاءالدینی آیات نورانی قرآن کریم و دعا‌های مرسوم را می شنیدیم، تا اینکه ناگهان زمانی متوجه شدیم که نوع کلمات و عبارات ایشان تغییر یافته است. و در قنوت نمازهایشان برای حضرت مهدی علیه السلام این دعا را می خوانند:

«اللّٰهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ الْحَجَّةَ ابْنِ الْحَسَنِ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ، وَلِيًّا وَحَافِظًا وَقَاعِدًا وَنَاصِرًا وَدَلِيلاً وَعَيْناً، حَتَّى تَسْكُنَهُ أَرْضُكَ طَوْعاً، وَتَمَتَّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا»

روزی که در محضر آقا بودیم و فرصت مناسبی فراهم بود از تغییر رویه ایشان در این باره پرسیدیم. معظم له به یک جمله بسنده کردند: «حضرت پیغام دادند در قنوت برای من دعا کنید»<sup>۱</sup>.

۱. شیخ طبرسی در احتجاج روایت کرده که: توقیعی از امام

---

۱. آیت بصیرت.

زمان علیه السلام به دست محمد بن عثمان یکی از نواب اربعه رسید که در آخر آن توقیع حضرت فرموده بودند: «دعا بسیار کنید برای تعجیل فرج، که فرج شما در آن است»<sup>۱</sup>.



۲. آیت الله سید علی قاضی (رحمته الله)، استاد عرفان و اخلاق، آیت الله بهجت، علامه طباطبایی، آیت الله کشمیری و بسیاری از بزرگان حوزه در مورد دعای برای فرج حضرت ولی عصر علیه السلام چنین می فرماید:

از آن چیزهایی که بسیار لازم و با اهمیت است، دعا برای فرج حضرت حجت (صلوات الله علیه) در قنوت نماز وتر است.

بلکه در هر روز و در همه دعاها برای فرج حضرت باید دعا کرد.

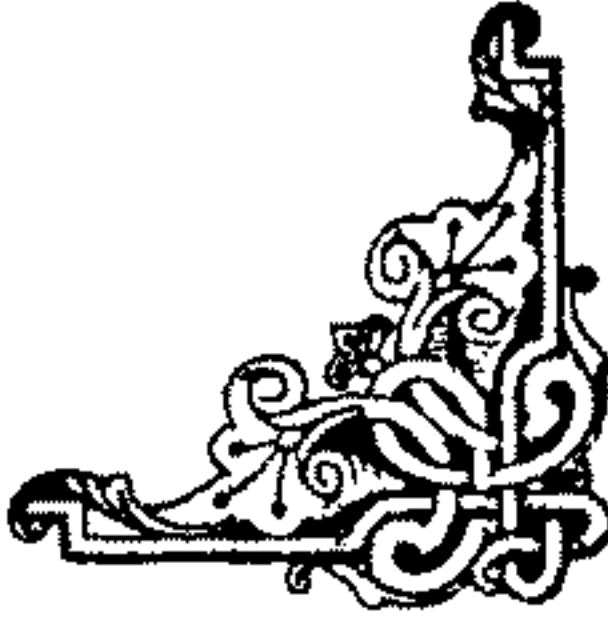
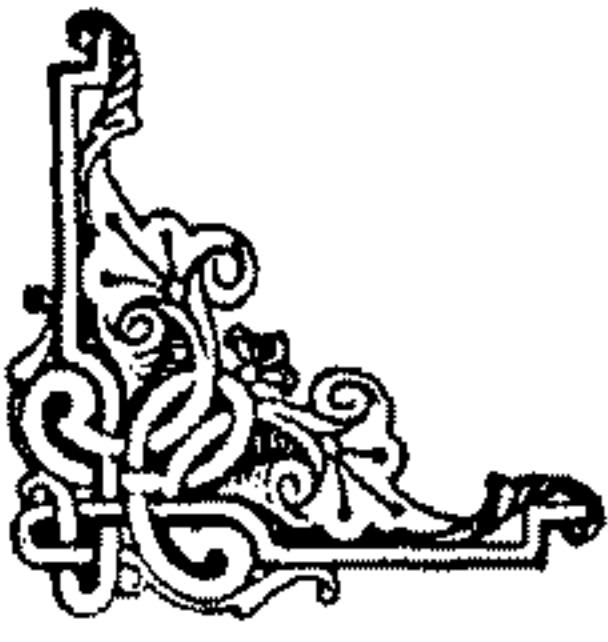
۳. پیشنهاد می شود: برای اینکه به این پیغام حضرت عمل کرده

باشیم حد اقل در قنوت یکی از نمازهای خود برای امام زمان علیه السلام دعا کنیم.



---

یکی از اموری که باعث می شود  
انسان از امام زمان علیه السلام دور شود و  
به آن حضرت راه نیابد دل بستن به  
تعلقات دنیا است و اینکه انسان  
اسیر زرق و برق دنیا باشد و دلش  
گرفتار تعلقات دنیای دنی گردد. تا  
از تعلقات دنیا دل نکند انسان به  
حضور حضرت راه نمی یابد.



## مرد صابونی

مرد صالح و خیراندیشی در بصره عطاری می‌کرد، او می‌گوید:  
روزی در مغازه نشسته بودم، دو نفر برای خرید سدر و کافور به در  
دکان من آمدند، از گفتار و سیمای آنان چنین دریافتم که اهل بصره  
نیستند و از شخصیت‌های بزرگ می‌باشند «أثر النجابة ساطع  
البرهان» از حال و دیار آنان پرسیدم؟

آنها کتمان نمودند من هر چه اصرار می‌نمودم آنان نیز اصرار  
اغماض از این سؤال می‌کردند، آخر الامر آن دو نفر را قسم به حضرت  
رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دادم که خود را معرفی کنند. چون دیدند من  
دست بردار نیستم گفتند: از ملازمان و چاکران درگاه مبارک حضرت  
ولیی عصر حجّة بن الحسن العسکری عليه السلام هستیم، شخصی از دنیا  
رفته ما آمده‌ایم از تو سدر و کافور بخریم، فهمیدم که اینان از یاران آن  
حضرت هستند بی اختیار بدست و پای ایشان افتادم و تضرع و زاری  
کردم که حتماً باید مرا به آن حضرت برسانید. یاران حضرت گفتند:  
مشرف شدن به حضور آن سرور منوط به اجازه او است. گفتم: مرا  
نزدیک آن جناب ببرید اگر اجازه داد زهی سعادت و گرنه که هیچ، آنان



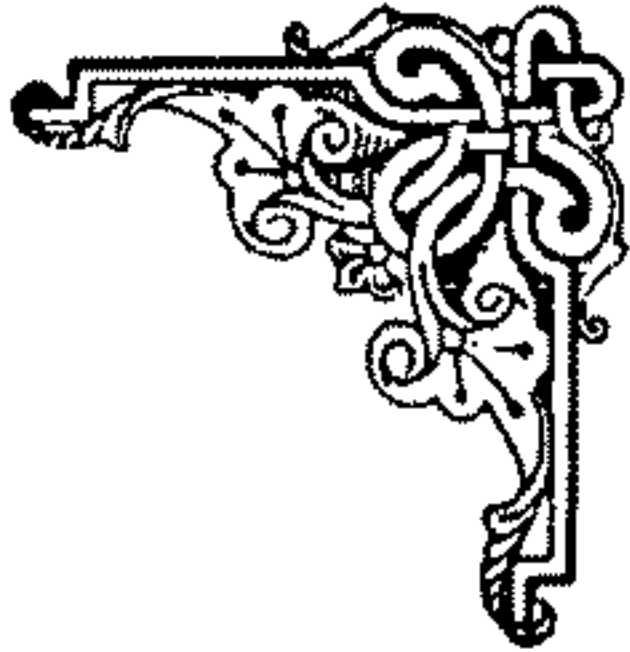

از اقدام به این کار خوداری کردند، ولی چون دیدند من با کمال پافشاری دست بردار نیستم، به من رحم کرده و منت گذاشتند و درخواست مرا اجابت نمودند. بسیار خوشحال شدم با شتاب تمام سدر و کافور را به آنها داده درب مغازه را بستم و به دنبال آنها روانه شدم. در وسطهای راه بودیم دیدم ابرها در آسمان زیاد شد و هوا بارانی شد و شروع به باریدن کرد.

اتفاقاً من در همان روز صابون پخته بودم و بر پشت بام مغازه بخاطر اینکه بوسیله تاپتر آفتاب خشک شود گذارده بودم، همینکه باران را دیدم به یاد صابونها افتادم و بسیار ناراحت شدم از اینکه باران می بارد و تمام فکرم رفت به سوی صابونها. در همان فکر در حرکت بودم تا اینکه رسیدیم به خیمه و چادری که همانند «شجره طور» نور از آن ساطع و آن فضا را روشن نموده بود.

همراهان گفتند: تمام مقصود در میان این پرده است. با هم به راه خود ادامه دادیم تا نزدیک چادر رسیدیم، یکی از همراهان جلو رفت تا برای من اجازه ورود بگیرد، آن شخص در باره مشرف شدن من به حضور مبارک‌شتر خواستار اجازه شد.


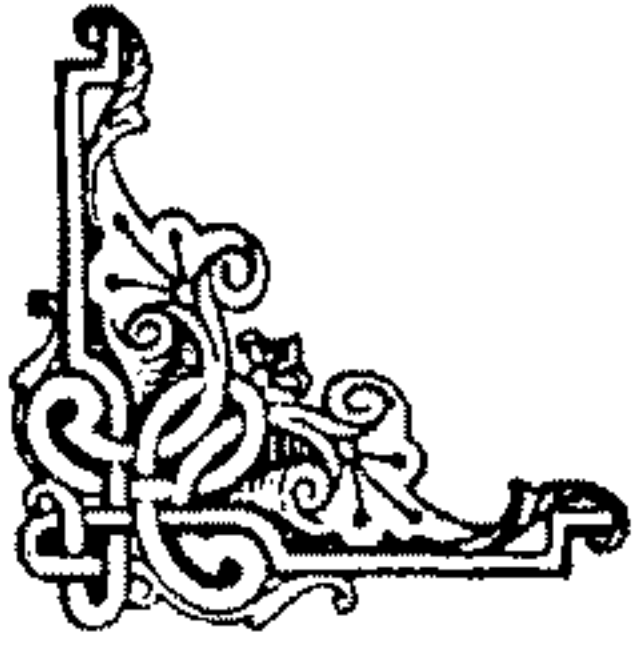
آن جناب فرمود: «ردّوه فائنه رجل صابونی؛ به او اجازه ندهید و او را در عداد خدمه این درگاه نشمرید، زیرا او مردی صابون دوست است». یعنی او هنوز دل را از تعلقات دنیای دنی خالی نکرده و حضور در این درگاه را ندارد<sup>۱</sup>.

۱. پندهای جاوید، ص ۱۳۶، نقل از اسرار وجود حضرت ولی عصر (عج).



---

توسل حقیقی و از روی توجه و  
اخلاص و با دل شکسته به حضرت  
مهدی علیه السلام، پیدا کردن حلال تمامی  
مشکلات است و انسانهای بسیاری  
با توسل به حضرت و خواندن نماز  
امام زمان علیه السلام و یا رفتن به مسجد  
جمکران و... حاجات و نیازهای  
خود را از آن حضرت گرفته‌اند.



---

### توسل به امام زمان (نجات از مرگ)

علامه سید محمد حسین طهرانی در کتاب ارزشمند معادشناسی نقل می‌کند:

یکی از دوستان ما که از اعظام اهل نجف اشرف است برای من نقل فرمود که: ما از نجف اشرف عیال اختیار کردیم و سپس در فصل تابستان برای زیارت و ملاقات ارحام عازم ایران شدیم، و پس از زیارت حضرت ثامن الائمه امام رضا علیه السلام، به وطن خود که شهری است در نزدیکی های مشهد رهسپار گردیدیم.

آب و هوای آنجا به عیال ما نساخت و مریض شد و روز بروز مرضش بیشتر شد، و هر چه معالجه کردیم سودمند نگشت و مشرف به مرگ شد. و من در بالین او بودم و بسیار پریشان شدم و دیدم عیال من در این لحظه فوت می‌کند و من باید تنها به نجف برگردم و در پیش پدرش و مادرش خجسته و شرمنده گردم، و به من بگویند دختر نوعروس ما را برد و در آنجا دفن کرد و خودش برگشت. حال

اضطراب و تشویش عجیبی در من پیدا شد. فوراً آمدم در اطاق مجاور ایستادم و دو رکعت نماز خواندم و توسل به حضرت امام زمان (عج) کردم و عرض کردم: یا ولیّ الله! زن مرا شفا دهید، ای ولی کارخانه خدا این امر از دست شما ساخته است، و با نهایت تضرّع و التجاء متوسل شدم. آمدم در اطاق عیالم، دیدم نشسته و مشغول گریه کردن است و زار زار می‌گرید. تا چشمش به من افتاد گفت: چرا مانع شدی؟ چرا مانع شدی؟ چرا نگذاشتی؟ من نفهمیدم چه می‌گویند، و تصور کردم که صحبت عادی می‌کند و حالش خوب نیست.

بعد که قدری آب به او دادیم و غذا به دهانش گذاردیم قضیه خود را برای من نقل کرد و گفت: عزرائیل برای قبض روح من با لباس سفید آمد و بسیار متجمل و زیبا و آراسته بود، به من لبخندی زده و گفت: حاضر به آمدن هستی؟ گفتم: آری. بعداً امیرالمؤمنین علیه السلام تشریف آوردند و با من بسیار ملاحظت و مهربانی کردند و به من گفتند: من می‌خواهم بروم نجف، می‌خواهی با هم برویم به نجف؟ گفتم: بلی خیلی دوست دارم با شما به نجف بروم. من برخاستم لباس خود را پوشیدم و آماده شدم که با آن حضرت به نجف اشرف برویم، همینکه خواستم از اطاق با آن حضرت خارج شوم دیدم که حضرت صاحب زمان علیه السلام آمدند و توهم دامان امام زمان را گرفته‌ای. حضرت صاحب زمان به امیرالمؤمنین عرض کردند: این بنده به ما متوسل شده،

حاجتش را برآورید. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام سر خود را پائین انداخته و به عزرائیل فرمودند: به تقاضای مرد مؤمن که متوسل به فرزند ما شده است برو، باشد تا موقع معین. و امیرالمؤمنین از من خدا حافظی کردند و رفتند. چرا نگذاشتی من بروم؟<sup>۱</sup>

## دعای فرج

مرحوم طبرسی، صاحب کتاب گرانقدر «مجمع البیان» در کتاب «کنوز النجاح» نقل کرده که دعای فرج را حضرت ولی عصر علیه السلام در عالم خواب به ابی الحسن محمد بن ابی اللیث تعلیم نمودند.

ابی الحسن می گوید از ترس کشته شدن به قبرستان قریش در شهر بغداد فرار کرده بودم و به آنجا پناه برده بودم و آنجا در عالم خواب حضرت ولی عصر علیه السلام این دعا را به من یاد دادند و به برکت خواندن این دعا از کشته شدن نجات یافتم.

ابو الحسن می گوید: آن حضرت به من اینگونه تعلیم نمود که بگو:  
«اللَّهُمَّ عَظْمَ الْبَلَاءِ، وَبَرِحَ الْخَفَاءِ، وَانْكَشَفَ الْغِطَاءِ، وَانْقَطَعَ  
الرَّجَاءِ، وَضَاقَتِ الْأَرْضُ وَمُنِعَتِ السَّمَاءُ، وَالْيَكَّ يَا رَبِّ الْمُشْتَكِي،  
وَ عَلَيْكَ الْمُعْوَلُ فِي الشَّدَّةِ وَالرَّخَاءِ.»

اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، أُولَى الْأَمْرِ الَّذِينَ فَرَضْتَ  
عَلَيْنَا طَاعَتَهُمْ، فَعَرَّفْتَنَا بِذَلِكَ مَنْزِلَتَهُمْ، فَفَرِّجْ عَنَّا بِحَقِّهِمْ فَرَجاً  
عَاجِلاً قَرِيباً كَلْمَحِ الْبَصْرِ، أَوْ هُوَ أَقْرَبُ يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ يَا عَلِيُّ يَا

مُحَمَّدُ، اِكْفِيَانِي فَاِنَّكُمَا كَافِيَانِ، وَاَنْصُرَانِي فَاِنَّكُمَا نَاصِرَانِ، يَا  
 مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ اَلْغَوْثَ اَلْغَوْثَ اَلْغَوْثَ، اَدْرِكْنِي اَدْرِكْنِي  
 اَدْرِكْنِي؛ ای خدای من، مشکل، بزرگ گردیده و مخفی آشکار و  
 ظاهر شده است، پرده به کنار رفته، و امید تبدیل به ناامیدی گردیده  
 است، زمین تنگ گشته و آسمان نعمتهایش را بازداشته است. از تو  
 می توان یاری خواست و به سوی تو، شکوه و دادخواهی نمود. و بر  
 تو در سختی و آسانی می شود تکیه نمود. خداوندا بر محمد و  
 خاندان او درود فرست، بر صاحبان امر که واجب کردی بر ما اطاعت  
 کردن از آنها را، و با این واجب کردن اطاعت از آنها، مقام و منزلت آنان  
 را به ما شناسانده ای، پس، سوگند به حق آنان گشایشی زود و نزدیک  
 در کار ما عنایت فرما. به زودی و نزدیکی یک چشم بر هم زدن یا  
 زودتر از آن. یا محمد، یا علی یا علی، یا محمد به کارم برسید که  
 رسیدگی شما دو تن کفایت می کند و بس است، و مرا یاری دهید که  
 شما دو تن یاری دهندگانید، ای مولای ما! ای صاحب الزمان! الغوث،  
 الغوث، الغوث «یاری بده»، ادرکنی، ادرکنی، ادرکنی «مرا دریاب»،  
 الساعه، الساعه، الساعه؛ «همین الآن»؛ العجل، العجل، العجل «خیلی  
 زود» یا ارحم الراحمین، بحق محمد وآله الطاهرين».

راوی گوید، که در وقت گفتن یا صاحب الزمان، حضرت اشاره به  
 سینه خود می نمود.<sup>۱</sup>

## امام زمان علیه السلام در حال قرآن خواندن (تشریف علامه بحر العلوم)

ملاً زین العابدین سلماسی فرمود:

روزی جناب بحر العلوم (رحمة الله عليه) وارد حرم  
امیرالمؤمنین علیه السلام شد و این شعر را می خواند:

«چه خوش است صوت قرآن ز تو دلربا شنیدن»

پس از این سؤال کردم: این مصرع را چرا می خوانید!

فرمود: «چون وارد حرم امیرالمؤمنین علیه السلام شدم، دیدم حضرت  
ولی عصر، امام زمان علیه السلام را که در بالای سر، قرآن تلاوت می فرمود با  
صدای بلند، چون صدای آن بزرگوار را شنیدم، ناخودآگاه، آن مصرع  
را خواندم، چون وارد حرم شدم حضرت قرائت قرآن را تمام کردند و  
از حرم بیرون رفتند.<sup>۱</sup>»

چه خوش است صوت قرآن ز تو دلربا شنیدن

به رخت نظر کردن سخن خدا شنیدن



یکی از کارهایی که باعث می شود انسان به امام زمان علیه السلام تقرب و نزدیکی پیدا کند، انس و مصاحبت با قرآن، می باشد.

چنان که امام صادق علیه السلام فرمود: «همه چیز در قرآن است، هر کسی با قرآن مصاحب و مانوس شد هر چه بخواهد بدست می آورد.»<sup>۱</sup>

پس کسی که در شبانه روز اصلاً اهل قرآن خواندن نیست و اهل مصاحبت و انس با قرآن نیست نمی تواند ادعای محبت واقعی نسبت به حضرت ولی عصر داشته باشد زیرا یکی از گروهایی که پیامبر در قیامت از آنها نزد پروردگار شکایت می کند، کسانی هستند که قرآن را مهجور گذاشتند و اهل انس و مصاحبت با قرآن نبودند. ﴿وقال الرسول يا رب ان قومي اتخذوا هذا القرآن مهجوراً﴾<sup>۲</sup>؛ «وگفت پیغمبر پروردگارا همانا قومم برگرفتند این قرآن را ترک شده».

برای نزدیکی با امام زمان علیه السلام هر روز چند آیه قرآن حتماً بخوانیم.

۱. بحار الانوار، ج ۲، ص ۲۷۲.

۲. فرقان / ۳۰.

## دستان علامه حلی در دستهای مبارک امام زمان علیه السلام

علامه حلی شب جمعه به زیارت سید الشهداء علیه السلام می‌رفت و تنها بود، و بر الاغی سوار بود، در وسط راه شخص عربی پیاده بود به علامه رسید و با هم مشغول صحبت شدند، مقداری با هم سخن گفتند، علامه فهمید این شخص مرد فاضلی است، و مقداری در مورد مسائل علمی با هم صحبت کردند، علامه فهمید این شخص بسیار صاحب علم و فضیلت و دانشمند است.

سپس علامه مشکلات علمیش را از آن شخص سؤال می‌کرد و آن شخص جواب می‌داد و مشکل او حل می‌شد.

تا اینکه سخن در مورد مسئله‌ای به میان آمد و آن شخص فتوایی داد، علامه منکر آن فتوا شد، و گفت: حدیثی بر طبق این فتوی نداریم، آن شخص گفت: حدیث در این باب شیخ طوسی در تهذیب ذکر کرده است. و در کتاب تهذیب در فلان صفحه در فلان سطر این حدیث مذکور است، علامه در حیرت شد که این شخص که باشد، پس

پرسید که آیا در زمان غیبت کبری می توان امام زمان علیه السلام را دید یا نه؟  
 در این هنگام تازیانه از دست علامه به زمین افتاد، پس آن حضرت  
 خم شد و تازیانه را از زمین برداشت و در دست علامه گذاشت و  
 فرمود: چگونه صاحب الزمان را نمی توان دید، در حالی که دست او در  
 میان دست تو است، علامه بی اختیار خود را از الاغ به زمین انداخت  
 که پای آن حضرت را ببوسد، پس غش نمود چون به هوش آمد کسی  
 را ندید.

پس از آن که علامه به خانه برگشت به خط خود در حاشیه کتاب  
 تهذیب در همان صفحه و همان سطر که حضرت فرموده بود، نوشت  
 که این حدیث آن خبری است که امام زمان علیه السلام مرا به آن خبر داد و در  
 صفحه و سطر آن کتاب به من آدرس داد.<sup>۱</sup>

۱. قصص العلماء، ص ۳۵۹، میرزا محمد تنکابنی، دار السلام نوری، ج ۲.

## چند روز میهمان حضرت، (علی بن مهزیار)

«علی بن مهزیار»<sup>۱</sup> می گوید:

نوزده سفر هر سال به مکه مشرف می شدم تا شاید خدمت مولایم حضرت «ولئ عصر»<sup>علیه السلام</sup> برسم. ولی در این سفرها حضرت را نتوانستم ملاقات کنم و هیچ اثری از آن حضرت نیافتم. مأیوس و ناامید گشتم و تصمیم گرفتم که دیگر به مکه نروم مگر اینکه از حضرت خبری بیابم. وقتی که دوستان عازم مکه بودند به من گفتند مگر امسال به مکه مشرف نمی شوی؟

گفتم: نه امسال قصد رفتن به مکه را ندارم.

شبى در عالم خواب دیدم که به من گفته شد امسال بیا سفرت را تعطیل نکن که ان شاء الله به مقصدت خواهی رسید. مهیای سفر شدم و به مکه مشرف شدم اعمال حج را انجام دادم و

---

۱. علی بن مهزیار هم اکنون قبرش در اهواز است و بقعه و بارگاه دارد و محل زیارت مردم می باشد.

دائماً در فکر آن خوابی که دیده بودم به سر می بردم و گاهی با خود می گفتم آیا آن خواب راست بوده یا خیالاتی بوده است.

یک روز در گوشه ای از مسجد الحرام نشسته بودم، جوان زیبارویی را دیدم که به من سلام کرد و پرسید: اهل کجایی؟

گفتم: اهل اهوازم.

گفت: ابن خصیب را می شناسی؟

گفتم: خدا رحمتش کند از دنیا رفت.

گفت: خدا او را رحمت کند، مرد خوبی بود، شبها مشغول عبادت بود و بسیار به درگاه خداوند می نالید و به مردم زیاد احسان می کرد.

سپس گفت: علی بن مهزیار را می شناسی؟

گفتم: بله خودم هستم.

گفت: ای پسر مهزیار! چه می خواهی و دنبال چه هستی؟

گفتم: می خواهم امام غایب را ببینم. گفت: امام از شما غایب

نیست، اعمال بد شما باعث شده که امام از شما محجوب و دور باشد.

فرمود: تو خیلی زحمت کشیدی برای زیارت حضرت ولی

عصر علیه السلام به تو بشارت می دهم که در این سفر به زیارت آن حضرت

موفق خواهی شد.

گفت: فردا شب بیا در شعب اُبی طالب که من منتظر تو هستم تا تو

را خدمت آقا امام زمان علیه السلام ببرم.

فردا شب به شعب ابی طالب رفتم دیدم همان جوان در انتظار من است. هر دو سوار شتر شدیم و از کوههای عرفات و منی گذشتم و به کوهها طائف رسیدیم به من گفت: پیاده شو تا نماز شب بخوانیم. من پیاده شدم و هر دو نماز شب خواندیم، و بعد از خواندن نماز صبح حرکت کردیم به بالای تپه‌ای رسیدیم دیدم خیمه‌ای که تمام صحرا را روشن کرده است.

گفت: منزل مقصود همانجاست، جایگاه مولا و محبوب همانجاست.

با هم نزدیک خیمه رفتیم به من گفت: تو صبر کن و خودش قبل از من وارد خیمه شد و چند لحظه بعد بیرون آمد و گفت: خوشا به حالت اجازه ملاقات دادند وارد شو.

من وارد خیمه شدم دیدم آقای بسیار زیبا بر گونه راستش خالی بود که دلها را می‌برد، با کمال محبت و مهربانی احوال مرا پرسید و فرمود: تا موقعی که خداوند بخواهد اینگونه زندگی می‌کنم تا وقتی که خدا اجازه فرجم را بدهد.

من چند روز میهمان آن حضرت در آن خیمه بودم و کمال استفاده را از آن حضرت می‌بردم تا آنکه خواستم به وطن برگردم، مبلغ پنجاه هزار درهم داشتم خواستم به عنوان سهم امام تقدیم حضورش کنم.

حضرت فرمودند که تو راه دوری در پیش داری و این پول مورد  
احتیاج تو خواهد بود.

پس خدا حافظی کردم و به طرف اهواز حرکت کردم و همیشه به  
یاد آن حضرت و محبت‌های او هستم و آرزو دارم باز هم آن حضرت را  
بینم.<sup>۱</sup>

بی مهر رخت روز مرا نور نماندست

وز عمر مرا جز شب دیجور نماندست

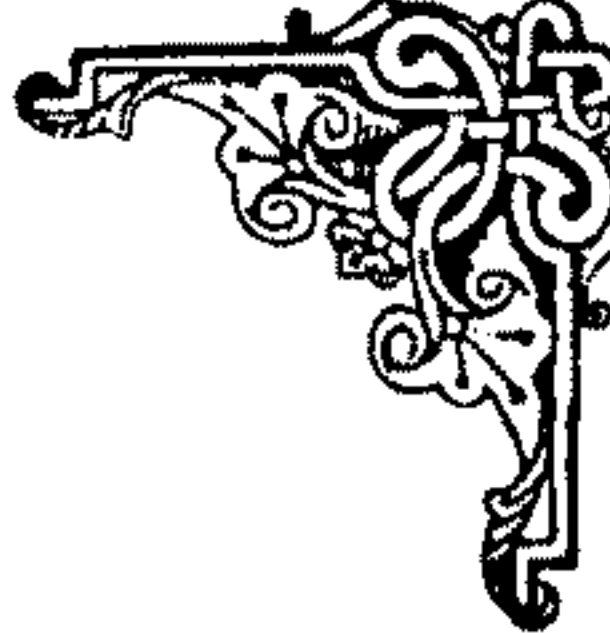

هنگام وداع تو ز بس گریه که کردم

دور از رخ تو چشم مرا نور نماندست<sup>۲</sup>

۱. دلائل الامامة، ص ۲۹۶ - منتهی الآمال، ج ۲، ص ۴۶۲ - غيبة شیخ طوسی -

کمال‌الدین شیخ صدوق.


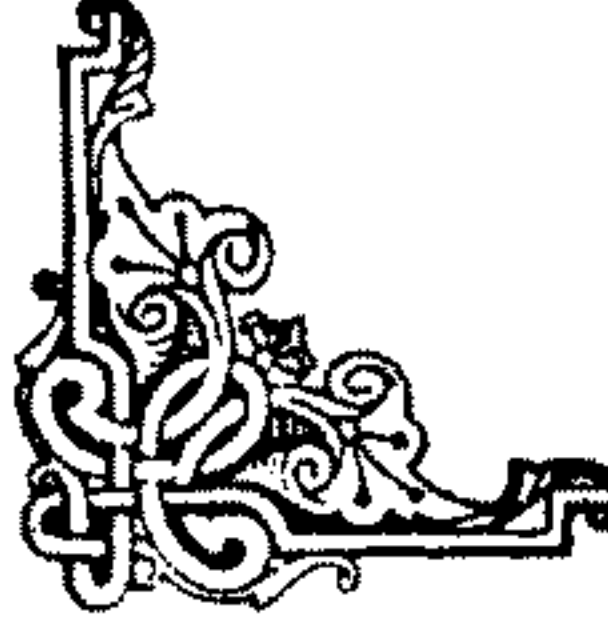
۲. حافظ.



---

اگر انسان نسبت به اعمال و رفتار  
خودش مراقبت داشته باشد و اعمال  
و رفتار انسان مورد رضایت  
حضرت بقية الله الأعظم (عج) باشد،  
و اگر کسب و کار و زندگی انسان از  
راه حلال باشد و امام زمان عليه السلام  
زندگی انسان را بپسندد، خود  
حضرتش به دیدار انسان می آید.

---





## عیادت در منزل (آیت الله بهاء الدینی)

در سال ۱۳۷۶ زمانی که در قم مشغول تحصیل بودم، شبهای پنجشنبه در مسجد اعظم قم آقای ری شهری درس اخلاق می گفتند و حکایت ذیل را ایشان در یکی از جلسات مباحث اخلاقیشان فرمودند:



شبی منزل آیت الله مشکینی بودیم، با خبر شده بودیم از بعضی از خواص که آیت الله بهاء الدینی توفیق دیدار حضرت ولی عصر علیه السلام را پیدا کرده اند، تصمیم گرفتیم به اتفاق آیت الله مشکینی به منزل ایشان برویم تا جریان را از زبان خود ایشان مستقیماً بشنویم.

وقتی که وارد منزل آیت الله بهاء الدینی شدیم، هنوز ما چیزی نگفته بودیم و چیزی نپرسیده بودیم که آیت الله بهاء الدینی فرمودند: می دانم برای چه آمده اید، درست شنیدید هفته گذشته در همین اتاق همین گونه که در بستر نشسته بودم (آیت الله بهاء الدینی، چند سال آخر عمر از دو پا فلج شده بودند و قادر به حرکت نبودند و زمین گیر

شده بودند.) حضرت بقية الله الأعظم علیه السلام تشریف آوردند و از این درب وارد شدند و لبخندی زدند و از آن درب خارج شدند. و آقای بهاء الدینی فرمودند: شصت سال منتظر چنین لحظه‌ای بودم، بالاخره به آن رسیدم.


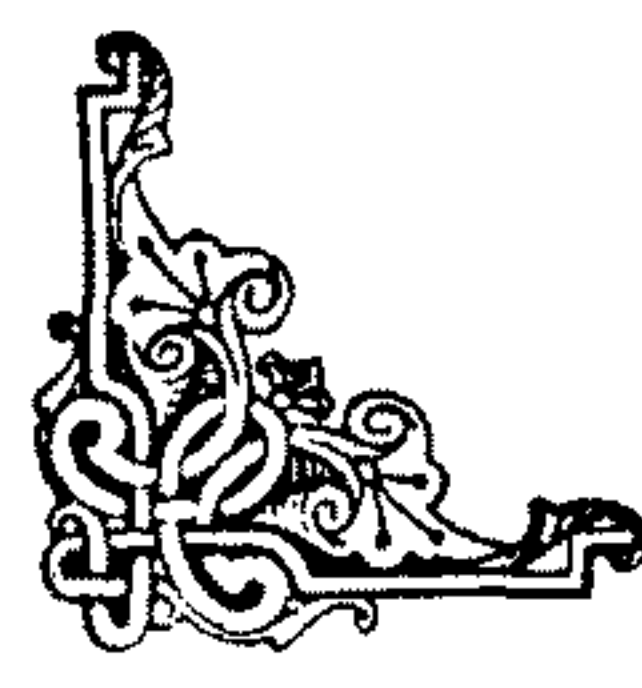
همه هست آرزویم که ببینم ز تو رویی

چه زیان تو را که من هم برسم به آرزویی



---

یکی از اموری که باعث کسب  
توفیقات می شود و بدون شک مورد  
پسند و مرضی حضرت احدیت و  
امام زمان علیه السلام است، احترام به  
والدین و خدمت کردن به آنها،  
خصوصاً در سنین پیری و کهولت  
است. و تمام بزرگان نیز رمز و راز  
اصلی موفقیت‌های خود را در احترام  
به پدر و مادر و خدمت کردن به آنها  
نقل کرده‌اند. نمی شود بدون  
رضایت پدر و مادر، رضایت امام  
زمان علیه السلام را کسب کرد.



## احترام به مادر (حاج آقا فخر تهرانی)

یکی از ارادتمندان آیت الله بهاء الدینی (ره) می گفت: بعد از بازگشت از مکه و انجام دادن حج به قم بازگشتم و برای دیدار آیت الله بهاء الدینی به منزل ایشان رفتم و در محضر ایشان صحبت از اوضاع مکه و مناسک حج به میان آمد و من شروع به توصیف معنویت و حال و نورانیت حج کردم.

معظم له فرمودند: «همه اینها به برکت امام عصر علیه السلام است، حضور آقا فضا را تغییر می دهد و معنویت را حاکم می کند»<sup>۱</sup>.

در بین سخنانی که ردّ و بدل شد، نام حاج آقا فخر تهرانی<sup>۲</sup> به میان

---

۱. امام رضا علیه السلام فرمود: به خدا قسم که حضرت صاحب زمان علیه السلام در موسم حج هر سال حاضر است و در تمام موقف حضور دارد و در عرفه نیز می باشد. و مردم را می بیند و آنها را می شناسد، و مردم نیز او را می بینند اما، او را نمی شناسند. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۵۲.

۲. یکی از اولیاء الهی روزگار، مرحوم حاج آقا فخر تهرانی بود، عارفی وارسته که با دیدنش آدمی به یاد خدا می افتاد.

فقیه عالی قدر حضرت آیت الله خرازی (دام ظلّه) در مورد ایشان می فرمودند: «چند ماهی پیش از رحلت اش شبی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را در خواب، به حال گریان دیدم، وقتی از آن حضرت علت گریه را پرسیدم، حضرت فرمود: حاج آقا فخر از دنیا رفته است! تشریف یافتگان.

آمد. معظم له فرمود: «در جلسه‌ای که حضرت ولی عصر علیه السلام در مکه داشتند، نام چندین نفر برده می‌شود که یکی از آنان حاج آقا فخر تهرانی بوده است». تعجب کردم که ایشان در قم تشریف داشته‌اند، اما از جلسه حضرت مهدی علیه السلام در مکه خبر دارند!

رو به آقا کردم و گفتم: اجازه می‌فرمایید این مطلب را به حاج آقا فخر عرض کنم؟ فرمودند: مانعی ندارد.

چون سخن معظم له را به حاج آقا فخر گفتم، شروع به گریه کردند. از ایشان پیرامون این توفیق بزرگ سؤال کردم؟

حاج آقا فخر تهرانی فرمودند: نمی‌دانم، ولی شاید به خاطر خدمتی است که به مادرم کرده‌ام. زیرا ایشان به خاطر کسالتی که داشت مدتی بستری گردید و خانه نشین شد، از این رو، تمام کارهایم را تعطیل کردم و مشغول خدمتگزاری او شدم. شاید این عمل ناچیز قبول شده است. به ویژه که مادرم از سادات و ذریه حضرت زهرا علیها السلام بود!

## سفراتش حضرت در مورد پدر

شیخ باقر کاظمی چنین نقل می‌کند:

از شخصی راستگو و صادقی که دلاک بود و پدر پیری داشت که همیشه خدمتگزاری پدرش را می‌کرد و حتی خود او آب برای پدرش در مستراح حاضر می‌کرد و می‌ایستاد منتظر او که بیرون آید و به بسترش ببرد و همیشه مواظب بود که در خدمت کردن به پدر کوتاهی نکند و تمام امور پدر اعم از تطهیر، حمام بردن غذا دادن و دیگر امور پدر را به خوبی انجام می‌داد. فقط در شبهای چهارشنبه به مسجد سهله می‌رفت، بعد از مدتی رفتن به مسجد سهله را ترک کرد شیخ باقر می‌گوید از او پرسیدم چرا دیگر به مسجد سهله نمی‌روی و ترک کردی این کار را؟

او گفت: چهل شب چهارشنبه به مسجد سهله رفتم، چهارشنبه آخر هنگام مغرب بود که من حرکت کردم به سوی مسجد پس تنها رفتم و شب شد، من می‌رفتم تا آنکه ثلث راه باقی مانده بود و هوا

روشن و مهتابی بود.

پس شخص عربی را دیدم که به طرف من می آید و به من گفت: کجا می روی؟ گفتم: مسجد سهله. بعد جملاتی بین ما رد و بدل شد، آنگاه به من فرمود: «أوصیک بالعود أوصیک بالعود؛ سه مرتبه (عود به زبان عربی بدوی، پدر پیر را می گویند)، سفارش می کنم تو را به پدر پیرت». آنگاه از نظرم غائب شد. پس دانستم آن شخص حضرت مهدی علیه السلام است و اینکه آن جناب راضی نیست به مفارقت من از پدرم حتی در شب چهارشنبه، پس دیگر شبهای چهارشنبه به مسجد سهله نرفتم. و آن شبها را هم در خدمت پدرم بودم. چون رضایت حضرت را در خدمتگزاری به پدرم دانستم<sup>۱</sup>.


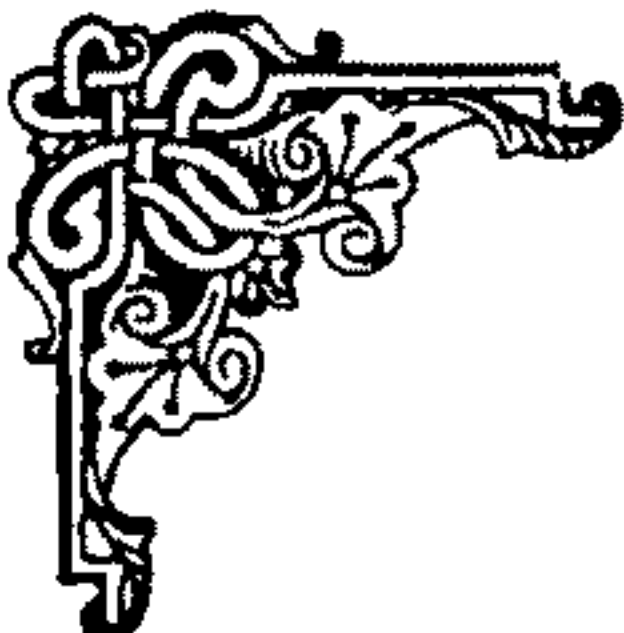
آیات و اخبار در توصیه والدین و امر به نیکی به آنها بسیار است و

یک روایت جهت تبرک نقل می کنم:


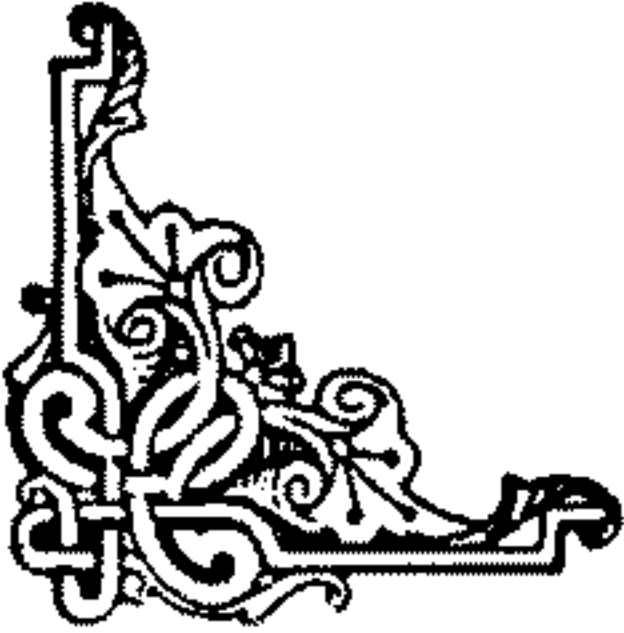
حضرت صادق علیه السلام فرمود: هر کس دوست دارد حق تعالی سکرات مرگ را بر او آسان کند، با خویشان خود صله رحم کند و به والدین خود نیکی نماید پس هر کس این دو کار را کند خداوند سکرات مرگ را بر او آسان می کند و هرگز در دنیا به او پریشانی نمی رسد<sup>۲</sup>.

۱. نجم الثاقب، و بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۲۳۸، و منتهی الآمال، ج ۲.

۲. امالی الصدوق، ص ۴۷۳.



کسانی که می خواهند با حضرت  
ولی عصر علیه السلام ارتباط پیدا کنند، باید  
بدانند که از مهم ترین کارهایی که  
موجب جلب توجه حضرت  
بقیه الله علیه السلام می شود، توسل به  
سیدالشهداء و شرکت در مجالس  
روضه خوانی و عزاداری برای  
سالار شهیدان و اصحاب و یاران  
آن حضرت است و توسل به  
حضرات معصومین علیهم السلام یکی از  
رمز و رازهای تشرّف خدمت  
حضرت ولی عصر علیه السلام است.







### گریه بر حضرت علی اصغر علیه السلام

صاحب کتاب کفایة الواعظین می گوید: حاج ستار ترکیان که یکی از متدینین تبریز و ساکن تهران است برای من نقل کرد:

در حدود سی سال پیش که من مریض شدم و مرضم تب شدیدی بود که بر من عارض شد، و یک روز در میان، تب شدید مرا به این طرز که از ظهر می گرفت تا فردا صبح طول می کشید و صبح فردا حالم بهتر می شد تا ظهر روز بعد، و از ظهر روز بعد دوباره تب با همان شدت می گرفت تا صبح روز بعد، دو روز باین نحو گذشت. دفعه سوم هنگام ظهر که مشغول خوردن غذا بودم باز همان حال در من پیدا شد، گفتم: رختخواب مرا بیندازید که تب من عارض شد، و در این تب سومی که داشتم با تب دست و پنجه نرم می کردم، و در آتش تب می سوختم تو سل به پیغمبر و فاطمه زهرا و ائمه علیهم السلام نکردم بلا واسطه رو کردم به درگاه خداوندی عرض کردم: خدایا! تو کسی هستی که دعای فرعون را اجابت کردی و تو قادر و توانا هستی، اگر بگویی این تب از من می رود.

می‌گوید: من این دعا را کردم مختصر چرتم گرفت و خوابیدم در عالم رؤیا دیدم مجلسی تشکیل شده است حضرت رسول ﷺ نشسته و در اطراف آن بزرگوار اشخاصی نشسته‌اند، ولی من نمی‌دانم حاضرین چه کسانی هستند، در اینجا دیدم رسول خدا ﷺ فرمود: به پسر عمم زیاد ظلم کردند، به پسر عمم زیاد ظلم کردند، به پسر عمم زیاد ظلم کردند (سه مرتبه) بعد از هاتف صدا آمد: یا محمد ﷺ! دعا کن ما این شخص را شفا دهیم، حضرت دستهای مبارکش را به درگاه خداوندی بلند کرد و عرض کرد پروردگارا من کارها را رجوع کرده‌ام به فرزندم و او باید دعا کند می‌گوید: در عالم رؤیا حضرت حجّت (عجل الله تعالی فرجه) را دیدم که تنها نشسته و کسی هم در خدمتش ایستاده و در حال قیام است، حضرت به او فرمود: به جدّم علی علیه السلام زیاد ظلم کردند و سه مرتبه این جمله را تکرار فرمود، مانند رسول خدا ﷺ، بعد فرمود: این مرد (یعنی من) در عملش چیزی نیست، اما در روضه جدم حسین علیه السلام به مصیبت علی اصغر علیه السلام زیاد گریه کرده، نظر به اینکه به مصیبت علی اصغر زیاد گریه کرده خداوند عالم به این شخص دوباره عمر عطا کرد، دیگر از فردا شب این شخص مریض نمی‌شود.

حاج ستار می‌گوید: از آن ساعت کاملاً خوب شدم و تا بحال به مرض تب مبتلا نشده‌ام<sup>۱</sup>.

۱. کفایة الواعظین، ج ۳، به نقل از فوائد وجود حضرت ولی عصر علیه السلام.

## روضه حضرت عباس علیه السلام

آیت الله خوشبخت از مرحوم حاج محمد علی فشنندی\* نقل می‌کند:

سالی برای مناسک حج به مکه رفته بودم، شبی برای مناجات و عبادت اسباب و اثاریهام را جمع کردم و از کاروان جدا شدم و به خلوتی رفتم، مأموران سعودی گفتند: اثاریه را نبر، احتمال دارد راه‌زنها بیایند و اثاریه تو را ببرند، گوش نکردم رفتم، در حین مناجات دیدم سیاهی از دور می‌آید، با خود گفتم: حرف مأموران را گوش نکردم، دارند می‌آیند، وقتی نزدیک شد، دیدم سیاهی نیست بلکه سر تا پا نور و صفا است، فرمود: حاج محمد علی، چای داری، عرض کردم: خیر، اما کتری دارم الآن دم می‌کنم. فرمود: کتری را بگذار چای اش را من می‌دهم، چای را خوردیم آقا تا صبح مشغول عبادت و

---

\*. از مرحوم حاج محمد علی فشنندی حدود ۴۰ تشریف نقل شده است. حکایت مذکور را حجة الاسلام والمسلمین حاج آقای صدیقی از آیت الله خوشبخت نقل کردند و بنده از ایشان شنیدم.

مناجات و دعا بود، دعاهایی که من تا حالا نشنیده بودم، با خودم گفتم: فردا از روحانی کاروان می‌پرسم این دعاها اسمش چیست و کجا نوشته شده، آقا فرمودند: نه حاج محمد علی! این دعاها مخصوص امام زمان علیه السلام است، من باز هم متوجه نشدم این آقا، خود حضرت هستند، صبح که می‌خواستند خدا حافظی کنند و بروند من دستهایم را باز کردم و آقا را در آغوش گرفتم و صورت حضرت را بوسه زدم و لبهایم روی خال زیبای حضرت قرار گرفت و از آنجایی که عجیب عاشق و شیفته آقا شده بودم (البته هنوز هم متوجه نشده بودم که آقا، حضرت ولی عصر علیه السلام است) به آقا عرض کردم: آیا من باز هم شما را می‌بینم؟

فرمودند: بله، عرض کردم کجا؟ فرمودند: در منی در چادر شما «روضه عمویم حضرت عباس علیه السلام» را می‌خوانند و من آنجا می‌آیم.

## گریه حضرت بر اسیری حضرت زینب علیها السلام

شیخ جلیل ملاً سلطانعلی روضه خوان تبریزی که از جمله عبّاد و زهاد بود نقل کرد:

در عالم رؤیا به حضور حضرت بقیه الله (عجل الله تعالی فرجه) مشرف شدم و در خدمت ایشان عرض کردم:

مولای من آنچه که در زیارت «ناحیه مقدسه» ذکر شده است که می فرماید: «فلا بدّینک صباحاً ومساءً ولا بکین علیک بدل الدّموع دماً؛ یا جدّاه! یا ابا عبد الله! هر صبح و شام برایت با صدای بلند و فریاد ضجّه می زنم و به جای اشک، خون گریه می کنم».

آیا صحیح است؟ حضرت فرمودند: بله صحیح است.

عرض کردم: آن مصیبتی که در آن به جای اشک خون گریه می کنید

کدام است؟ آیا مصیبت حضرت علی اکبر علیه السلام است؟

فرمودند: «نه، اگر علی اکبر علیه السلام زنده بود در این مصیبت او هم

خون گریه می کرد». گفتم: آیا مصیبت حضرت عباس علیه السلام است؟

فرمود: «نه، بلکه اگر حضرت عباس علیه السلام در حیات بود او هم در این مصیبت خون گریه می کرد».

عرض کردم: لابد مصیبت حضرت سید الشهداء علیه السلام است؟  
حضرت فرمود: «حضرت سید الشهداء علیه السلام هم اگر زنده بود در این مصیبت خون گریه می کرد».

عرض کردم: پس این کدام مصیبت است که من نمی دانم؟  
فرمودند: آن مصیبت، مصیبت اسیری حضرت زینب علیها السلام است<sup>۱</sup>.

۱. کتاب برکات حضرت ولی عصر علیه السلام، ص ۳۹۱، حکایت ۲۱۱.

## پرداخت سهم امام زمان علیه السلام

### (حاج علی بغدادی)

مرحوم شیخ عباس قمی در کتاب شریف «مفاتیح الجنان» با اینکه کتاب دعا است اما حکایت حاج «علی بغدادی» را نقل کرده است. بخاطر اهمیت بسیار زیادی که این قضیه دارد و شیخ عباس می گوید: مناسب است که در اینجا حکایت سعید صالح، صفی متقی «حاج علی بغدادی» نقل شود.

و می فرماید: شیخ ما علامه محدث نوری در کتاب جنة المأوی و کتاب شریف نجم الثاقب این حکایت را نقل کرده و می گوید: اگر در کتاب نجم الثاقب هیچ حکایتی نبود جز همین حکایت حاج علی بغدادی که حکایتی یقینی و صحیحه است و در آن فوائد بسیار زیادی است و در این نزدیکیها واقع شده همین قضیه برای شرافت و نفیس بودن کتاب کفایت می کرد.

حاج علی بغدادی نقل کرد که هشتاد تومان سهم امام علیه السلام



بدهکار بودم به نجف اشرف رفتم و بیست تومان از آن پول را به جناب «شیخ مرتضی» دادم و بیست تومان دیگر را به جناب «شیخ محمد حسن مجتهد کاظمینی» و بیست تومان به جناب «شیخ محمد حسن شروقی» دادم و تنها بیست تومان دیگر به گردنم باقی بود، که قصد داشتم وقتی به بغداد برگشتم به «شیخ محمد حسن آل یس» بدهم و مایل بودم که وقتی به بغداد رسیدم، فوراً خمس را پرداخت کنم.

در روز پنجشنبه‌ای بود که به کاظمین به زیارت حضرت موسی بن جعفر و امام جواد (سلام الله علیهما) رفتم و خدمت جناب «شیخ محمد حسن آل یس» رفتم و مقداری از آن بیست تومان را دادم و بقیه را وعده کردم که بعد از فروش اجناس به تدریج به من حواله دهند که بدهم.

و بعد همان روز پنجشنبه عصر به قصد بغداد حرکت کردم ولی جناب شیخ به من گفت بمانم عذر خواستم و گفتم باید مزد کارگران کارخانه شعربافی را بدهم و چون رسم چنین بود که مزد کارگران را شب جمعه می‌دادم.

به طرف بغداد حرکت کردم، یک سوم راه را رفتم سید جلیلی را دیدم، که از طرف بغداد رو به من می‌آید وقتی نزدیک شد به من سلام کرد و دستهای خود را دراز کرد که با من مصافحه و معانقه کند و

فرمود: «اهلاً و سهلاً» و مرا در بغل گرفت و با هم با کمال محبت معانقه کریم و هر دو یکدیگر را بوسیدیم.

فرمود: «حاج علی خیر است کجا می روی؟»

گفتم: کاظمین بودم زیارت کردم و به بغداد برمی گردم.

فرمود: امشب، شب جمعه است، بیا به کاظمین برگردیم.

گفتم: آقا من نمی توانم و امکانات ندارم!

فرمود: داری! برگرد تا نزد جدم امیرالمؤمنین علیه السلام شهادت دهم که

تو از دوستان و موالیان ما هستی و شیخ هم شهادت می دهد، ما دو شاهد می شویم و خدای تعالی هم فرموده: دو شاهد بیاورید.

این مطلب اشاره ای بود به آنچه من در دل نیت کرده بودم، که وقتی جناب شیخ را دیدم، از او تقاضا کنم که چیزی بنویسد و در آن شهادت دهد، که من از دوستان اهل بیت عصمت و طهارت هستم و آن را در کفن خود بگذارم.

گفتم: شما این مطلب را از کجا می دانید و چطور شهادت می دهید؟!

فرمود: «کسی که حق او را به او می رسانند، چگونه رساننده را نمی شناسد؟»

گفتم: چه حقی؟

فرمود: «آنچه به وکلای من رساندی!» (منظور خمس بود).

گفتم: وکلای شما کیست؟ فرمود: شیخ محمد حسن.

گفتم: او وکیل شما است؟ فرمود: وکیل من است.

اینجا در خاطر من خطور کرد که این سید جلیل که مرا به اسم صدا زد با آنکه مرا نمی‌شناخت کیست؟

به خودم جواب دادم، شاید او مرا می‌شناسد و من او را فراموش کرده‌ام! با خود گفتم: این سید کیست که علماء اعلام را وکیل خود می‌داند و مقداری تعجب کردم! و با خود گفتم: البته علماء وکلایند در گرفتن سهم سادات.

سپس به من فرمود: برگرد باهم برویم جدم را زیارت کن.

با هم قدم زنان به طرف کاظمین براه افتادیم.

گفتم: سؤالی دارم؟

فرمود: بپرس.

گفتم: مرحوم شیخ عبد الرزاق، مدرس بود روزی نزد او رفتم او می‌گفت: کسی که در تمام عمر خود روزها روزه بگیرد و شبها را به عبادت بگذراند و چهل حج و چهل عمره بجا آورد و در میان صفا و مروه بمیرد و از دوستان امیرالمؤمنین علیه السلام نباشد! برای او فائده‌ای ندارد!

فرمود: آری واللّه برای او چیزی نیست.

گفتم: ای آقا! من سؤالی دارم؟

فرمود: بپرس.

گفتم: روضه خوانهای امام حسین علیه السلام می خوانند: که سلیمان اعمش از شخصی سؤال کرد، که زیارت سید الشهداء علیه السلام چطور است. او در جواب گفت: بدعت است. شب همان شخص که گفته بود بدعت است در خواب دید که هودجی در میان زمین و آسمان است، سؤال کرد که در میان این هودج کیست؟

گفتند: حضرت فاطمه زهرا و خدیجه کبری علیهما السلام هستند.

گفت: کجا می روند؟

گفتند: چون امشب، شب جمعه است به زیارت امام حسین علیه السلام می روند و دید برگه هایی را از هودج می ریزند که در آنها نوشته شده: «امان من النار لزوار الحسين علیه السلام فی ليلة الجمعة امان من النار یوم القيامة؛ امان نامه ای است از آتش جهنم برای زوار سید الشهداء علیه السلام در شب جمعه» آیا این حدیث صحیح است؟  
فرمود: بله راست است و مطلب تمام است.

گفتم: ای آقای من صحیح است که می گویند: کسی که امام حسین علیه السلام را در شب جمعه زیارت کند، برای او امان از آتش جهنم است؟

فرمود: «آری واللّه» و اشک از چشمان مبارکش جاری شد و گریه

کرد.

گفتم: ای آقای من سؤالی دارم؟

فرمود: بپرس.

گفتم: آیا آقا علی بن موسی الرضا علیه السلام هنگام مرگ به بالین زوارش

می آید و او را از دست نکیر و منکر نجات می دهد؟

فرمود: «آری واللّه جدّ من ضامن است».

گفتم: زیارت من از حضرت رضا علیه السلام قبول است؟

فرمود: ان شاء الله قبول است.

گفتم: زیارت حاج احمد بزازیاشی قبول است، یا نه؟ (او با من در

راه مشهد رفیق و شریک در مخارج بود).

فرمود: عبد صالح زیارتش قبول است.

گفتم: فلان کس اهل بغداد که همسفر ما بود زیارتش قبول است؟

جوابی نداد.

گفتم: آقای من این کلمه را شنیدید؟ یا نه! آیا زیارتش قبول است؟

باز هم جوابی نداد (آن شخص در راه سفر دائماً به لهو و لعب مشغول

بود و مادرش را هم کشته بود).

مقداری که راه رفتیم به صحن مقدس کاظمین رسیدیم، از طرف

«باب المراد» که طرف شرقی حرم است و پائین پای مقدّس است،

وارد شدیم و آقا وارد حرم شد و ایستاد و فرمود: زیارت بخوان.

گفتم: سواد ندارم.

فرمود: برای تو زیارت بخوانم؟

گفتم: بله.

فرمود: «أَدْخُلْ يَا اللَّهُ السَّلَامَ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، السَّلَامَ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ» بر یک یک ائمه سلام کرد تا رسید به امام حسن عسکری علیّه السلام بعد از آن به من فرمود: امام زمانت را می شناسی؟ گفتم: چطور نمی شناسم. فرمود: به او سلام کن.

گفتم: «السَّلَامَ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ يَا ابْنَ الْحَسَنِ» آقا تسمی کرد و فرمود: «عَلَيْكَ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ» پس داخل حرم شدید و خود را به ضریح مقدس چسبانیدیم و ضریح را بوسیدیم و به من فرمود: زیارت بخوان. گفتم: سواد ندارم.

فرمود: من برای تو زیارت بخوانم؟

گفتم: بله.

فرمود: کدام زیارت را برای تو بخوانم؟

گفتم: هر زیارتی که افضل است.

فرمود: زیارت امین الله افضل است، سپس مشغول زیارت امین الله شد و آن زیارت را خواند.

وقتی زیارت تمام شد، از طرف پائین پا به طرف پشت سر یعنی طرف شرقی حرم مطهر آمدیم، آقا به من فرمودند: آیا مایلی جدم

حسین بن علی علیه السلام را زیارت بکنی؟

گفتم: بله شب جمعه است زیارت می‌کنم.

آقا برایم زیارت وارث را خواندند، در این موقع مؤذن از اذان مغرب فارغ شد آقا به من فرمودند: به جماعت ملحق شو و نماز بخوان.

نماز خواندم، وقتی نمازم تمام شد، نگاه کردم دیدم او نیست با عجله از مسجد بیرون آمدم و در میان حرم گشتم، او را ندیدم، قصد داشتم او را پیدا کنم و شب او را مهمان کنم.

با خود گفتم: این سید که بود؟ این همه معجزات و کرامات از میان راه برگشتم و حال آنکه به هیچ قیمتی بر نمی‌گشتم! او اسم مرا می‌دانست! با آنکه تا به حال او را ندیده بودم، جریان شهادت او و اطلاع از خطورات دل من و...

فردا صبح به خدمت آقای شیخ محمد حسن رفتم و جریان را نقل کردم، او فرمود: خدا تو را موفق فرماید و به من اشاره کرد که این قضیه را مخفی کنم و پیش خود حفظ کنم.

### توسل به نرجس خاتون علیها السلام مادر امام زمان علیه السلام

مرحوم حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی (ره) مؤسس حوزه علمیه قم نقل می کند:

یکوقتی محضر آیت الله شیرازی در سامراء درس می خواندیم در اثناء درس، استاد بزرگ ما آیت الله سید محمد فشارکی وارد شد، در حالیکه آثار گرفتگی و انقباض از صورتش پیدا بود، معلوم بود که پریشانی ایشان در اثر بروز بیماری وبا بود که در آن زمان در عراق شیوع پیدا کرده بود.

فرمود: شما مرا مجتهد می دانید یا نه؟ عرض کردیم: بله، فرمود: عادل می دانید؟ عرض کردیم: بله، (مقصود این است که از آنها تصدیق بگیرد که شرایط حکم و فتوی در من هست)، آنوقت فرمود: من به تمام شیعیان سامرا و از زن و مرد حکم می کنم هر یک از ایشان یک فقره زیارت عاشورا نیابةً از والده محترمه امام زمان (روحی ارواحناه فداه) بخوانند، و آن محترمه را در نزد فرزند بزرگوارش



شفیعه قرار دهند که آن حضرت پیش خداوند عالم شفاعت نماید تا خداوند، شیعیان سامراء را از این بلا نجات دهد.

مرحوم حائری فرمود: همینکه این حکم صادر گردید چون مقام ترس بود همه شیعیان مقیم سامراء اطاعت نمودند، و در نتیجه یک نفر شیعه در سامراء تلف نشد، در حالیکه هر روز ده پانزده نفر از غیر شیعه در اثر ویا تلف می شدند.\*

\*. الکلام یجر الکلام، ج ۱، ص ۵۴، سید احمد زنجانی.

## زیارت جامعه در محضر امام زمان علیه السلام

محدث عارف مرحوم مجلسی اوّل (رحمة الله عليه) در روضة المتقين در آغاز شرح «الزيارة الجامعة الكبيرة» می فرماید:

در اوقاتی که خدای تعالی مرا به زیارت مزار امیرالمؤمنین علیه السلام موفق کردند و من در حوالی آن روضه مقدسه به ریاضات و مجاهدات پرداختم و خداوند متعال به برکت مولی امیرالمؤمنین علیه السلام ابواب مکاشفاتی بر من گشود که ضعفای عقول از تحمل آنها عاجزند در چنین عالمی «بین نوم و يقظه» که در رواق «عمران» روضه مبارکه نشسته بودم، دیدم که در سامرّاء هستم و مشهد امامین «امام هادی و امام عسکری علیهما السلام» را می دیدم که در نهایت ارتفاع و زیبایی بوده و بر قبر شریفشان پوششی از لباس سبز بهشتی بوده است. دیدم مولای ما صاحب العصر والزمان علیه السلام را که نشسته اند و به قبر تکیه داده اند و روی مبارکشان به سوی در است. چون آن بزرگوار را دیدیم، با صدای بلند همچون مداحان شروع به خواندن زیارت جامعه کبیره نمودم و چون به پایان آوردم، آن حضرت علیه السلام فرمودند: خوب زیارتی است.

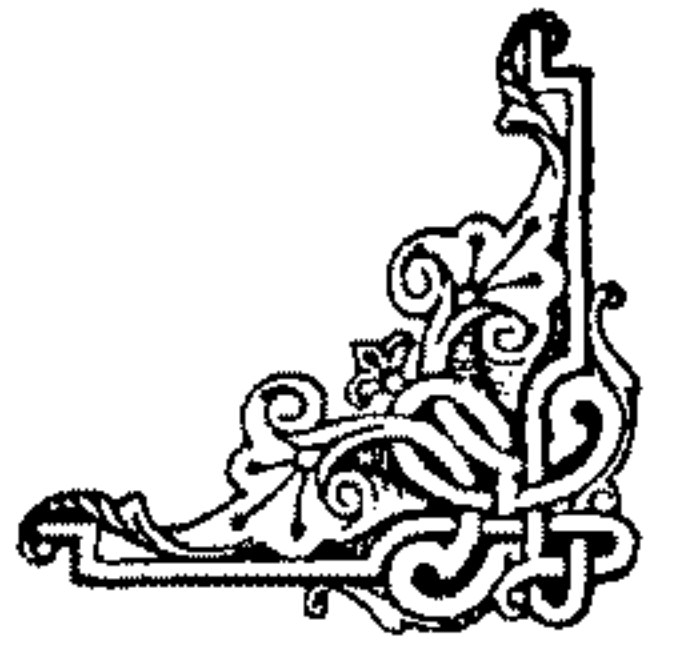
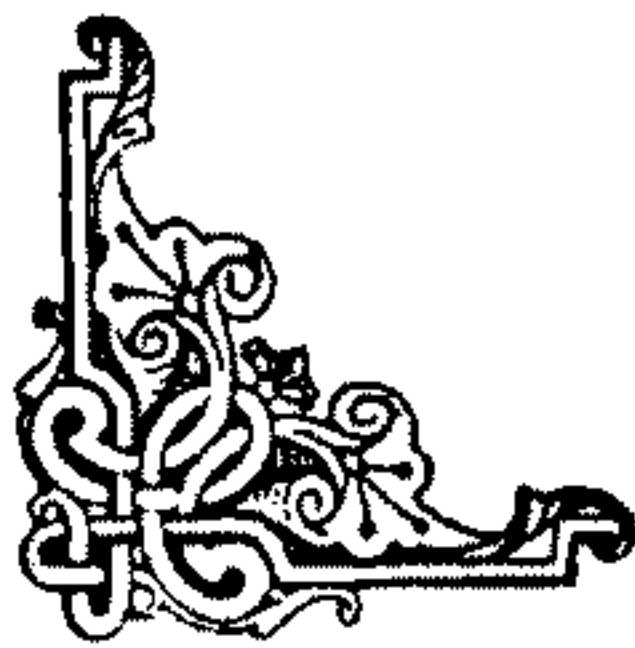
عرض کردم: مولایم روحی فداک، زیارتی است که از جدّت (اشاره به قبر امام هادی علیه السلام نمودم) به ما رسیده است؟ فرمودند: آری، داخل شو، جهت امثال امر داخل شدم ولی نزدیک در ایستادم، فرمودند: جلو بیا، عرض کردم: از سوء ادب می ترسم. فرمودند: وقتی که به اذن ما باشد سوء ادب نیست اشکالی ندارد، کمی جلو رفتم اما مرتعش و لرزان بودم. آن جناب تقدّم، تقدّم\* را تکرار می فرمودند و من بتدریج نزدیک می رفتم تا آنکه نزدیک حضرتش علیه السلام ایستادم، فرمودند: بنشین. به امثال امرش همچون عبدی در پیشگاه مولایی جلیل، نشستم، فرمودند: راحت و مرتّع بنشین، زیرا خسته ای و با پای پیاده و برهنه آمدی. حاصل آنکه از آن حضرت، الطاف عظیمه و مکالمات لطیفه ای نسبت به این عبد اظهار گردید که از شمار بیرون است و اکثر آنها را فراموش کردم، و سپس بیدار شدم در همان روز اسباب زیارت حاصل شد و چنانکه حضرت صاحب الامر علیه السلام فرموده بودند با پای پیاده و برهنه رهسپار گردیدم<sup>۱</sup>. علامه مجلسی فرموده: بهترین زیارات، زیارت جامعه است از جهت متن و سند و فصاحت و بلاغت. و مجلسی اوّل (ره) فرموده: که این زیارت احسن و اکمل زیاراتست و من تا در عتبات عالیات بودم زیارت نکردم ائمه علیهم السلام را مگر به زیارت جامعه کبیره.

\* یعنی: جلو بیا، جلو بیا.

۱. روضة المتقین، ج ۵، ص ۴۵۱، به نقل از شرح زیارت امین الله (آیت الله گیلانی).



این حکایت را محدث نوری در کتاب  
شریف «نجم الثاقب» نقل کرده، به  
خاطر اهمیت فراوان آن و  
سفارشات حضرت در مورد نماز  
شب، زیارت عاشورا و زیارت  
جامعه کبیره. شیخ عباس قمی هم  
این حکایت را در کتاب گران سنگ  
«مفاتیح الجنان» قبل از زیارت  
جامعه کبیره نقل نموده است.



**سفارش حضرت به خواندن نماز شب،**

**زیارت عاشوراء، زیارت جامعه (سید احمد رشتی)**

محدث نوری می گوید:

سید احمد موسوی رشتی برایم نقل کرد و گفت: در سال ۱۳۸۰، (قمری)، به قصد حج از رشت به تبریز آمدم و در منزل حاج صفر علی تاجر تبریزی معروف وارد شدم و چون قافله‌ای برای رفتن به مکه نبود متحیر بودم که چه باید بکنم تا آنکه حاجی جبار جلو دار اصفهانی قصد رفتن به طرابوزن را داشت، من هم از او مرکبی کرایه کردم و با او رفتم در منزل اول سه نفر دیگر، به نام حاج ملا محمد باقر تبریزی و حاج سید حسین (ع) تاجر تبریزی و حاج علی به من ملحق شدند و همه با هم روانه راه شدیم، تا رسیدیم به «ارض روم» و از آنجا عازم «طرابوزن» شدیم. در یکی از منازل بین راه، حاج جبار جلو دار نزد ما آمد و گفت: این منزل که در پیش داریم بسیار مخوف است، لطفاً قدری زودتر حرکت کنید تا بتوانیم همراه قافله باشیم. چون در

سایر منزلها غالباً ما از قافله فاصله داشتیم. ما فوراً حرکت کردیم و حدود دو ساعت و نیم و یا سه ساعت به صبح با قافله حرکت کردیم، حدود نیم فرسخ که از منزل دور شدیم، برف تندی باریدن گرفت، هوا تاریک شد، رفقا سرشان را پوشانده بودند و با سرعت می رفتند، من هر چه کردم که خودم را به آنها برسانم ممکن نشد، تا آنکه آنها رفتند و من تنها ماندم از اسب پیاده شدم و در کنار راه نشستم و خیلی ناراحت بودم چون حدود ششصد تومان برای مخارج همراهم بود، بالاخره فکرم به اینجا رسید که تا صبح همین جا بمانم و چون هنوز تازه از شهر بیرون آمده بودیم، می توانم به جایی که از آنجا حرکت کرده‌ام برگردم و چند محافظ بردارم و خودم را به قافله برسانم.

ناگهان همان گونه که در این افکار بودم، در مقابل خود آن طرف جاده، شخصی را دیدم که پیش من آمد و به زبان فارسی گفت: تو که هستی؟

عرض کردم: رفقا رفته‌اند و من مانده‌ام و راه را نمی دانم، گم کرده‌ام.

گفت: «نافله بخوان تا راه را پیدا کنی».

من مشغول نافله شب شدم پس از پایان تهجدم، باز آمد و گفت:

نرفتی؟

گفتم: واللّه راه را بلد نیستم.

فرمود: «زیارت جامعه بخوان». من با آنکه زیارت جامعه را حفظ نبودم و هنوز هم حفظ نیستم، آنجا مشغول زیارت جامعه شدم و تمام آن را بدون غلط از حفظ خواندم.

باز آمد و گفت: هنوز نرفتی! و اینجا هستی من بی اختیار گریه‌ام گرفت، گفتم: بله هنوز راه را بلد نیستم که بروم. فرمود: «زیارت عاشورا بخوان».

من برخاستم و ایستادم و زیارت عاشورا را با آنکه حفظ نبودم از اوّل تا به آخر با صد لعن و صد سلام و دعای علقمه خواندم.

پس از آنکه تمام کردم باز آمد و فرمود: نرفتی هستی؟ گفتم: تا صبح اینجا هستم.

فرمود: من الآن تو را به قافله می‌رسانم، سوار الاغی شد و فرمود: ردیف من بر الاغ سوار شو، من سوار شدم. و مهار اسب را گرفتم و پشت ما می‌آمد. در بین راه دست روی زانوی من گذاشت و فرمود: «شما چرا نافلة شب را نمی‌خوانید؟ نافلة نافلة نافلة سه مرتبه تکرار کرد.

دوباره فرمود: شما چرا زیارت عاشورا نمی‌خوانید؟ عاشورا، عاشورا، عاشورا سه مرتبه فرمود، و بعد فرمود: شما چرا زیارت جامعه نمی‌خوانید؟ جامعه، جامعه، جامعه».

اوراه را دائره وار می‌رفت، یک مرتبه برگشت و فرمود: آنها رفقای

شما هستند، دیدم آنها لب جوی آبی پائین آمده‌اند و مشغول وضو برای نماز صبح هستند من از الاغ پیاده شدم، که سوار اسب خودم شوم و خود را به آنها برسانم ولی نتوانستم آن آقا از الاغ پیاده شد و مرا سوار اسب کرد و سراسب را به طرف هم‌سفرانم برگرداند، در آن حال به فکر افتادم که این شخص که بود؟ که اولاً: فارسی حرف می‌زد! با آنکه در آن حدود فارسی زبان نیست. و به من دستور نافله و زیارت عاشورا و زیارت جامعه می‌داد، و به این سرعت مرا به رفقای خود رسانید؟!

وقتی به عقب سر خود نگاه کردم، احدی را ندیدم و متوجه شدم که او حضرت «ولیی عصر علیّه السلام» است. پس به رفقای خود ملحق شدم.



## هشت توصیه حضرت (آیت الله مرعشی نجفی)

حجّة الاسلام والمسلمین سید حسن ابطحی نقل می کند که من از مرحوم حضرت آیت الله مرعشی نجفی شنیدم که ایشان می فرمودند: سیدی از اهل علم می گفتند: برای زیارت حضرت سید محمد پسر امام هادی علیه السلام که در نزدیکی سامرا<sup>۱</sup> قبه و بارگاهی دارد پیاده می رفتم. کم کم راه را گم کردم گرما و تشنگی به من فشار آورد، تا آنکه روی زمین بیهوش افتادم و چیزی نفهمیدم ناگاه چشمم را باز کردم، سر خود را روی زانوی شخصی دیدم، که به حلقم آب می ریزد من از آن آب خوردم. سپس سفره نانش را باز کرد و چند قرص نان به من داد. آن آقا به من فرمود: ای سید قصد کجا را داری. گفتم: می خواهم به زیارت حضرت سید محمد علیه السلام بروم. با هم قدم زنان به طرف حرم سید محمد علیه السلام به راه افتادیم در بین راه من متوجه شدم که آن آقا حضرت بقیه الله روحی فداه است ولذا مطالبی را آن حضرت به من تعلیم دادند که من به خاطر سپردم و آن مطالب اینهاست. اول: تأکید زیادی به من می فرمودند که: ای سید تا می توانی قرآن بخوان.

دوم: می فرمودند که: زیر زبان میّت عقیقی که نامهای مقدسه ائمه اطهار علیهم السلام نوشته شده باشد بگذارید.

سوم می فرمودند: به پدر و مادر نیکی کن و اگر از دنیا رفته باشند، با خیرات و مبرّات به آنها اظهار محبّت نما.

چهارم می فرمودند: تا می توانی به زیارت عتبات مقدسه ائمه اطهار علیهم السلام برو و همچنین قبور امامزاده‌ها و صلحاء را زیارت کن.

پنجم: می فرمودند: تا می توانی به سادات و ذرّیه علویه احترام کن و تو خودت هم قدر سیادت و انتسابت را به خاندان رسالت بدان و برای این نعمتی که خدا به تو داده است سپاسگزار باش، زیرا این انتساب موجب سعادت و سربلندی تو در دنیا و آخرت خواهد بود.

ششم: فرمودند: نماز شب را ترک نکن و به آن بسیار اهمیت بده و فرمودند: حیف است که اهل علم، آنهایی که خود را وابسته به ما می دانند مداومت به نماز شب نداشته باشند.

هفتم: می فرمودند: تسبیح حضرت زهرا علیها السلام و زیارت سید الشهداء علیهم السلام را از دور و نزدیک ترک نکن.

هشتم: می فرمودند: خطبه حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا علیها السلام در مسجد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و خطبه شقشقیه حضرت علی علیه السلام و خطبه حضرت زینب علیها السلام در مجلس یزید را ترک نکن!

### درآمد حلال کسب با انصاف (پیر مرد قفل ساز)

مردی از دانشمندان در آرزوی زیارت حضرت بقیة اللہ علیہ السلام بود و از عدم توفیق رنج می برد. مدّت‌ها ریاضت کشید و در مقام طلب بود. در نجف اشرف میان طلاب حوزه علمیه معروف است که هر کس چهل شب چهارشنبه مرتباً و بدون وقفه توفیق پیدا کند که به مسجد سهله رود و نماز مغرب و عشاء خود را در آنجا بخواند، سعادت تشرّف امام زمان علیہ السلام را خواهد یافت.

مدّت‌ها این عمل را انجام داد و اثری از مقصود ندید. سپس به علوم غریبه متوسل شد و به عمل ریاضت در مقام کسب و طلب درآمد، چله‌ها نشست و ریاضت‌ها کشید و اثری ندید. ولی به خاطر آن که شبها بیدار مانده و در سحرها ناله‌ها داشت، صفا و نورانیتی پیدا کرد و برخی از اوقات برقی نمایان می‌گشت و بارقه عنایت، بدرقه راه وی می‌شد و حالاتی به او دست می‌داد.

در یکی از این حالات به او گفتند: دیدن تو و شرفیابی خدمت امام زمان علیه السلام میسر نخواهد شد، مگر آن که به فلان شهر سفر کنی هر چند این مسافرت مشکل بود، ولی در راه مقصود و محبوب آسان بود. پس از چندین روز به آن شهر رسید و در آن جا نیز مشغول به ریاضات و چله گرفتن شد، روز سی و هفتم یا سی و هشتم به او گفتند: الآن حضرت بقیة الله علیه السلام در بازار آهنگران، در دکان پیرمردی قفل ساز نشسته است، هم اکنون برخیز و شرفیاب باش.

بلند شد و به طوری که در عالم خلسه خود دیده بود، راه را طی کرد و بر در دکان پیرمرد رسید و دید حضرت ولی عصر علیه السلام آنجا نشسته اند و با پیرمرد گرم گرفته، چون سلام کردم، جواب فرمود و اشاره به سکوت کردند، اکنون حادثه‌ای اتفاق می افتد، تماشا کن. در این حال دیدم پیرزنی را که ناتوان بود و قد خمیده داشت عصازنان، با دست لرزان، قفلی را نشان داد و گفت: آیا ممکن است برای خدا این قفل را به مبلغ «سه شاهی» از من بخرید، من به سه شاهی پول احتیاج دارم.

پیرمرد قفل ساز، قفل را نگاه کرد و دید قفل، بی عیب و سالم است. گفت: ای خواهر من! این قفل «هشت شاهی» ارزش دارد. پیرزن گفت: شما این قفل را سه شاهی از من بخرید من شما را دعا

می‌کنم. چون نیازمند سه شاهی هستم.

پیر مرد گفت: خواهرم تو مسلمانی و من هم دعوی مسلمانی دارم، چرا مال مسلمان را ارزان بخرم و حق کسی را تضییع کنم، این قفل هشت شاهی ارزش دارد و من اگر بخواهم منفعت ببرم به هفت شاهی خریداری می‌کنم تا یک شاهی من منفعت ببرم. من چون کاسب هستم و باید نفع ببرم یک شاهی ارزان خریده‌ام.

شاید پیرزن باور نمی‌کرد که این مرد درست می‌گوید، و به آن قفل ساز گفت: هیچ کسی راضی نشد این قفل را سه شاهی از من بخرد (همه می‌گفتند که این قفل بیش از دو شاهی ارزش ندارد) و احتیاج من برآورده شود. پیرمرد هفت شاهی پول به آن زن داد و قفل را خرید.

چون پیرزن بیرون رفت، امام علیه السلام به من فرمود: آقای عزیز! دیدی و تماشا کردی، این طور باشید و این جور بشوید تا ما به سراغ شما بیاییم، چله‌نشینی لازم نیست، متوسل شدن به علوم غریبه سودی ندارد، ریاضت و سفرها رفتن احتیاج نیست، عمل نشان دهید و مسلمان باشید تا من بتوانم با شما همکاری کنم، از همه این شهر من این پیرمرد را انتخاب کرده‌ام زیرا این پیرمرد دین دارد و خدا را می‌شناسد، این هم امتحانی که داد، از اول بازار این پیرزن عرض

حاجت کرد و چون او را محتاج و نیازمند دیدند، همه می خواستند که ارزان بخرند و هیچ کس، حتی سه شاهی نیز خریداری نکرد و این پیرمرد به هفت شاهی خرید، هفته‌ای بر او نمی گذرد مگر آن که من به سراغ او می آیم و از او احوالپرسی می کنم.<sup>۱</sup>

۱. کتاب سرمایه سخن، ج ۱، ص ۶۱۱.

### برکات معنوی (آیت الله تهرانی)

حجّة الاسلام والمسلمین سید حسین هاشمی نژاد یکی از وعاظ و منبریهای تهران نقل می کردند و بنده خودم از ایشان شنیدم که می گفت: حضرت آیت الله حاج آقا مجتبی تهرانی که یکی از شاگردان حضرت امام (ره) بوده و از فضلاء و مدرسین حوزه که سالها و هم اکنون در مدرسه علمیه مروی مشغول تدریس درس خارج فقه و اصول می باشد می فرمود: پدرم که یکی از علماء و فضلاء عصر خویش بود بیماری دل درد شدیدی گرفت، چندین دکتر رفت، بهبودی حاصل نشد، و کاری از دست پزشکان برنیامد و این بیماری شدیداً پدرم را آزار و رنج می داد، تا اینکه حضرت بقیة الله الأعظم (روحی له الفداء) در یکی از ملاقاتها، مقداری نبات به پدرم دادند و فرمودند: از این نبات بخور خوب می شوی، پدرم هم مقداری از آن نبات را خورد بیماریش خوب شد و مقداری را هم به من داد، و من

تمام برکات معنوی خود را هم مدیون حضرت ولی عصر علیه السلام هستم،  
بخاطر آن مقدار نباتی که از دست نازنین حضرت دریافت کرده بودم و  
خورده بودم.



### عمر با برکت (شیخ حرّ عاملی)

محدث عالی مقام، عالم بزرگوار، صاحب کتاب شریف وسائل الشیعة شیخ حرّ عاملی در کتاب اثبات الهداة فرموده که:

من در زمان کودکی که ده سال داشتم، به بیماری سختی مبتلا شدم بطوری که همه از درمانم عاجز ماندند، اقوام و خانواده‌ام دور بستم جمع شده بودند و برای مردن من گریه می‌کردند چون یقین داشتند که من می‌میرم. من در میان خواب و بیداری در آن شب «پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ» و «دوازده امام عَلَيْهِمُ السَّلَامُ» را دیدم.

به آنها سلام کردم و با یک یک آنها مصافحه نمودم و بین من و امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ سخنی ردّ و بدل شد، که در خاطر من ماند، ولی یادم هست که آن حضرت در حق من دعا کردند.

پس سلام کردم بر حضرت صاحب الزمان عَلَيْهِ السَّلَامُ و با حضرت مصافحه کردم و گریستم و گفتم: ای مولای من، می‌ترسم که با این بیماری و مرض بمیرم و موفق به تحصیل علم و عمل نشوم.

حضرت فرمود: نترس در این بیماری نخواهی مرد، خدا تو را شفا می دهد و عمر طولانی خواهی کرد.

آنگاه ظرف آبی که در دست مبارکش بود به من داد، من از آب آشامیدم و فوراً شفا یافتم و آن بیماری به کلی از من برطرف شد، و خانواده و خویشاوندانم تعجب کردند و همه متحیر بودند تا آنکه بعد از چند روز این قضیه را به آنها گفتم. علامه می نویسد: وقایع مهم و خطرهای بزرگی و حوادث تلخ و مهالک شدیدهای برایم پیش آمد که همه را به برکت توجه حضرت ولی عصر علیه السلام پشت سر گذاشته و نجات پیدا کردم.

## دعای ویژه امام زمان علیه السلام (تولد شیخ صدوق)

یکی از اوتاد روزگار، که خدمات زیادی به عالم تشیع کردند، و کتب نفیسی از خود به یادگار گذاشته‌اند و یکی از کتب اربعه شیعیان از ایشان می‌باشد.

محمد پسر علی بن بابویه معروف به شیخ صدوق (ره) می‌باشد که قبر شریفشان در شهرری قبرستان ابن بابویه زیارتگاه مؤمنین و خوبان است.

و توفیقاتی که شیخ صدوق بدست آورد من جمله عمر با برکت ایشان که توانست این همه به مکتب اهل بیت خدمت کند، دعایی بود که امام زمان علیه السلام برای ایشان کرده بودند و شیخ صدوق در زمان غیبت صغری به دعای پربرکت امام زمان علیه السلام بدنیآآمده‌اند و شرح این واقعه را شیخ طوسی در کتاب شریف «غیبة» به این شکل نقل می‌کند:

محمد بن اسود گفت: علی بن بابویه (پدر شیخ صدوق) صاحب اولاد نمی‌شد از من خواست که از شیخ ابو القاسم حسین بن روح (نایب خاص سوم امام زمان) استدعا کنم او از حضرت ولی عصر علیه السلام خواهشی کند برای علی بن بابویه دعا نماید، خداوند

پسری به وی مرحمت فرماید.

حسین بن روح هم به حضرت نامه‌ای نوشت، سه روز بعد به من اطلاع داد که امام برای علی بن بابویه دعا فرمود و بزودی خداوند پسری با برکت به او عنایت می‌نماید و مردم از وجود او نفع خواهند برد پس از این پسر فرزندان دیگر نیز خداوند به او خواهد داد.

شیخ صدوق نیز جریان ولادت خودش را که با تقاضای کتبی پدرش از محضر امام زمان علیه السلام و دعای آن حضرت بوده به همین شکل در کتاب «کمال الدین» نقل کرده است.

و شیخ صدوق رحمته الله می‌گوید: هر وقت محمد بن اسود مرا می‌دید که برای یادگیری علم و دانش به محضر استاد می‌روم، به من می‌فرمود: این میل و اشتیاق به علم و دانش که در تو وجود دارد مایه شگفتی و تعجب نیست، زیرا تو به دعای حضرت ولی عصر، امام زمان علیه السلام متولد شده‌ای.

آری هرگاه عنایت خاص امام زمان علیه السلام و دعای مخصوص آن حضرت شامل حال انسان گردد، عمر انسان اینگونه با برکت می‌شود. به شکلی که حضرت آیت الله جوادی آملی نقل می‌فرمود:

بعد از گذشت هزار سال، از زمان فوت شیخ صدوق، قبر شریف ایشان بر اثر سیل خراب شده بود، تمام علماء و بزرگان من جمله استاد، استاد ما «حضرت آیت الله حاج آقا علی حکیم» نیز رفته بودند و بدن شیخ صدوق را دیده بودند که بعد از هزار سال بدن هنوز سالم و بی عیب است مثل اینکه تازه او را دفن کرده‌اند.

### ذکر تشرف (شیخ رجبعلی خیاط)

قرائت آیه کریمه ﴿وَقُلْ رَبِّ اَدْخِلْنِيْ مُدْخَلَ صِدْقٍ وَّاَخْرِجْنِيْ  
مُخْرَجَ صِدْقٍ وَّاجْعَلْ لِّيْ مِنْ لَّدُنْكَ سُلْطٰنًا نَّصِيْرًا﴾<sup>۱</sup> یک صدبار تا  
چهل شب.

طبق نقل، تعداد قابل توجهی از شاگردان شیخ رجبعلی، از طریق  
مداومت بر این ذکر، خدمت امام زمان علیه السلام تشرف پیدا کرده‌اند، هر  
چند در هنگام تشرف امام علیه السلام را نشناخته‌اند.

برای نمونه به حکایت زیر اشاره می‌شود:

#### تشرف آیت الله زیارتی

یکی از شاگردان شیخ رجبعلی نقل می‌کند که: جناب شیخ به  
مرحوم آیت الله آقای زیارتی در مهدی شهر، برای تشرف خدمت  
حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) دستور العملی داده بودند «ظاهراً  
همان ذکری است که اشاره شده» پس از انجام آن به شیخ مراجعه کرد

و عرض کرد که: دستور العمل را انجام دادم و موفق نشدم؟

شیخ توجهی کرد و فرمود:

«هنگامی که در مسجد نماز می خواندید سیدی به شما فرمود:

انگشتر در دست چپ کراحت دارد، و شما گفتید: کل مکروه جائز،

همان ایشان امام زمان علیه السلام بودند»<sup>۱</sup>.

## نگهداری از شیعه‌خانه (آیت الله نائینی)

مرحوم میرزا مهدی اصفهانی از شاگردان خاص مرحوم آیه الله العظمی نائینی پس از آن که از شکوه‌ها و شکایت‌های استاد خود به محضر معصومین علیهم‌السلام در مورد اوضاع و خیم ایران در جنگ جهانی اول خبر می‌دهد، می‌گوید:

مرحوم نائینی فرمودند:

«من خیلی نالیدم و متوسل شدم و به حضرت امام زمان علیه‌السلام شکایت کردم. یک روز همین طور که متوسل بودم بر من مکاشفه‌ای شد و حضرت ولی عصر (ارواحنا له فداء) را زیارت کردم. دیدم حضرت ایستاده‌اند و دیوار مرتفع سر به فلک کشیده‌ای در حدود ده تا بیست متر در آن جا بود. حضرت با انگشت به من اشاره کردند که نگاه کنم.

دیوار به طرز وحشتناکی کج شد و ستون دیوار حدوداً نیم مورّب شده است اما بالای آن حدود پنج، شش متر از جای اصلیش حرکت

کرده است. بعد دیدم انگشت حضرت به طرف دیوار است و به من اشاره کردند که نگاه کن بعد حضرت فرمودند:

این دیوار، ایران است، کج می شود اما با انگشتان نگاهش داشته ایم نمی گذاریم خراب شود. این جا شیعه خانه ماست، کج می شود اما نمی گذاریم خراب شود»<sup>۱</sup>.

۱. توجهات حضرت ولی عصر علیه السلام به علماء، نقل از آشتی با امام زمان.



## طواف کعبه همراه با امام زمان علیه السلام

### (صَبِيْه آيْتِ اللّٰه اِرَاقِي)

حضرت آية الله حاج شيخ محمد علي اراقي (ره) یکی از مراجع بزرگوار تقلید و از عارفان و عالمان حوزه علمیه قم می فرمودند:

دخترم که همسر حجّة الاسلام آقای حاج سید آقای اراقي است می خواست به مکه مکرمه مشرف شود و می ترسید نتواند، در اثر ازدحام حجاج طوافش را کامل و راحت انجام دهد.

من به او گفتم: اگر به ذکر «یا حفیظ یا علیم» مداومت کنی خدا به تو کمک خواهد کرد. او مشرف به مکه شد و برگشت، در مراجعت یک روز برای من تعریف می کرد که من به آن ذکر مداومت می کردم، و بحمد الله اعمالم را راحت انجام می دادم، تا آنکه یک روز در موقع طواف، بوسیله جمعی از سودانیها ازدحام عجیبی را در مطاف مشاهده کردم. قبل از طواف با خود فکر می کردم که من امروز چگونه در میان این همه جمعیت طواف کنم، حیف که من در اینجا محرمی

ندارم، تا مواظب من باشد، مردها به من تنه نزنند، ناگهان صدایی شنیدم! کسی به من می‌گوید: متوسل به امام زمان علیه السلام بشو تا بتوانی راحت طواف کنی. گفتم: «امام زمان» کجاست؟  
گفت: «همین آقا است که جلوی تو می‌روند».

نگاه کردم دیدم، آقای بزرگواری پیش روی من راه می‌رود و اطراف او به قدر یک متر خالی است و کسی در آن حریم وارد نمی‌شود. همان صدا به من گفت: وارد این حریم بشو و پشت سر آقا طواف کن.

من فوراً پا در حریم گذاشتم و پشت سر حضرت بقیه الله الأعظم (عج الله تعالی فرجه الشریف) می‌رفتم و به قدری نزدیک بودم که دستم به آقا می‌رسید.

آهسته دست به پشت عباي آن حضرت گذاشتم و به صورتم مالیدم، و می‌گفتم آقا قربانت بروم، «ای امام زمان» فدایت شوم، و به قدری مسرور بودم که فراموش کردم به آقا سلام کنم.

خلاصه همین طور هفت شوط طواف را بدون آنکه بدنی به بدنم بخورد و آن جمعیت انبوه برای من مزاحمتی داشته باشد انجام دادم. و تعجب می‌کردم که چگونه از این جمعیت انبوه کسی وارد این حریم نمی‌شود.<sup>۱</sup>

۱. کتاب گنجینه دانشمندان، ج ۲، ص ۶۴.  
لازم به ذکر است که بنده خودم این حکایت را از داماد حضرت آیت الله اراکی در مدرسه

## سفارش امام زمان علیه السلام به علامه محمد تقی مجلسی (در مورد صحیفه سجادیه)

مرحوم ملا محمد تقی مجلسی (ره)، پدر علامه محمد باقر مجلسی «صاحب کتاب شریف بحار الانوار» می فرماید:

در اوائل بلوغ مراقبت زیادی نسبت به اعمال خود داشتم و دائماً در پی کسب رضایت خداوند بودم و در همین ایام شبی در حالت مکاشفه حضرت بقیه الله الاعظم علیه السلام را دیدم که در مسجد جامع قدیم اصفهان، تشریف دارند. به آن حضرت سلام کردم و دست مبارکشان را بوسیدم و مشکلاتی که داشتم از ایشان پرسیدم.

یکی از آنها این بود که من در نماز وسواس داشتم و همیشه با خود می گفتم: این نمازهایی که من می خوانم، نماز صحیح و مقبول نیست، لذا دائماً مشغول قضا کردن آنها بودم و به همین خاطر «نماز شب»

---

فیضیه قم پرسیدم، و ایشان تصدیق کردند. و این حکایت را برای بنده نقل نمودند.

برای من میسر نمی شد. در این باره از استاد خود شیخ بهائی پرسیدم ایشان فرمود: یک نماز ظهر و عصر و مغرب را به قصد نماز شب به جا آور. من هم همین کار را می کردم.

در این جا از حضرت ولی عصر علیه السلام این موضوع را پرسیدم، فرمودند: «نماز شب بخوان و کار قبلی را ترک کن».

مسائل دیگری هم پرسیدم که یادم نیست، آن گاه عرض کردم: مولی جان! برای من امکان ندارد که همیشه به حضورتان مشرف شوم، تقاضا دارم کتابی که همیشه به آن عمل کنم را به من عطا فرمایید.

فرمودند: «کتابی به تو عطا کردم و آن را به مولا محمد تاج داده ام، برو آن را از او بگیر».

من در همان عالم مکاشفه آن شخص را می شناختم.

به سمت «دار بطیخ» (محلای در اصفهان) رفتم وقتی به آن جا رسیدم مولا محمد تاج مرا دید و گفت: حضرت صاحب الامر علیه السلام تو را فرستاده اند؟

گفتم: آری.

او از بغل خود کتاب کهنه ای بیرون آورد، آن را باز کردم و بوسیدم و بر چشم خود گذاشتم. در همین وقت به حال طبیعی خود برگشتم و

دیدم کتاب در دست من نیست تا طلوع فجر مشغول تضرع و گریه و ناله بودم بعد از نماز و تعقیبات به سراغ استاد خودم شیخ بهایی رفتم وقتی به محل تدریس او رسیدم، دیدم مشغول تصحیح و مقابله کتاب «صحیفه سجادیه» است.

نزد شیخ رفتم و خواب خود را به او گفتم و به خاطر از دست دادن کتاب گریه می‌کردم. شیخ فرمود: به تو بشارت می‌دهم، زیرا به علوم الهی و معارف یقینی خواهی رسید گرچه شیخ این مطالب را فرمود اما قلب من آرام نگرفت.

به دلم افتاده به محله دار بطیخ همان جایی که در خواب دیده بودم، بروم وقتی به آنجا رسیدم، مرد مؤمن و صالحی را که اسمش «آقا حسن تاج» بود دیدم، به او سلام کردم. گفت: فلانی، کتاب‌هایی نزد من هست بیا و به این کتابها نگاه بکن و هر کدام را که نیاز داری بردار. با او به کتابخانه‌اش رفتم و اولین کتابی که ایشان به من داد کتابی بود که در خواب دیده بودم، وقتی کتاب را باز کردم دیدم صحیفه سجادیه است.

شروع به گریه و ناله کردم و گفتم: همین برای من کافی است. از آن به بعد مردم مخصوصاً اهل اصفهان انس زیادی با صحیفه سجادیه گرفتند و این کتاب شریف در اکثر خانه‌ها استفاده می‌شد و مردم اهل

دعا شده بودند تا جایی که عده زیادی به خاطر انس با صحیفه سجادیه و انس با دعا مستجاب الدعوه گردیدند. و خداوند متعال از برکات صحیفه سجادیه به من عنایاتی فرمود که نمی توانم به شمار آورم.<sup>۱</sup>

۱. منتهی الآمال، ج ۲، ص ۶۶۹.

شاید یکی از همان برکاتی که به وسیله صحیفه سجادیه نصیب مرحوم ملا محمد تقی مجلسی شد این بود که خداوند پسری به او داد به نام محمد باقر که خدمات بسیار فراوانی به اسلام و مخصوصاً مذهب شیعه کرد که تنها یکی از کتابهای محمد باقر (علامه مجلسی) کتاب شریف بحار الانوار در صد و ده جلد می باشد.

و خود مرحوم محمد تقی مجلسی می گوید: در یک سحر که مشغول تهجد و عبادت بودم، حالت خوشی به من دست داد و احساسی کردم که هر دعایی بکنم مستجاب می شود، در همین حین ناگهان صدای محمد باقر از قنداقه به گریه بلند شد و من اینگونه دعا کردم که خدایا این محمد باقر را خدمتگزار دین خود قرار بده و او را از مروجین دین قرار بده.

## طرح دوستی (شیخ مفید)

۱. اگر کسی در راه عبودیت و بندگی خداوند قدم برداشت در این وادی می‌تواند با بهترین موجودات هستی رفاقت و دوستی داشته باشد، چنان‌که قرآن کریم در مورد حضرت ابراهیم خلیل می‌فرماید: ﴿وَ اتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا﴾؛ «خداوند ابراهیم را به عنوان دوست خود انتخاب کرد».

۲. و همانگونه که سلمان فارسی در دوستی با پیامبر آنقدر پیشرفت و آنقدر صادق بود که پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: سلمان در دوستی با ما آنقدر به ما نزدیک شد که جزء خاندان ما اهل بیت شد «سلمان منا اهل البيت»، و اهل بیت راجع به او فرموده‌اند: نگوئید سلمان فارسی، بگوئید سلمان محمدی.

۳. پس ما هم اگر بخواهیم با حضرت بقية الله عَلَيْهِ السَّلَام طرح دوستی بریزم میسر است، اما به شرط اینکه شرایط دوستی را رعایت کنیم،

یعنی اعمالی انجام دهیم که مورد پسند آن حضرت باشد.

۴. یکی از آن کسانی که با حضرت طرح دوستی ریخته بود و

حضرت هم او را در خطاباتش به عنوان برادر و دوست خطاب کرده

است، شیخ مفید رحمته الله است که سه توقیع (نامه‌ای که به خط خود

حضرت نوشته شده است)، امام زمان علیه السلام برای او فرستادند و

بعضی‌ها قائلند در زمان غیبت کبری فقط برای شیخ مفید توقیع

فرستاده شده است و لا غیر.

به امید آن روزی که ما نیز در زمره دوستان حضرت قرار گیریم،

بعضی از جملات آن توقیعات را نقل می‌کنیم:

۱. در یکی از توقیعات که از امام زمان علیه السلام برای شیخ مفید صادر

شده است اینگونه آمده است:

«للاخ السدید والولی الرشید الشیخ المفید اما بعد سلام علیک

ایها الولی المخلص فی الدین الخصوص فینا بالیقین فانّ نحمد

الیک ادام الله توفیقک لنصرة الحق واجزل مثوبتک علی نطقک عنا

بالصدق».

به برادر استوار و دوستدار رشید، شیخ مفید، درود خدا بر تو ای

دوست خالص ما در دین، ای کسی که دارای یقین به ما هستی.

خداوند توفیق تو را مستدام فرماید در یاری کردن حق و به خاطر



نشر علوم ما خداوند ثواب فراوانی به تو عنایت فرماید.

۲. در توقیع دیگری آمده است:

«سلام عليك ايها العبد الصالح الناصر للحق الداعي اليه بكلمة  
الصدق فاننا نحمد اليك الله.

وبعد: فقد كنا نظرننا مناجاتك عصمك الله تعالى بالسبب الذي  
وهبه لك من اوليائه وحرسك من كيد اعدائه».

سلام بر تو ای بنده شایسته! یاری کننده حق که مردم را دعوت  
می کنی به سوی حق به درستی و راستی، و ما به درستی که  
می فرستیم به سوی تو حمد پروردگار را. و بعد، ما به مناجاتهای تو  
توجه داریم، خداوند تو را به خاطر آن وسیله و موفقیتی که به تو از  
دوستانش بخشید، حفظ کند و تو را از کید و توطئه دشمنان نگهدارد.  
۳. هنگامی که شیخ مفید (ره) از دنیا رفت با خط شریف امام

زمان علیه السلام بر روی قبرش نوشته شده بود:

لا صوت الناعي بفقدك انه

يوم على آل الرسول عظيم

ان كنت قد غيبت في جدت الثرى

فالعلم والتوحيد فيك مقيم

## والقائم المهدی یفرج کما

تلیت علیه من الدروس علوم

خبر دهنده مرگ خبر فقدان تو را آورد، امروز برای آل

محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ روز مصیبت بزرگی است.

اگر تو در میان خاک قبر پنهانی، علم توحید همراه تو اقامت کرد.

قائم مهدی (عج الله) خوشحال می شود، هر وقت که درسها و علوم

تو را برایش می خوانند.<sup>۱</sup>

## چهل شب چهارشنبه رفتن به مسجد سهله

محدّث نوری در کتاب شریف «نجم الثاقب» نقل می‌کند:

که سید جعفر پسر سید جلیل القدر سید باقر قزوینی که دارای کرامات فراوانی بود، گفت: من با پدرم به مسجد سهله می‌رفتیم، نزدیک مسجد سهله که رسیدیم، به پدرم گفتم: این حرفها که مردم می‌گویند، هر کسی چهل شب چهارشنبه به مسجد سهله<sup>۱</sup> برود حضرت مهدی علیه السلام را می‌بیند، معلوم نیست که اصلی داشته باشد.

پدرم بسیار ناراحت شد و گفت: چرا اصلی ندارد؟ پسرم اگر چیزی را تو ندیدی دلیل بر این نیست که اصلی نداشته باشد. و مرا

---

۱. در نجف اشرف معروف است که هر کس چهل شب چهارشنبه مرتباً و بدون وقفه توفیق پیدا کند که به مسجد سهله برود و نماز مغرب و عشاء خود را در آنجا بخواند سعادت ملاقات امام زمان علیه السلام را خواهد یافت.

همچنین چنین چیزی در مورد مسجد مقدس جمکران نیز معروف است که هر کس چهل شب چهارشنبه به مسجد جمکران برود (البته در این ایام نیز مراقبت از اعمال و رفتار خود داشته باشد) خدمت حضرت بقیة الله الاعظم ان شاء الله خواهد رسید.

بسیار سرزنش کرد، به طوری که من از گفته خود پشیمان شدم، در این موقع وارد مسجد سهله شدیم، در مسجد کسی نبود، ولی وقتی پدرم در وسط مسجد ایستاد که نماز بخواند، شخصی از طرف مقام حضرت «حجت» علیه السلام پیش او آمد، پدرم به او سلام کرد و با او مصاحفه نمود.

بعد پدرم پیش من آمد و به من گفت: آیا فهمیدی این شخص چه کسی است؟

گفتم: آیا او حضرت «ولی عصر علیه السلام» است؟

فرمود: پس کیست؟

من از جا حرکت کردم و به اطراف دنبال او دویدم ولی احدی را در داخل مسجد و در خارج مسجد ندیدم.

و بسیار ناراحت بودم از اینکه چرا من چیزی را که نمی دانستم انکار می کردم.

هر که شد محرم دل در حرم یار بماند

وآنکه این کار ندانست در انکار بماند

## توصیه علامه مجلسی

### جهت ملاقات کردن حضرت ولی عصر علیه السلام

از این حکایتها و بسیاری از حکایتهای دیگر که نقل شده است نتیجه گرفته می شود که مداومت بر عبادت و مواظبت بر تضرع و انابه و ضجه زدن، درگاه الهی در ۴۰ شب چهارشنبه در مسجد سهله یا ۴۰ شب جمعه در مسجد سهله یا در مسجد کوفه یا در حرم امام حسین علیه السلام یا ۴۰ شب از هر کدام شبها و در هر محل و مکانی، که انسان داشته باشد راه رسیدن به محضر شریف حضرت ولی عصر علیه السلام و ملاقات آن حضرت و دیدن جمال نورانی آن حضرت می باشد. و این عمل (چله نگه داشتن) بسیار معروف و شایع است و در این مورد حکایتهای زیادی وارد شده است و این عمل از اعمال مجربی است که بر این عمل علماء و صلحاء و اتقیاء اهتمام داشته اند. چنانکه از روایات زیادی استظهار می شود که مداومت بر یک

عمل خاص مثل دعاء یا نماز یا ذکر مخصوص در ۴۰ روز تأثیر زیادی دارد در رشد و ترقی از درجه‌ای به درجه دیگر و از حالتی به حالت دیگر پس در نتیجه اینکه مواظبت بر عبادت و بندگی و تضرع و انابه در ۴۰ روز تأثیر زیادی دارد برای بدست آوردن هر چیز مهمی.

چنانچه در کافی روایت شده که: هر بنده‌ای که چهل روز به یاد خدا باشد و خداوند را در همه امور یاد کند خداوند او را در دنیا زاهد قرار می‌دهد او را به دردها و درمان دردهایش آگاه می‌کند و در قلب او حکمت قرار می‌دهد و زبانش را به حکمت باز می‌نماید.

و در مورد اربعین مطالب بسیاری وجود دارد، مانند: توبه بهلول نباشی که مرحوم صدوق در امالی نقل کرده که ۴۰ روز توبه کرد، تا آیه قرآن نازل شد و...، خداوند میقات پیامبرش موسی علیه السلام را ۴۰ روز قرار داد.

وارد شده که: پیامبر ۴۰ روز از خدیجه هجرت کرد برای مبعوث شدن به پیامبری.

شاهد دیگر اینکه با سندهای معتبر از امام صادق علیه السلام روایت شده که: هر کسی «دعای عهد» را ۴۰ صبح بخواند از یاران حضرت قائم علیه السلام خواهد بود و اگر قبل از قیام حضرت بمیرد خداوند او را از قبرش بیرون می‌آورد!

توضیح: تمام این چله گرفتن‌ها و اربعین نگه داشتن به معنای عزلت و دوری از مردم و رها کردن کسب و کار و تحصیل نیست، که بعضیها به این شکل غلط چله‌نشینی می‌کنند چنین اربعین نگه داشتن یعنی رها کردن زندگی و فقط در کُنْجی فرو رفتن از روشهای صوفیه است که در تعابیر علماء به تقوای منفی یاد شده است. بلکه چله نگه داشتن به معنای این است که انسان ۴۰ شبانه روز در تمامی اوقات و کارهایی که انجام می‌دهد به یاد خداوند و برای رضای پروردگار باشد چنین اربعینی اثر دارد.<sup>۱</sup>

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۳۲۵.

## منابع و ماخذ

۱. قرآن کریم.....
۲. تفسیر نمونه ..... آیت الله مکارم شیرازی
۳. بحار الانوار..... علامه مجلسی
۴. نجم الثاقب ..... محدث نوری
۵. غیبة نعمانی ..... علامه ابن زینب نعمانی
۶. غیبة طوسی ..... شیخ طوسی
۷. کمال الدین و تمام النعمة ..... شیخ صدوق
۸. اعلام الوری ..... علامه امین الاسلام طبرسی
۹. لهوف ..... سید بن طاووس
۱۰. منتهی الآمال..... شیخ عباس قمی
۱۱. کافی..... مرحوم کلینی
۱۲. مناقب ..... ابن شهر آشوب
۱۳. علل الشرایع ..... شیخ صدوق



۱۴. شرح زیارت امین الله ..... آیت الله گلپایگانی
۱۵. مفاتیح الجنان ..... شیخ عباس قمی
۱۶. آیت بصیرت ..... سید حسن شفیعی
۱۷. معادشناسی ..... علامه طهرانی
۱۸. دلائل الامامة ..... مرحوم جریر طبری
- و چندین کتاب ارزشمند دیگر....